زندگینامه جامع

حضرت فاطمه معصومه(س)

نگارش

محمدرضا بهبهانی نژاد

Reza۲۰۰۵nejad@gmail.com

زمستان ۱۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به

حضرت فاطمه معصومه(س)

که یاری دهنده من در مشکلات زندگی بوده اند

و تقدیم به پدر بزرگوار و مادر فداکارم

که تمام پیشرفتهای خود را در زندگی مدیون زحمات ایندو فرشته می دانم

و تقدیم به ساحت مقدس حضرت ولی عصر(عج) و نایب برحقش

که ولایت تمام امت اسلامی را برعهده دارند

و تقدیم به همسر عزیز و فرزندان دلبندم (آقا محمدحسین و نازنین زهرا خانم)

که مرا در این راه یاری می نمایند

و تقدیم به تمام کسانی که از ابتدای تولد تا کنون در تعلیم و تربیت من موثر بوده اند و مرا در راه کسب علم و دانش و عمل به آن یاری نموده اند.

فهرست مطالب

مقدمه ۷

فصل اول: تاریخچه زندگانی ۲

مقدمه ۲

خلاصه ای از زندگینامه حضرت معصومه (س) ۳

قبل از ولادت ۵

ولادت و کودکی ۶

پیش گویی تولد ۶

زمان تولد ۸

بعد از تولد ۹

نحوه تربیت آن حضرت ۱۰

حوادث پس از مرگ پدر و قبل از ولادت ۱۲

در طول سفر ۱۲

با کاروان نور; از مدینه تا قم ۱۳

شرح منازل مدینه تا بغداد ۱۴

ورود به شهر قم ۱۶

وفات ۱۷

مادر حضرت ۱۹

برادران و خواهران ۲۱

تعداد فرزندان ۲۲

ابراهیم فرزند امام کاظم (ع) و برادر حضرت معصومه (س) ۲۳

ویژگی های ابراهیم ۲۳

آیا امام کاظم (ع) تنها یک ابراهیم داشت؟ ۲۷

زید مبارز فرزند امام کاظم (ع) و برادر حضرت معصومه (س) ۲۹

جایگاه زید ۲۹

روایتی در اثبات امامت ۳۱

حسین بن موسی فرزند امام کاظم(ع) و خواهر حضرت معصومه(س) ۳۱
روایاتی از ایشان ۳۳
گردش روزگار ۳۳
نیکوترین عمو ۳۳
فضیلت غسل جمعه ۳۴
امامت امام‌جواد(ع) ۳۴
آستانه بی بی هیبت (خواهر حضرت معصومه (س) در جمهوری آذربایجان) ۳۴
با کاروان نور کریمه اهل بیت ۳۹
فضل بن موسی فرزند امام کاظم (ع) و برادر حضرت معصومه (س) ۴۱
فضل بن موسی چگونه به جهرم آمد؟ ۴۱
فصل دوم: تحلیل زندگانی ۴۳
مقدمه ۴۳
صفات و کمالات آن حضرت ۴۳
شخصیت و جایگاه آن حضرت ۴۳
شخصیت ایشان از زبان ائمه معصومین(ع) ۴۶
نظری بر اسامی و القاب حضرت ۴۷
شرافت‌خانوادگی ۴۹
عبادت ۴۹
مقام عصمت ۵۰
مقام شفاعت ۵۳
مقام علمی ۵۴
داستانی ازظرفیت علمی حضرت در ایام کودکی ۵۵
محدثه بودن ۵۶
کریمه اهل بیت ۵۸
نحوه تربیت آن حضرت ۵۸
بانوی برتر ۵۸

پاسخ به یک شبهه ۶۱
بعد از تولد ۶۲
رابطه امام هشتم با حضرت معصومه (س) ۶۳
مبارزات حضرت ۶۳
حضرت معصومه؛ زینب ثانی ۶۳
تعداد نفرات همراه حضرت معصومه(س) ۶۵
رحلت یا شهادت ۶۶
سخنانی از آن حضرت ۶۷
حدیث منزلت ۶۹
حب اهل بیت علیهم السلام ۶۹
دوستداران علی علیه السلام ۷۰
پاکیزگی امام حسین علیه السلام ۷۰
احادیثی درباره آن حضرت ۷۱
فصل سوم: شهر قم و حرم مطهر حضرت ۷۵
درباره شهر مقدس قم ۷۵
برگزیدن شهر قم ۷۵
سرّ قداست قم ۷۵
امام رضا(ع) و شهر قم ۷۶
زیارت نامه و ثواب زیارت حضرت ۷۷
زیارتنامه مخصوص ۷۷
ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ۷۸
معرفی بناهای حرم ۷۸
اقامتگاه فاطمه معصومه (س) ۷۹
خانم های والامقام مدفون در قم ۸۰
تولیت حرم ۸۶
فصل چهارم: عصر حاضر ۸۷

حاجت یافتگان ۸۷
شفا یافتن زن فلج شده ۸۷
شفایافتن چشم دختربچه ۸۷
حل مشکلات علمی دانشمندان ۸۷
کمک به نیازمندان ۸۸
اشعار ۸۸
منابع و مآخذ : ۹۰

مقدمه

روزگاری بود که بیماری قلبی پدر، او را بشدت اذیت می کرد و مجبور شدیم برای انجام عمل حساس قلب ایشان از اهواز به تهران برویم من به همراه مادر و پدرم رهسپار تهران شدیم بعلت کثرت بیماران قلبی انجام عمل پدر به تاخیر افتاد و سه نفری تصمیم گرفتیم از این فرصت استفاده کرده و برای زیارت حضرت معصومه(س) به قم برویم یک شب نزدیک حرم، در پارک، سه نفری در حال قدم زدن بودیم که حال پدر بد شد بطوریکه قادر به راه رفتن نبود او را روی نیمکت پارک خواباندیم چشم هایش را بسته بود ضربان قلبش کند شده بود و بزور نفس می کشید همه مردم جمع شده بودند نمی دانستم باید چکارکنم، رفتم به سمت تلفن عمومی تا به اورژانس زنگ بزنم در همین لحظات رو کردم به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) و از او خواستم که پدرم را به سلامت به من برگرداند در عوض من هم مردم را از زندگینامه و فضایل آن حضرت با خبر می کنم. پس از تماس من، اورژانس سریعاً خود را به محل رساند و پدر را به بیمارستان منتقل کرد و الحمدلله به خیر گذشت و چند روز بعد در تهران عمل قلب ایشان نیز با موفقیت انجام شد و سه نفری به اهواز بازگشتیم.

هر چند که بعلت مشغله های درسی و کاری این وعده با کمی تأخیر انجام شد ولی بالاخره با توفیقات الهی موفق شدم مطالبی در مورد زندگی حضرت معصومه(س) جمع آوری نمایم و زندگی ایشان را از دو بعد تاریخی و تحلیلی مورد بررسی قرار دهم و به همگان عرضه کنم و آنچه اکنون پیش روی شماست حاصل این کار است.

مقدمه

زندگی در مکتب خداجویان به ارزشهایی برتر از اعتبارات مادی متکی است. از اینروی هر گاه اراده کنند زنجیرهای تعلق را گشوده، چون مرغی سبک‌بال تا بی‌کرانه‌های کمال بال و پر می‌گشایند.

درک راستین چنین مکتبی و تلاش در مسیر آن، الگویی جاویدان فرا راه جویندگان ارزشهای اصیل در عرصه اندیشه و عمل قرار می‌دهد. تاریخ گواهی می‌دهد که زنجیره آثار کمال یافتگان، از خلقت آدم تا به امروز، در هیچ برهه‌ای قطع نشده و رنگ نباخته است و آنان با حضوری آسمانی، حجت بر زمینیان گشتند. صفحات درخشان کتب تاریخی انباشته از نام پرافتخار راه‌یافتگان و پویندگان جاده‌های آرمانی واصلان کوی دوست است. در این سلسله نور بانوان فضیلت‌گرا فراوانند; بانوانی که با چنگ زدن به رشته ولایت الهی خود را از فرو رفتن در ارزشهای خاکی رهانیدند و به مراتبی از درجات معنوی دست‌یافتند. گذر بر زندگی این فرزانگان زمینی و درک لحظه‌های آسمانی شدن آنان درهای عروج را بر روی مشتاقان می‌گشاید و برای لحظاتی ما را با کمال یافتگان همراه می‌سازد.

بی بی جان ! سلام . باز هم آمده ام، با دلی لبریزاز شوق ، با چشمانی درانتظار ، آمده ام تا بار دیگر درآستانه ات ، سر ادب در خاک تواضع نهم و رازمگو را ، چون سفره دل عاشقان مهجور ، پیش تو بگشایم.

زمانه غریبی است . بوی غربت چیزی نیست که مشام ما آن را حس نکند.

اما... عطر آشنایی هم وجود دارد.

اگرعده ای ولایت را همچون طعامی دیر هضم می یابند ، انبوهی عظیم نیز ، آن را همچون" شراب طهور"، همچون" تسنیم" و " کوثر" می دانند و جرعه جرعه جان تشنه خود را از زلال آن سیراب می کنند.

خانم! میلیونها دل عارف و جان شیفته وجود دارد که یک لحظه حضور در رواق روشن یک" حرم" را با عمری تنفس در مکانی بدون شما اهل بیت عوض نمی کنند.

دو رکعت نماز عاشقانه در حریم " ولی خدا" را به هیچ لذت و تفریحی نمی فروشند.

وقتی یک زیارت با معرفت، برابر با هزار حج و عمره مقبول است، کدام سرمایه گذاری است که نخواهد به سودآوری و بهره وری این تجارت معنوی برسد؟

بانوی نجیب عترت! خدا را شاکریم که طعم محبت شما را به ما چشانده است.

معصومه عصمت آموز! کریم اهل بیت ! ما هنوز محتاجیم و نیازمند. نیاز ما به قدر کرم شماست ما را رها نکنید[1].

از دیر زمان آستان قدس فاطمی، منشا هزاران کرامت و عنایت ربانی بوده است. چه قلب‌های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی و چه دست‌های تهی که سرشار از رحمت ربوبی؛ و چه انسان‌های بریده از همه جا و ناامید از همه کس، که با دلی شاد و روحی پیوسته به ابدیت از درگاه پر فیض و کرم این کریمه اهل بیت‌علیهم السلام برگشته و برای خود نوعی زندگی براساس ایمان مستحکم به ولایت اولیای حق بنا نهادند[2].

همو که دل در کنار حرمش عطر و بوی مدینه استشمام می کند و گویی در مکه بین صفا و مروه به دیدار یار رفته است. بوی بهشت دل و جان هر زائری را شاداب و با نشاط می کند. در حرمش همیشه بهار است; بهار قرآن و دعا، بهار ذکر و صلوات، بهار یادآور شبهای قدر، بهار گلدسته های نیایش و نیاز و سیراب نمودن جانهای تشنه، هر مسافر خسته بعد از زیارت با خستگی بیگانه می شود. هر رهگذری با قدم نهادن در این حرم دیگر غریبه نیست; همه او را می شناسند، او آشنای دلهاست. اگر حرمش و گنبد و گلدسته های آن چشم را نوازش می دهد، محبت و عشقش، نام و یادش، جانها و دلها را آرامش می بخشد. چرا که این حرم، حرم اهل بیت، مدفن یادگار رسول، نور چشم موسی بن جعفر(علیهما السلام)، آینه تمام نمای عفاف و پاکی، فاطمه ثانی است. او که خود دانش آموخته مکتب علوی و سرّی از اسرار خاندان نبوی بود دختری از تبار زهرا(علیها السلام) است و بارگاه رفیعش جلوه ای از بهشت برین و مدفن شریفش مطاف عرشیان و ملجأ و معبد صالحان و نقطه امید دین باوران است.

خلاصه ای از زندگینامه حضرت معصومه (س)

نام شریف آن بزرگوار فاطمه و مشهورترین لقب آن حضرت، «**معصومه**» است. پدر بزرگوارش امام هفتم شیعیان **حضرت موسی بن جعفر (ع)** و مادر مکرمه اش حضرت نجمه خاتون (س) است که مادر امام هشتم نیز هست . لذا **حضرت معصومه (س)** با **حضرت امام رضا (ع)** از یک مادر هستند.

حضرت فاطمه معصومه (س) از شخصیتهای برجسته خاندان موسوی است که دو امام را در عصر خویش درک کرده و از رهنمودهای آن بزرگان بهره برده است.

---

۱. جواد محدثی

۲. برگرفته و تلخیص است از کتاب زندگی‌نامه حضرت معصومه‌علیها السلام، انتشارات آستانه مقدسه قم.

ولادت آن حضرت در روز اول ذیقعده سال ۱۷۳ هجری قمری در مدینه منوره واقع شده است. دیری نپایید که در همان سنین کودکی مواجه با مصیبت شهادت پدر گرامی خود در حبس هارون در شهر بغداد شد. لذا از آن پس تحت مراقبت و تربیت برادر بزرگوارش **حضرت علی بن موسی الرضا (ع)** قرارگرفت.

در سال ۲۰۰ هجری قمری در پی اصرار و تهدید مأمون عباسی سفر تبعید گونه **حضرت رضا (ع)** به مرو انجام شد و آن حضرت بدون این که کسی از بستگان و اهل بیت خود را همراه ببرند راهی خراسان شدند.

یک سال بعد از هجرت برادر، **حضرت معصومه (س)** به شوق دیدار برادر و ادای رسالت زینبی و پیام ولایت به همراه عده ای از برادران و برادرزادگان به طرف خراسان حرکت کرد و در هر شهر و محلی مورد استقبال مردم واقع می شد. این جا بود که آن حضرت نیز همچون عمه بزرگوارشان حضرت زینب(س) پیام مظلومیت و غربت برادر گرامیشان را به مردم مؤمن و مسلمان می رساندند و مخالفت خود و **اهلبیت (ع)** را با حکومت حیله گر بنی عباس اظهار می کرد. بدین جهت تا کاروان حضرت به شهر ساوه رسید عده ای از مخالفان اهلبیت که از پشتیبانی مأموران حکومت برخوردار بودند،سر راه را گرفتند و با همراهان حضرت وارد جنگ شدند، در نتیجه تقریباً همه مردان کاروان به شهادت رسیدند، حتی بنابر نقلی حضرت معصومه(س) را نیز مسموم کردند.

به هر حال ، یا بر اثر اندوه و غم زیاد از این ماتم و یا بر اثر مسمومیت از زهر جفا، حضرت فاطمه معصومه (س) بیمار شدند و چون دیگر امکان ادامه راه به طرف خراسان نبود قصد شهر قم را نمود. پرسید: از این شهر«**ساوه**» تا «**قم**» چند فرسنگ است؟ آن چه بود جواب دادند، فرمود: مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که می فرمود: شهر قم مرکز شیعیان ما است. بزرگان شهر قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند به استقبال آن حضرت شتافتند; و در حالی که «**موسی بن خزرج**» بزرگ خاندان «**اشعری**» زمام ناقه آن حضرت را به دوش می کشید و عده فراوانی از مردم پیاده و سواره گرداگرد کجاوه حضرت در حرکت بودند، حدوداً در روز ۲۳ ربیع الاول سال ۲۰۱ هجری قمری حضرت وارد شهر مقدس قم شدند. سپس در محلی که امروز «**میدان میر**» نامیده می شود شتر آن حضرت در جلو در منزل «**موسی بن خزرج**» زانو زد و افتخار میزبانی حضرت نصیب او شد.

آن بزرگوار به مدت ۱۷ روز در این شهر زندگی کرد و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود.

محل عبادت آن حضرت در مدرسه ستیه به نام «**بیت النور**» هم اکنون محل زیارت ارادتمندان آن حضرت است.

سرانجام در روز دهم ربیع الثانی و «**بنا بر قولی دوازدهم ربیع الثانی**» سال ۲۰۱ هجری پیش از آن که دیدگان مبارکش به دیدار برادر روشن شود، در دیار غربت و با اندوه فراوان دیده از جهان فروبست و شیعیان را در ماتم خود به سوگ نشاند .مردم قم با تجلیل فراوان پیکر پاکش را به سوی محل فعلی که در آن روز بیرون شهر و به نام «**باغ بابلان**» معروف بود تشییع نمودند. همین که قبر مهیا شد دراین که چه کسی بدن مطهر آن حضرت را داخل قبر قرار دهد دچار مشکل شدند، که ناگاه دو تن سواره که نقاب به صورت داشتند از جانب قبله پیدا شدند و به سرعت نزدیک آمدند و پس از خواندن نماز یکی از آن دو وارد قبر شد و دیگری جسد پاک و مطهر آن حضرت را برداشت و به دست او داد تا در دل خاک نهان سازد.

آن دو نفر پس از پایان مراسم بدون آن که با کسی سخن بگویند بر اسب های خود سوار و از محل دور شدند.

بنا به گفته بعضی از علما به نظر می رسد که آن دو بزرگوار، دو حجت پروردگار: **حضرت رضا (ع)** و **امام جواد (ع)** باشند چرا که معمولاً مراسم دفن بزرگان دین با حضور اولیا الهی انجام شده است.

پس از دفن حضرت معصومه(س) موسی بن خزرج سایبانی از بوریا بر فراز قبر شریفش قرار داد تا این که حضرت زینب فرزند **امام جواد(ع)** به سال ۲۵٦ هجری قمری اولین گنبد را بر فراز قبر شریف عمه بزرگوارش بنا کرد و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگوار اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به **اهلبیت (ع)**. و دارالشفای دلسوختگان عاشق ولایت وامامت شد.[۳]

قبل از ولادت

دورانی که می رفت به شکفتن فاطمه معصومه بیانجامد،همزمان با امامت امام موسی بن جعفر(ع) بود که در سال ۱٤۸ ه.ق به امامت رسیدو مدت **۳۵** سال به امامت پرداخت، خلفای بنی عباس در این دوران آنچنان عرصه را برامام و شیعیان تنگ کردند که راویان به هنگام روایت نمی توانستند صریحا از نام حضرت یاد کنند و ناگزیر کنیه های حضرت مانند (ابی ابراهیم و ابی الحسن) یا القاب وی مانند (عبد صالح، عالم و .) را به کار برند و یا صرفا به رمز و اشاره مانند «رجل » بسنده می کردند.

۳. زندگی نامه حضرت معصومه علیها السلام ، انتشارات آستانه قم

تقیه در این ایام شدت یافت و منصور، مهدی، هادی و هارون چنان وضعی پیش آوردندکه امام حتی از لحاظ مالی برای اداره زندگی و دخترانش در مضیقه قرار گرفت.

هارون آنگاه که به حکومت رسید، حضرت را زندانی کرد، گاه حضرت را آزاد می کرد،دوباره زندانی می ساخت و همین وضع تا مدت ١٤ سال ادامه یافت.

هارون با رفتارآمیخته به قساوت و سنگدلی چنان رعب و وحشتی به وجود آورد که شیعیان هرگز طعم امنیت را نچشیدند.

در چنین عصری بود که زمان تولد حضرت معصومه(س) فرا می رسید.

تا آن روز ٢٥ سال بود که علی بن موسی الرضا(ع) یگانه فرزند نجمه خاتون بود،او این همه سال را در آرزوی تولد فرزندی دیگری سپری کرده و چشم به راه تولدکودکی بود که امام صادق(ع) بشارت شکفتنش را دهها سال قبل داده بود.

نجمه همه این سالها را هر چند منتظر ولی مطمئن سپری کرد، علی بن موسی الرضا(ع) نیزشادان و منتظر بود و تولد خواهری بعد از دهها سال برایش مهم و جالب می نمود،خانه ای که نجمه در آن منتظر تولد فرزندش بود، هنوز بوی رسالت را با خود داشت;زیرا اولین بار که پیامبر(ص) به مدینه آمد، مدتی در آن خانه ساکن شد، لحظات به کندی می گذشت، بوی باران کوچه های مدینه را آکنده کرده بود و نسیم شکفتن کوچه هارا یکی پس از دیگری پشت سر می گذاشت تا این که عطر خبر تولد کودکی به زلالی کوثررسول را به خانه موسی بن جعفر(ع) آورد و به همه انتظارها پایان بخشید و حضرت فاطمه معصومه (س) متولد شد.

ولادت و کودکی

پیش گویی تولد

تولد فاطمه معصومه(س) برای اهل بیت(علیهم السلام) اهمیتی خاص داشت زیرا این خبر قبل از تولد بارها توسط امام صادق(ع) اعلام می شد و به این ترتیب از همان ایام شیعیان به شناخت مقام والای وی فرا خوانده می شدند.

از جمله آنگاه که گروهی از شیعیان ری نزد امام صادق(ع) آمدند، حضرت فرمود: آفرین بر برادران ما از اهل قم.

آنان گفتند: ما اهل ری هستیم.

ولی امام همان جمله پیشین راتکرار فرمود.

و ادامه داد: «الا ان لله تعالی حرما و هو مکه.

الا ان لرسول الله حرما و هو المدینه الا ان لامیرالمؤمنین حرما و هو الکوفه الا ان حرمی و حرم ولدی بعدی قم الا ان قم کوفتنا الصغیره.

الا ان للجنه ثمانیه ابواب ثلاث منها الی قم.

تقبض فیها امراه هی من ولدی و اسمها فاطمه بن موسی.

تدخل بشفاعتها شیعتناالجنه باجمعهم ».

برای خداوند حرمی است که مکه است، حرم رسول، مدینه حرم امیرمومنان کوفه است وحرم من و فرزندانم قم است.

بدانید قم کوفه کوچک ماست.

بدانید بهشت هشت در داردکه سه در آن به سوی قم است.

بانویی از اولاد من در آنجا وفات می کند که نامش فاطمه دختر موسی است.

همه شیعیان ما به شفاعت او وارد بهشت می شوند.

این خبر و نحوه تعریف حضرت از قم به طور طبیعی می توانست گروهی از اهالی ری را به عزیمت به سوی قم برانگیزد و درحقیقت اهمیت ویژه ای را که شهر قم به خاطر حضور فاطمه کبری می یافت برای آنان بازگو کند.

می توان گفت به همین خاطر گروههایی از مردم قم از جمله صاحبان فکر واندیشه از آمدن چنین بانویی به قم مطلع بودند و برای فرا رسیدن آن زمان و یاری و پاسداشت مقدم وی لحظه شماری می کردند.

نکات دیگری نیز از این روایت به دست می آید از جمله این که قم حرم ائمه طاهرین است.

موضوعی که در دهها روایت دیگراز زبان پیامبر(ص)، امام علی(ع) و اغلب ائمه یکی پس از دیگری به آن اشاره شده است.

در خبری دیگر نیز امام صادق(ع) به پیشگویی تولد وی پرداخت.

آن روز یکی ازشیعیان به نزد حضرت آمد، امام را دید که با کودکی در گهواره سخن می گوید.

گامی جلوتر نهاد و مبهوت از این واقعه پرسید: آیا با این طفل سخن می گویید؟ امام اورا دعوت کرد تا با کودک در گهواره سخن بگوید.

مرد باز هم جلوتر آمد و سلام کرد.

کودک نه تنها جوابش را داد; بلکه گفت: ای مرد نامی را برای دخترت [که تازه متولد شده است] انتخاب کرده ای که خداوند آن را دشمن می دارد پس نامش را عوض کن[وی نام دخترش را حمیرا گذاشته بود] شگفتی مرد دو چندان شد.

آنگاه امام صادق(ع) فرمود: «این کودک فرزندم موسی است.

خداوند از او دختری به من عنایت می کند که نامش فاطمه است.

او را در سرزمین قم به خاک می سپارند.

هر شخصی که او را در قم زیارت کند، بهشت برایش واجب می شود».

زمان تولد

در سال، ماه و روز تولد فاطمه معصومه(س) اختلافات عمده ای وجود داردکه اصلی ترین عامل، خفقان حاکم بر علیه شیعیان بود تا آنجا که امنیت آنها تنهابا تقیه محفوظ می ماند.

در چنین زمانی که اسامی کنیزها و رقاصه های مجالس وهمنشین های دربار فاسد عباسیان به دقت ثبت می شد، تولد و وفات اهل بیت در سکوتی مرگبار اتفاق می افتاد.

همچنین باید افزود: منعکس نشدن تاریخ موالید و وفیات بانوان اهل بیت عمومیت دارد به طوری که تاریخ وفات حضرت فاطمه، مدفن حضرت زینب،تولد و وفات ام کلثوم، مادران همه امامان از امام زین العابدین(ع) تا امام عصر(عج) و دختران امامان از امام حسن تا امام عسکری(علیهم السلام) کاملا مجهول است.

با این حال محققان با تکیه بر حدس و گمان و گاه استدلال، مستندات و شواهدتاریخی در صدد یافتن تاریخ دقیق یا تخمینی تولد و وفات وی برآمده اند در نهایت دو نظریه در این باره به وجود آمده است که عبارتند از:

نظریه اول: تولد وی در سال «۱۸۳» اتفاق افتاد. این نظریه در برخی نوشته های معاصرین بدون ذکر سند نقل شده است.

از جمله; مهدی سلطان العلما رازی در سال ۱۳۳۹ ضمن رساله ای درباره اعمال جمکران می نویسد: در کتاب «نزهه الابرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار» و کتاب «لوامع الانوار فی طبقات الاخیار» که کتاب مفصلی است چنین ضبط شده است «ولاده فاطمه بنت موسی بن جعفر(علیهم السلام) فی مدینه المنوره غره ذی القعده بقیه ازصفحه ۳۷ الحرام سنه ثلاث و ثمانین و ماه بعد الهجره النبویه.

» اما به دلایل مختلفی این نظریه از سوی محققان رد شده است.

ذبیح الله محلاتی در ریاحین الشریعه می نویسد: آنچه را که برخی از جهت بعضی از اغراض نسبت می دهند که فلانه مجتهد در مدینه طیبه تعین یوم وفات و تولد آن، تو را از کتاب لواقح الانوار استخراج کرده،بی اصل است زیرا کتاب لواقح الانوار در نظر من موجود است و اصلا چنین مطلبی در اونیست.

احتمال دادم کتاب دیگری باشد تا اینکه خدمت علامه نسابه دانشمند آقانجفی; شهاب الدین تبریزی شرفیاب شدم.

این مطلب را عنوان کردم، فرمود: من کسی راکه چنین جعلی کرده، ملاقات کردم.

معلوم شد غرضی داشته که ذکر آن مصلحت نیست. تجاوز الله عن الله.

همچنین درصورت قبول این نظریه سال ولادت حضرت معصومه یا سال شهادت پدر بزرگوارش (۱۸۳ ه.ق) مصادف می شود حال آنکه بعد از فاطمه معصومه این امام همام صاحب سه دختر دیگرنیز شده است که لازمه اش وجود فاصله بین تولد فاطمه معصومه و آنها و زندانی شدن پدر (٤ سال) و شهادتش ۲۵ رجب سال ۱۸۳ ه. ق خواهد بود.

خصوصا اینکه حضرت چهارسال آخر عمرش را در زندان گذرانده است و از خانواده اش که در مدینه بودند، دوربود.

نظریه دوم:تولد در سال ۱۷۳ ه. ق واقع شد.این نظریه از طرفداران بیشتری برخوردار است که ضمن رد دلایل سال ۱۸۳، صدق مدعیان این نظریه نیز به اثبات می رسد. مرحوم شیخ علی نمازی صاحب مستدرک السفینه ذیل ماده فطم با قاطعیت تمام در این باره می نویسد: «فاطمه المعصومه المولوده فی غره ذی القعده سنه ۱۷۳ ه. ق.» مرحوم عمادزاده اصفهانی نیز بدون ابهام معتقد است که حضرت در ماه ذی قعده سال ۱۷۳متولد شد.

در این صورت شش سال تا زمان زندانی حضرت فرصت باقی خواهد ماند که بگوییم سه فاطمه دیگر در این مدت متولد شده اند.

بعد از تولد

اعمالی که عموم بانوان اهل بیت: هنگام تولد و پس از آن برای کودکانشان انجام می دادند، برگرفته از توصیه های آسمانی همسرانشان بود که نمایندگان امین الهی در زمین به شمار می رفتند.

از این روی آنچه انجام می دادند،به عنوان سیره عملی می تواند بخشی از حیات دیگر فرزندان را که در هاله ای ازبی خبری و فراموشی قرار گرفته اند، روشن سازد.

این اعمال که از لحظه تولد آغازمی گشت، بارها توسط معصومین(ع) بیان شده اند اما از دوران هر یک تنها مواردی خاص نقل شده است.

درباره نجمه که چگونه دو فرزندش را پرورش داد، نیز اخباری بر جای مانده است که البته با توجه به خفقان حاکم بدیهی است در حداقل ممکن باشد.

امابا این فرض که شخصیت، معنویت و تقوای نجمه خاتون در طول این مدت ثابت و استواربود، می توان اعمال و سیره وی را هنگام تولد امام رضا(ع) نسبت به خواهرش نیزگسترش داد.

از جمله صفات پسندیده ای که نجمه همواره به آن متخلق بود، عبادت ومناجات با پروردگار است.

وی آنچنان به عبادت عشق می ورزید که حتی مهر فرزند نیزنمی توانست از عبادت بازش دارد.

در آن ایام که به فرزندش شیر می داد، روزی به بستگانش گفت: دایه ای بیابید که مرا در شیر دادن یاری کند.

زنان از این خواهش شگفت زده شدند و پرسیدند آیا شیرت کم شده است؟ پاسخ شنیدندکه:«لا اکذب والله ما نقص الدر ولکن علی ورد من صلاتی وتسبیحی و قد نقص منذ ولدت.

به خدا سوگند که دروغ نمی گویم; ولی ذکرهایی در نماز و تسبیح داشتم که اززمان تولد فرزندم از آنها کم شده است.

چنین رفتارها و اعمالی می توانست پاکیزه ترین و بهترین تاثیر را در فرزند برجای گذارد; چه کودکی که جانش به همراه قطره قطره شیر مادر با اذکار الهی سیراب می شود، به والاترین جایگاه معنوی دست خواهد یافت.

نحوه تربیت آن حضرت

به نظر می رسد برای پی بردن به نقش نجمه خاتون در تربیت فاطمه معصومه(س) کافی است به شیوه انتخاب همسر از سوی امامان خصوصا امیرمومنان(ع) توجه کنیم; که به برادرش عقیل فرمود: «انظر الی امراءه قدرتها الفحوله من العرب لاتزوجهافتلد لی غلاما فارسا.

فقال له تزوج بام البنین الکلابیه، فانه لیس فی العرب اشجع من آبائها».

برایم زنی از بانوان شجاع عرب انتخاب کن که فرزندی دلیر به دنیا آورد.

در جواب گفت با ام البنین کلابیه ازدواج کن که در عرب شجاعتر از پدرانش نیست.

حاصل این ازدواج تولد چهار فرزند به سان شیر در شجاعت بود که تا لحظه آخرکنار امام حسین بن علی علیهما السلام ماندند و جان خویش را نثار نمودند.

مادر فاطمه معصومه(س) نیز در روزگار خود بهترین زنان بود.

از همین روی و براساس رویای صادقانه ای که حمیده مادر امام کاظم(ع) دیده بود، نجمه را به عقدامام کاظم در آورد.

حمیده خود بارها به امام کاظم(ع) درباره نجمه سفارش می کرد و می گفت:

پسرم! نجمه بانویی است که هرگز بهتر از او ندیده ام.

این چنین شخصیتی قابلیت داشت، بذر آسمانی را در جان پاکش پرورش دهد.

چه گاه بذرهای مردان صالح در مزبله های زنان ناشایست رشد می یابند و دنیایی را بااعمال ننگین خویش به تباهی می کشانند، اما جان پاک نجمه، بیست و پنج سال قبل امام رضا(ع) را با شرایط ویژه ای که طبیعتا می توانست آثار خود را در تولدفاطمه(س) نیز بر جای گذارد، به دنیا آورده بود.

نجمه از تولد رضا(ع) اینگونه یاد می کرد: وقتی به فرزندم رضا(ع) حامله شدم، سنگینی حمل را احساس نمی کردم.

هر وقت می خوابیدم، صدای تسبیح و تهلیل و تحمیداز درون رحم به گوشم می رسید.

از شنیدن صدا بیمناک می شدم، بطوری که از خواب می پریدم، اما تا بیدار می شدم، دیگر آن صدا را نمی شنیدم.

وقتی متولد شد،دستهایش را بر زمین گذاشت، سر به سوی آسمان برداشت و لبهایش را تکان داد.

همسرم، موسی کاظم(ع) وقتی وارد شد فرمود: ای نجمه کرامت پروردگارت گوارایت باد.

نکته جالب اینکه بعد از تولد رضا(ع) به نجمه خاتون لقب طاهره دادند که بی شک برای مولود بعدی یعنی معصومه(س) می توانست موثر باشد.

نطفه این روایت به آسمانی بودن انعقاد ائمه اشاره دارد که آسمانی بودن جایگاه پاک را نیز می طلبد، تا در دوران قبل از تولد علاوه بر خصلتهای کامل پدر،خصوصیات پاک مادری را نیز به وی منتقل کند و لذا ادعای گزافی نیست که بگوییم اگر علی بن موسی الرضا(ع) آینه تمام نمای امام کاظم(ع) بود، فاطمه معصومه(س) نیز جلوه ای تام و کامل از سیمای پرفروغ مادرش نجمه است.

با گذشت ایام، فاطمه معصومه(س) نیز دوران خردسالی را پشت سر گذاشت.

در این سالها محل رشد فاطمه معصومه(س) خاندانی بود که او را با دریایی ازعلم و معرفت روبرو ساخت. پدر، مادر و برادر (که هنگام تولد فاطمه معصومه(س)، جوانی ۲۵ ساله بود)، هر سه دست به دست هم داده، محیط تربیتی وی را به مکانی بهشتی مبدل کردند.

نقل شده است که روزی گروهی از شیعیان وارد مدینه شدند و برای حل مشکل خویش سراغ خانه موسی بن جعفر را گرفتند، کاروانیان وقتی به در خانه امام آمدند، متوجه شدند که آن حضرت به مسافرت رفته است. خستگی راه و نبود امام هفتم سخت بر کاروانیان گران آمد، ناگهان یکی از دختران آن حضرت سکوت غمبار کاروانیان را شکست و فرمود: پرسش‌های خود را به من بدهید تا به تمام آنها پاسخ دهم. پاسخ‌ها را با دقت تمام نوشت و به کاروانیان باز گرداند. کاروانیان شگفت‌زده به پاسخ‌ها نگریستند و با سبک شدن بار غم و اندوه‌شان راه دیار خویش در پیش گرفتند. در مسیر راه به امام هفتم برخوردند و داستان پاسخگویی دخترش فاطمه معصومه را بازگو نمودند و پاسخ‌ها را به او نشان دادند، حضرت لبخندی زد و سه بار فرمود: «فداها ابوها؛ پدرش فدایش باد.»[۴]

حوادث پس از مرگ پدر و قبل از ولادت

از جمله عواملی که در رشد شخصیت حضرت فاطمه معصومه (س) موثر بوده است اوضاع سیاسی عصر پدر و برادر ایشان است.

در دورانی که پدر به شهادت رسید ومنصب ولایت به برادرش علی بن موسی الرضا(ع) تفویض شد.

اختلاف بین برادران دیگربه شدت قوت گرفت و آنان برخی با گستاخی تمام در مقابل برادر ایستادند.

برادرانی که از مادران دیگر بودند.

اما فاطمه معصومه(س) در بین این کشاکشهای تفرقه برانگیز هرگز از موضع دفاع از ولایت رضوی، عقب ننشست، بلکه از شدت علاقه به برادر، در پی آن حضرت روانه ایران می شود.

در سال ۲۰۰ هجری قمری در پی اصرار و تهدید مأمون عباسی سفر تبعید گونه **حضرت رضا (ع)** به مرو انجام شد و آن حضرت بدون این که کسی از بستگان و اهل بیت خود را همراه ببرند راهی خراسان شدند.

یک سال بعد از هجرت برادر، **حضرت معصومه (س)** به شوق دیدار برادر و ادای رسالت زینبی و پیام ولایت به همراه عده ای از برادران و برادرزادگان به طرف خراسان حرکت کرد.

در طول سفر

۴. اعلام النساء، ص ۶۹۲، بارگاه معصومه تجلیگاه فاطمه زهرا، سیدجعفر میر عظیمی، ص ۳۵ ـ ۴۳

با کاروان نور; از مدینه تا قم

هجرت امام رضا(ع) از مسیر بصره، اهواز و فارس به مرو صورت گرفت; در حالی که، هجرت حضرت فاطمه معصومه(س) یک سال پس از آن، از مسیر دیگری انجام شد.

حسن بن محمد بن حسن قمی می نویسد: «از سادات حسینیه از فرزندان موسی بن جعفر(علیهما السلام) که به قم آمدند فاطمه دختر موسی بن جعفر(علیهما السلام) بود.

چنین گویند بعضی از مشایخ قم که چون امام علی بن موسی الرضا(علیهما السلام) را از مدینه بیرون کردند تا به مرو رود از برای عقد بیعت به ولایت عهد برای او فی سنهٔ ماتین،خواهر او فاطمه بنت موسی بن جعفر(علیهم السلام) در سنه احدی و ماتین به طلب بیرون آمد چون به ساوه رسید، بیمار شد.

پرسید که میان من و میان شهر قم چقدر مسافت است؟ او را گفتند که ده فرسخ است.

خادم خود را بفرمود تا او را بردارد و به قم برد.

خادم او را به قم آورد.»

حبیب پورمظاهر می نویسد:

«ستی فاطمه ملقب به معصومه خاتون دختر امام موسی کاظم(ع) علو مرتبه اش زیاده از حد بیان است.

در سال دویست و یک هجری زمان ولایت عهد حضرت امام رضا(ع) با برادران خود فضل علی و جعفر و هادی و قاسم و زید با بعضی از برادرزادگان و چند خدمه از بغداد به عزم دیدار برادر عازم خراسان شدند.»

از مجموع این سخنان چنین برمی آید که کاروان حضرت فاطمه معصومه(س) از شهرهای مدینه، بغداد، ساوه و قم عبور کرده است.

در صورتی که، حضرت بیمار نمی شدند، می بایست از طریق «ری » به «مرو» می رفت.

اما بیماری ایشان موجب شد تا در قم اقامت نماید و در همانجا به دیدار خدا بشتابد.

اگر گفته مؤلف کتاب «بحر الانساب » را نادیده انگاریم و تنها به نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی بسنده کنیم، شهر ساوه ما را از مسیر هجرت معصومه(س) از مدینه به قم آگاه می سازد.

چه اینکه شهر ساوه در مسیر مدینه، کوفه و بغداد به خراسان قرار دارد; بر خلاف مدینه، بصره و اهواز به خراسان که حضرت امام رضا(ع) از این مسیر عبور کردند.

لسترنج گوید:

«در زمان عباسیان البته بغداد بزرگترین شهر عراق بود، ولی یک قرن پیش از آنکه این سلسله روی کار بیاید، مسلمانان قرن اول پس از فتح عراق به ساختن سه شهر بزرگ دست زدند که واسط و کوفه و بصره باشد.

این سه شهر تا چندین قرن آبادی و رونق داشت و با انبار (از شهرها دوره ساسانیان) که در ساحل فرات و با بغداد در یک عرض جغرافیایی بود، بزرگترین شهرهای پرجمعیت عراق را در دوره عباسیان تشکیل می دادند.

معروفترین شاهراه ها، جاده بزرگ خراسان بود که به شرق می رفت و پایتخت را به شهرهای ماوراء النهر در حدود چین متصل می ساخت.

این جاده از دروازه خراسان در خاور بغداد شروع می شد و از صحرا گذشته از پلهای مستحکمی که بر روی رودخانه ها ساخته بودند، عبور می کرد تا به «حلوان » پای گردنه ای که از آنجا به کوههای ایران می رسید، منتهی می گردید، و در اینجا به ایالت جبال وارد می شد و پس از عبور از یک سربالایی تند به کرمانشاه مرکز استان کردستان می رسید و ایالت جبال را با خطی مورب درنوردیده به سمت شمال خاوری می رفت و از همدان نیز می گذشت تا به «ری » می رسید، پس از عبور از ری به سمت خاور متوجه می شد و از «قومس » عبور نموده، کوههای طبرستان را در سمت چپ و کویر لوت را در جنوب خود می گذاشت، تا نزدیک بسطام به ایالت خراسان وارد می گردید و از نیشابور عبور نموده از طوس می گذشت و به مرو می رسید».

«باز برمی گردیم به بغداد مرکز جاده ها. شاهراه بزرگی برای زیارت مکه و مدینه از سمت باختر بغداد به جنوب متوجه گردیده به کوفه، در حاشیه بادیه عربستان، می رفت و به خط تقریبا مستقیم از آنجا گذشته به حجاز می رسید.

یک جاده دیگر برای زیارت مکه از بصره تقریبا به موازات جاده اول شروع می شد و در دو منزلی شمال مکه به جاده قبلی می پیوست ».

شرح منازل مدینه تا بغداد

ترتیب منازل و راههایی که در قرون اولیه مورد استفاده مسلمانان بود در کتابهای جغرافیایی ثبت شده است. قدیم ترین جغرافی دانان اسلامی «ابن خردادبه »، «قدامه »، «یعقوبی » و «ابن رسته » هستند که در قرن سوم هجری به تالیف کتب جغرافیایی و شناسایی جغرافیایی جهان اسلام همت گمارده اند.

«ابن رسته » در «الاعلاق النفیسهٔ » منازل بغداد تا مدینه را مشخص کرد.

چون تالیف کتاب در دوره حکومت عباسیان انجام گرفته، منازل هر یک از شهرهای مهم از بغداد معین شد.

چون عباسیان پس از بنای بغداد در سال ۱٤٥ هجری، آن شهر را تا انقراض نظام حکومتی به دست هلاکو، ایلخان مغول در سال ٦٥٦ هجری، پایتخت و مرکز خلافت رژیم عباسی قرار داده بودند.

بنابراین، حضرت معصومه(س) از مدینه، راه کوفه و بغداد را انتخاب کرده است.

شرح منازل این مسیر به این ترتیب است.

۱. مدینه تا طرف،۲۷ میل.

۲. طرف تا سقره،۷ میل.

۳. سقره تا بطن النخل، ۱٥ میل.

(از طرف تا بطن النخل ۲۲ میل می شود) ٤. بطن النخل تا مکحولین.

٥.مکحولین تا حصین.

٦. حصین تا عسیله،۱۳ میل.

(از عسیله تا بطن النخل ۳٦ میل است) ۷. عسیله تا محدث، ۲۸ میل.

۸. عسیله تا معدن نقره،٤۳ میل.

(معدن نقره، محل تلاقی راه بصره، کوفه و مدینه است).

۹. معدن نقره تا حاجر، ۳٤ میل.

(قروری، استراحتگاه شبانه این منزل است).

۱۰.حاجر تا سمیراء، ۳٤ میل. (استراحتگاه شبانه آن عباسه است).

۱۱. سمیراء تا توز، ۲۰ میل (استراحتگاه شبانه آن محقیهٔ است).

۱۲. توز تا فید، ۳۱ میل. (استراحتگاه شبانه آن قرنتین است).

۱۳. فید تا الاجفر،۳٦ میل. (در آنجا مسجد جامعی است، قرائن استراحتگاه شبانه آن است).

۱٤. الاجفر تا خزیمیهٔ، ۲٤ میل. (استراحتگاه شبانه آن اغر).

۱٥. خزمیهٔ تا ثعلبیهٔ، ۳۲ میل. (استراحتگاه آن عین است).

۱٦. ثعلبیهٔ تا بطانیهٔ، ۱۱ میل. (استراحتگاه آن بهینهٔ است).

۱۷.بطانیهٔ تا شقوق،۲۹ میل (استراحتگاه آن بدرین است).

۱۸. شقوق تا زباله، ۲۱ میل.(استراحتگاه آن تنانیر است).

۱۹. زباله تا قاع، ٢٤ میل.(استراحتگاه آن جریسی است).

۲۰. قاع تا عقبه، ٢٤ میل (استراحتگاه شبانه آن جلحاء است).

۲۱. عقبه تا واقصه، ۲۰ میل (استراحتگاه شبانه آن سماء است).

۲۲. واقصه تا قرعاء، ٢٤ میل. (طرف استراحتگاه آن است).

۲۳. قرعاء تا مغیثه، ۳۲ میل. (مسجد سعد استراحتگاه آن است).

٢٤. مغیثه تا قادسیه، ۳۰ میل.

۲۵. قادسیه تا کوفه، ۱۵ میل.

٢٦. کوفه تا ساهی،۷ میل.

۲۷. ساهی تا بازار اسد،۷ فرسخ.

۲۸. بازار اسد تا قصر ابن هبیره،٦ فرسخ.

۲۹. قصر ابن هبیره تا پل کوثی، ۵ فرسخ.

۳۰. پل کوثی تا بغداد،۷ فرسخ.

ورود به شهر قم

بر اساس سخن مشهور: پس از اینکه فاطمه معصومه (س) به شهر ساوه رسید، بیمار شد.
و چون در خود توان رفتن به خراسان را ندید، و یقین پیدا کرد که دیگر هرگز برادرش امام رضا (ع) را نخواهد دید، تصمیم گرفت به قم برود. شاید به این علت که از پیش می دانست در آنجا به لقای حق خواهد شتافت.

یکی از نویسندگان درباره علت رفتن حضرت معصومه (س) به شهر قم گوید: «این مجلله در اوائل سال ۲۰۱ هجری به مقصد «مرو» از مدینه طیبه بیرون آمده، بین راه در ساوه که شهری معظم و مردمش «شافعی مذهب » و بسیار هم متعصب بودند.

به شدت مریضه و ناتوان گشته، بواسطه فقدان اصحاب وفاق و وجدان ارباب نفاق و به علت نبودن طبیب معالج و نداشتن پرستار دلسوز و مکان مناسبی برای آسایش خود، مجبور می شود که از راه مقصد، اندکی منحرف گشته، خود را به شهر قم که از بلاد مستحدثه شیعیان و مراکز موالی و دوست داران آن خاندان، می دانست با آنکه در مسیر او نبود. برساند.

و از قرائن، مستفاد می شود که فاطمه (س) قبل از رکت خود از ساوه به طرف قم، رؤسای قم را از مقدم خویش به ساوه، خبردار کرده بود.

معلوم می شود موقعی که بی بی بیمار می شود، به جهاتی که نگارش یافت، خود را از حرکت به طرف قم ناچار می دیده، از طرفی هم نمی خواسته است که بدون سابقه دعوت بدان شهر که از مسیر او دور است، وارد شود.

بنابراین، از ورود خود به ساوه «آل سعد» را آگهی می دهد تا آنان به طلب وی از قم بیرون آیند.

برخی درباره سبب روی آوردن حضرت معصومه (س) به قم، گویند: بی تردید می توان گفت که آن بانوی بزرگ، روحی ملهم و آینده نگر داشت و با توجه به آینده قم و محوریتی که بعدها برای این سرزمین پیش می آید –محوریتی که آرامگاه ایشان مرکز آن خواهد بود– بدین دیار، روی آورد.

این جریان به خوبی روشن می کند که آن بانوی الهی به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجه داشته است و خود را با شتاب بدین سرزمین رسانده و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه ریزی کرده است.

وفات

با توجه به نقل برخی از مورخان و قرائنی که در طول مسیر از ساوه تا قم مشهوداست و همانگونه که مردان کاروان را به شهادت رسانده اند، حضرت فاطمه معصومه(س) وبانوان همراهش توسط عوامل بنی عباس مسموم شدند.

در طی مسافت هر یک از بانوان با تاثیر سم، به شهادت رسیده و در شهرها وروستاهای مسیر حرکت به خاک سپرده شدند.

اشعریان در زمان ورود کاروان مدینه، از بزرگان قم و برجسته ترین شخصیتهای سیاسی فرهنگی شهر به شمار می آمدند.

لذا به همین جهت موسی بن خزرج به استقبال کاروان حضرت شتافت و آنها را در منزل خود جای داد اما ایشان تنها هفده روز در قم زنده ماندند و سپس به شهادت رسیدند و موسی بن خزرج محل خاک سپاری حضرت را عهده دار شد.

موسی بن خزرج نخستین کسی بود که تولیت مزار شریف کریمه اهل بیت را بر عهده گرفت.

مولف تاریخ قم از وفات و تشییع پیکر نورانی دختر موسی بن جعفر(ع) چنین یاد کرده است: «... ستی فاطمه ... هفده روز در حیات بود چون او را وفات رسید بعد از تغسیل و تکفین و نماز موسی بن خزرج در زمینی که او را بابلان بود. و آنجا ، امروز روضه مقدسه اوست، دفن کرد و بر سر تربت، از بوریا سایه ساخته بودند».

نویسنده تاریخ قم، تنها به سال وفات حضرت معصومه(س) یعنی سال۲۰۱ ه. ق اشاره کرده است و به روز و ماه وفات آن حضرت اشاره ای نکرده است اما برخی از متاخرین، دهم ربیع الثانی را روزارتحال آن حضرت ذکر کرده اند.

سلام بر این بانوی بزرگوار اسلام از روز طلوع تا لحظه غروب. درود بر روح تابناک معصومه (س) که اینک آفتاب حرم باصفایش، زمین قم را نورانی کرده است.

ای فاطمه! در روز قیامت، شفیع ما باش که تو در نزد خدا، جایگاهی ویژه برای شفاعت داری.

در واقع در سال ۲۰۱ هـ ق. یک سال پس از سفر تبعیدگونه حضرت رضا علیه السلام به «مرو» حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام همراه عده‌ای از برادران خود برای دیدار برادر و انجام رسالتی که بر عهده داشتند تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد. در طول راه به شهر ساوه رسیدند، ولی از آن جا که در آن زمان عده‌ای از اهالی از مخالفان اهل‌بیت بودند، با مأموران حکومتی همراهی نموده و با همراهان حضرت وارد نبرد و جنگ شدند و عده‌ای از همراهان حضرت در این حادثه غم انگیز به شهادت رسیدند. حضرت در حالی که از غم و حزن بسیار، بیمار شده بود، با احساس ناامنی در شهر ساوه فرمود: مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: «شهر قم مرکز شیعیان ماست.» سپس حضرت به طرف قم حرکت نمود.

بزرگان قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند، به استقبال آن حضرت شتافتند. و در حالی که «موسی بن خزرج » بزرگ خاندان «اشعری» زمام شتر آن مکرمه را به دوش می‌کشید؛ ایشان در میان شور و احساسات مردم قم وارد آن شهر شد و در منزل شخصی «موسی بن خزرج» نزول اجلال فرمود. آن بزرگوار هفده روز در شهر قم به سر برد و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود و واپسین روزهای عمر پر برکت خویش را با خضوع و خشوع در برابر ذات پاک الهی به پایان رساند.

سرانجام آن همه شوق و شور و شعف از «اجلال نزول کوکب ولایت و توفیق زیارت بانویی از تبار فاطمه اطهر» با افول نجمه آسمان عصمت و طهارت، مبدل به دنیایی از حزن و اندوه شد، و این غروب غم‌انگیز، عاشقان امامت و ولایت را در سوگ و عزا نشاند.

در خصوص علت بیماری نابهنگام حضرت و مرگ زودرس آن بزرگوار، گفته شده است که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود. این مطلب با توجه به درگیری دشمنان اهل‌بیت با همراهان حضرت و شهادت عده‌ای از آنها در «ساوه» و جو نامساعد آن شهر و حرکت نابهنگام آن بزرگوار در حال بیماری به سوی شهر قم، بعید به نظر نمی‌رسد.

آری، آن حضرت که می‌رفت زینب‌وار با سفر پر برکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی باشد و همانند قهرمان کربلا پیام‌آور خون سرخ برادری باشد که این بار مزدورانه به قتلگاه «بنی‌عباس» برده می‌شد، ناگاه تقدیر الهی بر این قرار گرفت که مرقد آن بزرگوار حامی خط ولایت و امامت قرار گیرد و برای همیشه تاریخ فریادگر مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی ستم‌پیشگان دوران و الهام بخش پیروان راستین تشیع علوی در طول قرون و اعصار باشد.

بعد از وفات شفیعه روز جزا که در دهم ربیع الثانی سال ۲۰۱ هـ ق در ۲۸ سالگی آن حضرت اتفاق افتاد، ایشان را غسل داده و کفن نمودند و سپس به سوی قبرستان «بابلان» تشییع کردند، ولی به هنگام دفن آن بزرگوار، به دلیل نبودن محرم، «آل سعد» دچار مشکل شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که پیرمردی به نام «قادر» این کار را انجام دهد.

ولی قادر و حتی بزرگان و علمای شیعه قم هم لایق نبودند عهده‌دار این امر مهم شوند؛ چرا که معصومه اهل‌بیت را باید امام معصوم به خاک سپارد.

مردم منتظر آمدن «آن پیرمرد صالح» بودند که ناگهان دو سوار را دیدند که از جانب ریگزار به سوی آنان می‌آیند. وقتی نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شده و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سردابی «که از قبل آماده شده بود» دفن کردند و بدون این که با کسی تکلم نمایند، سوار شده و رفتند و کسی هم آنها را نشناخت.

به قول یکی از بزرگان، هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار، امامان معصومی باشند که برای این مهم به قم آمده بودند.

پس از به پایان رسیدن مراسم دفن، موسی بن خزرج سایبانی از حصیر و بوریا بر قبر شریف آن بزرگوار برافراشت و این سایبان برقرار بود تا زمانی که حضرت زینب، دختر امام جواد علیه السلام، وارد قم شد و قبه‌ای آجری بر آن مرقد مطهر بنا کرد.

و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله‌گاه قلوب ارادتمندان به اهل‌بیت علیهم السلام و دارالشفای دلسوختگان عاشق ولایت و امامت شد.

مادر حضرت

حضرت معصومه(س) و امام رضا(ع) هر دو از یک مادر به نام «نجمه » (ستاره)متولد شده اند.

در کتابهای تاریخی برای مادر حضرت ده نام و لقب ذکر شده است که عباتند از: نجمه، تکتم، خیزران مرسیه، اروی، ام البنین، طاهره، سکن،سمانه، شقرا، صقر.

دلیل اینکه ایشان نامهای زیادی‌دارد این است که مستحب است اسم برده هنگام تغییر مالک، تغییر پیدا کند .

درباره زمان تولد، پدر، مادر، سن و مدت عمر نجمه خاتون اطلاعی در دست نیست ودرباره اینکه وی اهل چه منطقه ای بوده است، نیز اختلاف نظر وجود دارد.

علی اکبرمهدی پور می نویسد: از تاریخ تولد نجمه خاتون اطلاعی در دست نیست و از مقدار سن شریفش به هنگام شرفیابی به دودمان امامت چیزی نمی دانیم.

تنها چیزی که در منابع حدیثی آمده،این است که وی به هنگام تشرف به خانه امام کاظم(ع) دوشیزه بوده است.

اما درمورد تابعیت وی که اهل چه کشوری بوده، تنها چیزی که در دست است این که وی اهل مغرب بود و مغرب در اصطلاح به سه معنا اطلاق می شود:

۱-شمال آفریقا شامل; تونس، لیبی، مراکش و الجزایر

۲-مراکش

۳-اروپا

برای تعیین منظور از مغرب باید به واژه «مرسیه » استناد کنیم که در ذیل «خیزران »گفته می شود «مرسی » به سرزمینهایی در فرانسه، اسپانیا و الجزایر اطلاق می شود،ولی چون به وی «سکن نوبیه » و «شقراء نوبیه » نیز گفته اند، این احتمال که منظور شمال آفریقاست، تقویت می شود.

اما درباره جایگاه رفیع مادرحضرت معصومه(س) همین نکته بس که امام کاظم(ع) می فرمود: او را جز به فرمان خداو به استناد وحی خدا نگرفتم.

علامه مجلسی از هشام روایت کرده‌است که روزی حضرت امام موسی کاظم(ع) از من پرسید که آیا از برده فروشان کسی‌آمده؟ جواب دادم: نه .

حضرت فرمود: آمده است‌بیا تا به نزد او برویم. همراه آن حضرت شدم وقتی که‌به مکان مورد نظر رسیدیم، با کمال تعجب دیدیم که مردی از تجار مغرب آمده است وبا خودش غلامان و کنیزان بسیاری آورده است. حضرت جلو رفت و فرمود: کنیزان خودرا بر ما عرضه کن! او نه کنیز آورد و حضرت هیچ کدام را نپسندید و فرمود: دیگربیاور. گفت :

کنیزی ندارم. حضرت فرمود: داری و باید بیاوری. گفت: به خدا سوگند ندارم مگریک کنیز بیمار! حضرت فرمود: او را بیاور. ولی مرد برده فروش امتناع کرد وبنابراین من و حضرت برگشتیم. روز بعد حضرت مرا به نزد او فرستاد و فرمود: به‌هر قیمت که بگوید آن کنیز بیمار را برای من خریداری کن و به نزد من بیاور! من‌مثل روز قبل پیش مرد برده فروش رفتم و گفتم: آمده‌ام تا آن کنیزک را طلب کنم .

کنیز را به قیمت زیادی به من فروخت و گفت: راستش را بگو آن مردی که دیروز باتو همراه بود که بود؟ گفتم: مردی است از بنی‌هاشم! برده فروش گفت: ای مرد! بدان که من این کنیز رااز دورترین بلاد غرب خریده‌ام، روزی زنی از اهل کتاب این کنیز را دید و پرسید اورا از کجا آورده‌ام؟ گفتم: او را برای خودم خریده‌ام گفت: سزاوار نیست این کنیزنزد امثال تو باشد، بلکه باید نزد بهترین اهل زمین باشد و چون او این کنیزک رابگیرد، پس از مدت کوتاهی از او پسری به دنیا خواهد آمد که اهل مشرق و مغرب ازاو اطاعت کنند و پس از اندکی حضرت امام رضا(ع) از او به وجود آمد. روایتی‌دیگر هم هست که نمایانگر رویایی راستین می‌باشد: وقتی که مادر حضرت رضا(ع) ازآن مرد برده فروش خریده شد .حمیده مادر امام موسی

کاظم(ع) در خواب رسول خدا(ص)را دید که به او می‌فرماید: ای حمیده نجمه را به فرزندت موسی ببخش زیرا به زودی‌از او فرزندی متولد می‌شود که بهترین روی زمین است. حمیده به آنچه که رسول‌خدا(ص) در خواب به وی امر کرده بود عمل کرد. وقتی امام رضا(ع) به دنیا آمد آن‌وقت‌حمیده، نجمه را طاهره نامید.

حال روایتی دیگر که قطره‌ای از دریای حسن‌های‌نجمه را برای ما بیان می‌کند: ابا الحسن علی بن میثم گفته است: حمیده مادرامام موسی کاظم(ع) کنیزکی خرید (در برخی روایات آمده که ایشان کنیزک را خریده‌است) اسم این کنیزک تکتم بود و در آداب اخلاقی و دینی و در عقل و حیا یکی ازبهترین زنان بود. او حمیده را بسیار گرامی می‌داشت و به او احترام می‌گذاشت .

روزی حمیده به فرزندش امام موسی کاظم(ع) گفت: فرزندم تکتم کنیزکی است که من ازاو در زیرکی و محاسن اخلاقی بهتر ندیده‌ام و می‌دانم که هر نسلی از او به وجودمی‌آید پاکیزه و مطهر خواهد بود. او را به تو می‌بخشم و از تو خواهش می‌کنم که‌رعایت‌حرمت او را بکنی و همان طور که در قبل اشاره شد، وقتی حضرت امام رضا(ع)از وی متولد شد، حمیده او را طاهره نامید.

برادران و خواهران

فراوانی فرزندان نسل رسالت و ولایت از موضوعاتی است که قابل انکار نیست هر چند گاه این امر که تعداد فرزندان ائمه به دهها نفر می رسد برای برخی مورخان گران آمده وآنان سعی نموده اند به روش های مختلف از تعداد آنها بکاهند اما حقیقت این است که «کوثر» همان کوثری که خدای متعال در قرآن کریم سوره ای را به نامش نازل کرده،کلید حل مشکل است.

آن روز که ابراهیم یگانه فرزند حضرت پیامبر در هفده ماهگی در مدینه طیبه رحلت کرد و در بقیع به خاک سپرده شد، گروهی از منافقان و دشمنان و دشمنان مرگ وی را علامت بریده شدن نسل رسالت و نابودی اسلام دانستند و باکنایه و زخم زبان دل وی را آزردند.

این موضوع که به شدت پیامبر را افسرده کرددر نهایت به نزول سوره مبارکه کوثر انجامید و خدای متعال چنین فرمود:

«بسم الله الرحمن الرحیم انا اعطیناک الکوثر فصل لربک و انحر ان شانئک هوالابتر»

اعجاز این سوره منحصر در حسن و حسین فرزندان بلافصل علی(ع) نبود بلکه در نسلهای بعدی نیز همین معجزه الهی جریان یافت.

و به روشنی می توان این معجزه آشکار را دید.

کوثری جوشان در نسل تمام ائمه به ودیعه گذاشته شد که نسل نبوت وامامت را زنده نگاه داشت.

مروری بر فشارها و اعدامها و سیاستهای کینه توزانه حاکمان اموی و عباسی نشان می دهد که چگونه همین «کوثر جوشان » گاه تنها باریکه حفظ نسل ولایت بود.

از این روی به نظر می رسد نه تنها نباید کثرت اولاد امامان موجب بروز سؤال شود بلکه ظهور اعجاز الهی «کوثر» در طول حیات ائمه باید مارا به شگفتی و تحسین وا دارد.

یکی از این امامان معصوم که به کثرت اولاد مشهور است امام موسی کاظم(ع) است که تمام تاریخ نویسان به تعدد فرزندانش گواهی داده اند.

در بین نویسندگان تا آنجا که ما جستجو کرده ایم تنها عباس فیض نویسنده انجم فروزان به این حقیقت ظریف دست یافته و جاری کوثر را در نسل امام کاظم به تماشانشسته است.

وی می نویسد: «موضوع کثرت نسل پیغمبر اکرم از چیزهایی است که به شهادت حس و تاریخ به هیچ وجه قابل انکار نیست.

چنانچه خداوند تبارک و تعالی هم در قرآن مجید در آنجایی که می فرماید: اناااعطیناک الکوثر فصل لربک و انحر ان شانئک هو الابتر بدین معنی تصریح فرموده زیرا به اتفاق مفسرین منظور از کوثر کثرت نسل است و شان نزول این سوره آن است که ازدیاد در نسل با کمتر تاملی در این عصر اعجاز قرآن ثابت می گردد زیرا ذریه پیغمبر در کثرت چنانند که کوچکترین دیه و قریه ای را هم از آن ها خالی نمی تواندیافت با اینکه از طرف بنی امیه و بنی عباس و خلفای آنها برای اضمحلال این شجره طیبه و قطع نسل این دودمان شریف منتهای کوشش و جدیت اعمال و به منظور انقراض سلسله فاطمیین انواع دسائس برانگیخته گشت که کربلا و قتل هفتاد و دو نفر یاران حسینی حتی اطفال شیرخوار و عملیات منصور دوانیقی و متوکل برای نمونه کفایت می کند.

قتل ذریه پیغمبر در طف یا زنده زنده در گور کردن و در وسط پایه ها گذاردن وهزارها کشتارهای دیگر که همواره پی در پی جریان داشت یک سلسله عوامل ممتدی بودند که قطع نسل پیغمبر را ایجاب می کرد و در عین حال این سلسله جلیله امروزه چنان توسعه پیدا کرده اند که شرق تا غرب را فرا گرفته اند و در طرف مقابل ذره امویان و دودمان عباسیان با تمام قدرت و عظمت سلطنت و خلافتی که دارا بودند ودر قرون متمادی در ناز و نعمت زندگانی می کردند امروزه کوچکترین اثری هم ازآن ها دیده نمی شود و شاید در سراسر این کشور هم یک نفر اموی یا عباسی وجودنداشته باشد و در کتاب سیاده الاشراف مسطور است موقعی که حسین بن علی(ع) شهیدگشت در طایفه بنی امیه دوازده هزار گهواره طلا و نقره وجود داشت که اطفال شیرخوار خود را در آنها می جنباندند و از برای سیدالشهدا(ع) فرزندی نبود جز سیدسجاد(ع) معذالک از بنی امیه نسلی باقی نیست و از سادات حسینی و رضوی در هرمنطقه جماعتی وجود دارند.

این است نمونه ای از آثار حقیقت و آن بود عواقب ظلم وستم. »

تعداد فرزندان

شیخ مفید۳۷ فرزند (۱۸ پسر،۱۹ دختر)، ابن خشاب۳۸ فرزند (۲۰پسر، ۱۸ دختر)، سبط ابن جوزی ٤٠ فرزند (۲۰ پسر، ۲۰ دختر)، ابن شهرآشوب ۳۰ فرزند،عمده الطالب ٦٠ فرزند (۳۷ دختر،۲۳ پسر)، کشف الغمه ۳۸ فرزند (۱۸ پسر، ۲۰دختر) برای حضرت نقل کرده اند.

در باره حضرت معصومه(س) باید گفت که طبق همه نقلها نام فاطمه(س) ذکر شده است چه طبق نظر آنها که فاطمه را ۲ نفر یا ٤ نفر ذکر کرده اند زیرا در هر صورت فاطمه معصومه(س) همان فاطمه کبری است که همه مورخان در باره وی اتفاق نظردارند.

ابراهیم فرزند امام کاظم (ع) و برادر حضرت معصومه (س)

تاریخ ولادتش را مورخان و رجال نویسان ذکر نکرده، ولی از برخی روایات[۵] که‌امام کاظم علیه‌السلام او را پس از رضا علیه‌السلام وصی و سرپرست امور قرار داده،می‌توان فهمید که او فرزند پسر بعد از امام رضا علیه‌السلام[٦] است .

همچنین نگارندگان[۷] تاریخ ائمه علیهم‌السلام نام او را پس از رضا آورده‌اند که‌خود گواه دیگری است[۸] .

لقبش مرتضی[۹] ، پدرش; امام کاظم علیه‌السلام همه صفات فضیلت‌و کمال را دارا بوده، مادرش «ام ولد[۱۰] » و نامش « نجیه [۱۱] »است .

ابراهیم در خانه‌ای که منبع معرفت، حکمت، دانش، رحمت، کرم و فرودگاه وحی الهی‌بوده است تربیت‌یافته است .

ویژگی های ابراهیم

« فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است [۱۲] »

امامان شیعه خود منبع کمالاتند، فرزندان آنها جز اندک افرادی، مانند جعفر کذاب هر یک ویژگیهای والایی از خاندان نبوت به ارث برده‌اند .

---

۵. شیخ طوسی، تهذیب، ج۹/۱۵۰-۱۴۹ طبع دارالکتب و اصول کافی، ج ۹۷/۱ ح ۱۵،باب الاشاره و النص علی ابی الحسن الرضا(ع)

۶. ولادت امام رضا(ع) در سال ۱۴۸ ه ق بوده است

۷. شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۰۲، تک جلدی، موسسه اعلمی و ابن شهرآشوب، مناقب آل‌ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۴ و بحار، ج ۴۸، ص۳۰۳ و طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۰۱، طبع‌مکتبه العلمیه و سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۵۱، طبع مکتبه نینوی

۸. گرچه یکی از کنیه‌های امام کاظم(ع) «اباابراهیم» است ولی در اصول کافی، ج۱، ص ۳۱۱، کتاب الحجه، باب الاشاره والنص علی ابی الحسن الرضا، ح ۲ و ۸ و۹،اشاره دارند بر اینکه «علی بن موسی» فرزند بزرگتر است

۹. سید محسن امین ، اعیان الشیعه ، ج ۲۲۹/۲

۱۰. ام ولد» به کنیزی گویند که از طرف مولایش صاحب فرزند شده و از سهم ارثی‌که به فرزندش می‌رسد پس از مرگ مولا آزاد می‌شود.

۱۱. بحار ، ج ۴۸ /۳۰۶

۱۲. وسائل الشیعه ، ج ۱۵ /۹۷ ، حدیث ۲

شیخ مفید گوید: «هر یک از فرزندان امام کاظم علیه‌السلام فضیلت و خصلتهای نیک‌و مشهور دارند، گرچه امام رضا علیه‌السلام بر همه آنها در فضیلت‌برتر است [۱۳] » .

ابراهیم شخصی دلیر، جوانمرد، [۱۴] مهتر، بزرگوار، نجیب، دانشمند [۱۵] و جد سید مرتضی‌ملقب به «علم الهدی» از دانشمندان بزرگ شیعه و سید رضی مولف «نهج البلاغه»است، زیرا این دو، فرزندان «ابو احمد نقیب» حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن‌ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهماالسلام هستند [۱۶] .و علامه مجلسی او را ستوده‌است [۱۷] .

۱- امانتداری

امانت‌یک ارزش اجتماعی است، انسان امین شایستگی مسئولیتها و حفظ اموال و نفوس مردم را داراست، ابراهیم شخصی امین و متولی زمینهای موقوفه‌ای پدرش بوده‌است، امام کاظم علیه‌السلام درآمد آن زمینهارا بر بینوایان و زنان بی‌همسر وقف نمود تا هزینه زندگی آنان باشد. حضرت فرمود :

«هذا ما تصدق به موسی بن جعفر تصدق بارضه فی مکان کذا و کذا ... و جعل صدقته هذه الی علی و ابراهیم فاذا انقرض احدهما دخل القاسم مع الباقی منهما» ; [۱۸] ...

این چیزی است که موسی بن جعفر آن را بخشیده و زمینی را که در فلان مکان قرار داردوقف می‌کند... و متولی آن علی (امام هشتم) و ابراهیم است، هرگاه یکی از آنان ازدنیا رفت قاسم با آنکه باقی مانده شریک شود .

یزید بن سلیط که در زمان وصیت امام کاظم علیه‌السلام حضور داشته گوید: حضرت پس‌از واگذاری اختیارات تام به امام رضا علیه‌السلام فرمود :

«سرپرستی موقوفات، اموال، بردگان و کودکان باز مانده را به علی (امام رضاعلیه‌السلام) و پسرانم; ابراهیم، عباس، قاسم، اسماعیل و احمد واگذار کردم [۱۹] »

این روایتهانشان می‌دهد که ابراهیم زنهاردار و درستکار بوده، خیانت و تجاوز رادر امانت روا نمی‌دارد، این فضیلت‌بزرگ در قوانین دینی بر آن تاکید شده وخداوند به آن امر کرده است; «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها [۲۰] »

---

[۱۳]. ارشاد /۳۰۳

[۱۴]. همان

[۱۵]. سید تاج‌الدین ابن زهره حسینی (م ۹۲۱ ه ق) ، غایه الاختصار ، ص۸۷.

[۱۶]. بحار، ج ۴۸ /۳۰۶

[۱۷]. همان

[۱۸]. تهذیب، ج۹ / ۱۵۰-۱۴۹ ، دارالکتب

[۱۹]. اصول کافی، ج ۱، ص۳۱۶، ح ۱۵، باب الاشاره و النص علی ابی الحسن الرضا(ع)البته این بخش کوچکی از وصیت امام کاظم(ع) است

[۲۰]. نساء / ۵۸

۲- پشتیبان ولایت

انسان نیاز به پیشوایی دارد که برتر و دانشمندتر از دیگران‌باشد، تا در زندگی از او هدایت جوید، ابراهیم برادرش امام رضا علیه‌السلام ردانشمندتر از خود و دیگران می‌دانست، او گفتار پدرش را که رضا مقدم بر همه‌برادران است‌با اعتقاد پذیرفته بود [۲۱] او چون می‌خواهد خاندان رسالت‌به حقوق حقه‌خود برسند، وقتی زمینه را برای تضعیف حکومت ظالم مناسب می‌بیند از روی زیرکی وفراست ویژه خود، بر ضد حکومت وقت (که مخالف سرسخت‌خاندان رسالت‌بوده) شورش‌می‌کند، در همان وقت‌یکی از انگیزه‌های خود را شناساندن برادرش علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام قرار داده و مردم را به بیعت‌با آن امام دعوت می‌کند .
مامون وقتی این خبر را دریافت کرد با دو اندیشه متضاد روبه‌رو شد; از بین‌بردن مخالفان و شورشیان و دیگر حفظ موقعیت‌خود با طرفداری ظاهری از خاندان‌رسالت گرچه در اعتقاد و باطن مخالف این خاندان بود اما برای آنکه امام رضاعلیه‌السلام را راضی نگه دارد تا موقعیت‌سیاسی خود را تثبیت کند، مخالفتی باابراهیم نکرد او را رها و با حکومت همراه نمود [۲۲] .
ما می‌بینیم در همین زمان ابراهیم با مردم حج‌بجا می‌آورد و در حرم شریف برای مردم سخن گفته و آنها رادعوت بسوی ولایتعهدی برادرش علی بن موسی الرضا علیه‌السلام نموده است و اگر برای‌مامون نیز دعوت می‌کرد [۲۳] به یقین از یک سپر سیاسی که همان «تقیه» است، شکل‌مبارزه خود را تغییر داده تا از نابودی خود جلوگیری کند .

۳- در عرصه حدیث

شاید نام حدیث «سلسله الذهب» را شنیده باشید، این حدیث‌طلایی و نفیس که اتصال به کلام حق دارد، انسان را به توحید خالص دعوت می‌کند که‌اگر کسی یکتاپرست‌بی‌آلایش باشد و «لااله الاالله» گوید پاداشش رهایی از عذاب‌الهی است. این حدیث را امام هشتم علیه‌السلام وقتی به خراسان می‌رفت در شهرنیشابور در حالی که کاتبان حدیث صف کشیده بودند برای مردم بیان فرمود; که ازپدرانشان، از رسول خدا (ص) از جبرییل که فرمود: شنیدم از خداوند که می‌فرماید :
»لا اله الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی و من دخل حصنی امن من عذابی [۲۴] «

---

[۲۱]. این ذیل روایتی است که ابراهیم در تایید برادرش ; علی بن موسی (ع) گوید :
ثقه صدوق ... هواعلم ... و وقتی درباره وصیت پدرش سؤال می‌کنند او گوید :پدرم‌علی (بن موسی الرضا) را بر همه مقدم قرار داد. گر چه در صدر روایت کلامی است که‌او را متهم به واقفی کرده‌اند، اما مرحوم مامقانی با ادله کافی این تاتهام رارد می‌کند. تنفیح المقال، ج ۱، بخش اسماء، ص ۳۴

[۲۲]. غایه الاختصار ، ص۸۷

[۲۳]. اعیان الشیعه ، ج۲ ، ص۲۲۹ ، دارالتعارف

[۲۴]. ابن صباغ مکی، فصول المهمه ، ص ۲۵۴ ، طبع موسسه اعلمی و بحار، ج۴۹ /۱۲۳ حدیث ۴، گرچه حدیث‌بحار «فمن قالها دخل حصنی» را ندارد

ابراهیم نیز از پدرانش حدیث نقل می‌کند .[۲۵] او یکی از ناقلان این حدیث است،فرزندش موسی گوید: «پدرم ابراهیم به من خبر داد که حدیث کرد مرا پدرم موسی‌کاظم، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم امام صادق جعفر بن محمد فرمود: حدیث کرد مراپدرم ابو محمد باقر، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم زین‌العابدین، فرمود: حدیث کردمرا پدرم امام شهید کربلا، فرمود: حدیث کرد مرا پدرم امیرالمؤمنین علی بن‌ابیطالب فرمود: حدیث کرد مرا رسول خدا فرمود: حدیث کرد مرا جبرییل از خدای‌متعال که خداوند فرمود: «لا اله الا الله حصنی فمن قالها دخل حصنی و من دخل‌حصنی امن من عذابی ;[۲۶] «لااله الاالله حصار من است کسی که آن را بگوید در حصارمن داخل شده و کسی که در حصار من داخل شد از عذاب من در امان است .»

امین فرزند هارون الرشید در سال ۱۹۸ ه ق به قتل رسید، پس ازاو برادرش مامون حکومت را بدست گرفت، بر علیه مامون شورشهای زیادی صورت‌گرفت .

در این میان علویان نیز از فرصت‌برخورد میان مامون و امین به نفع خودبهره برداری کرده به صف‌آرایی و افزودن فعالیتهای خود پرداختند[۲۷]

قیام علویان در سال۱۹۹ ه ق با حرکت «ابن طباطبا» آغاز شد[۲۸]، برای پیروان حق و حقیقت که‌منتظر زمینه و زمانهای مناسب برای ایجاد حکومت‌حق و از بین بردن باطل بودند،موقعیت‌بسیار خوبی پدید آورد. مدافعان حق فرصتها را غنیمت‌شمرده و زمینه‌ها راهدر نمی‌دهند .

از فرزندان ونوادگان ائمه افراد زیادی در این شورشها شرکت داشتند; از زیدیه«محمد بن محمد بن یحیی بن زید بن علی بن‌الحسین، علیهماالسلام[۲۹] «، از نوادگان‌امام مجتبی علیه‌السلام «محمد بن سلیمان بن داود بن الحسن بن الحسن بن علی»،در مدینه[۳۰] شورش کرد، از فرزندان امام صادق علیه‌السلام «محمد بن جعفر(الصادق)» معروف به «دیباج» در مکه و اطراف حجاز[۳۱] بپاخاست .

در آن سال از نسل امام مجتبی علیه‌السلام «ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن‌اسماعیل بن الحسن بن الحسن بن علی علیهماالسلام» معروف به «ابن طباطبا «قیام‌کرد و مردم را به امامت امام رضا علیه‌السلام و عمل کردن

---

[۲۵]. غایه الاختصار ، ص۸۷

[۲۶]. همان

[۲۷]. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص۴۸۶

[۲۸]. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص۱۷۳، طبع دارالفکر بیروت. و مسعودی،مروج الذهب، ج ۴، ص۲۶

[۲۹]. الکامل، ج ۵، ص ۱۷۵ و مروج الذهب همان

[۳۰]. مروج الذهب همان

[۳۱]. همان، و الکامل، ج۵، ص۱۷۷

به کتاب خدا و سنت رسول‌الله (ص) فرا می‌خواند. فرماندهی جنگهای «ابن طباطبا» را «سری بن منصور»معروف به «ابوالسرایا» به عهده داشت [۳۲].

« ابن طباطبا» در سال۱۹۹ ه ق مسموم شد، « ابوالسرایا» رهبری جنگها را بدست گرفت و از زیدیه «محمد بن محمدبن زید بن علی بن الحسین (علیهماالسلام)) را جای او برگزید [۳۳].

٤- فرمانداری یمن

ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهماالسلام در این سال در مکه حضور داشت، وقتی‌خبر«ابوالسرایا» به او می‌رسد برای قیام علیه حکومت وقت‌به سمت‌یمن حرکت‌می‌کند. این حرکت از هوشیاری ابراهیم بن موسی و با انگیزه دعوت کردن مردم به‌ولایت‌برادرش امام رضا علیه‌السلام و پدید آوردن زمینه‌ای برای یک حکومت عادلانه‌روی زمین بوده است .

شیخ مفید گوید: ابراهیم بن موسی در زمان مامون از طرف محمد بن زید بن علی بن‌الحسین علیهماالسلام فرماندار یمن شد، محمد بن زید کسی است که در زمان مامون‌خروج کرد و ابوالسرایا نیز در کوفه با او بیعت کرد و کوفه را فتح نمود، مدتی‌در آنجا ماند تا آنکه ابوالسرایا در جنگ با بنی عباس کشته شد. برای ابراهیم بن‌موسی از مامون امان گرفتند و او به آنجناب امان داد [۳٤].

در این سال دو فرزند دیگر امام کاظم علیه‌السلام نیز در این آشوبها بودند، یکی اسماعیل بن موسی که به‌فرمانداری فارس و دیگری زید بن موسی بن جعفر (زیدالنار) که فرماندار اهواز شدو بصره را نیز تصرف کرد [۳۵].

آیا امام کاظم (ع) تنها یک ابراهیم داشت؟

در اینکه امام کاظم علیه‌السلام چند فرزند ابراهیم داشته است دو دیدگاه وجوددارد، یک دیدگاه این است که ابراهیم از اولاد امام کاظم علیه‌السلام یک فرد بیش‌نیست، که اکثر تاریخ نگاران ائمه علیهم‌السلام مانند شیخ مفید [۳٦]، طبرسی [۳۷]، ابن‌شهرآشوب [۳۸]، اربلی «کشف الغمه»[۳۹]و سبط ابن جوزی [٤۰]بر این اندیشه‌اند،

---

[۳۲]. الکامل ، ج۵ / ۱۷۴ و۱۷۳

[۳۳]. همان، ص ۱۷۵

[۳۴]. ارشاد ، ص۳۰۳

[۳۵]. الکامل، ج ۵، ص ۱۷۵

[۳۶]. ارشاد ، ص۳۰۳

[۳۷]. طبرسی، اعلام الوری، ص ۳۰۱، طبع مکتبه العلمیه

[۳۸]. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۲۴

[۳۹]. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج۳، ص۲۷، طبع دارالکتاب بیروت

[٤۰]. سبط ابن جوزی ، تذکره‌الخواص ، ص ۳۵۱ ، طبع مکتبه نینوی

زیراآنها در شمارش فرزندان امام کاظم علیه‌السلام تنها یک ابراهیم ذکر کرده‌اند .وتمام ویژگیهایی که تاکنون ذکر شد از آن اوست .

اما از میان نسب شناسان «ابن عنبه» صاحب «عمده الطالب» نسب‌شناس مشهور براین باور است که امام کاظم علیه‌السلام دو ابراهیم داشته; یکی ابراهیم اکبر که‌مادرش» ام ولد» و نامش «نجیه» واز برخی نقل می کند که او به فرمانداری یمن‌رسیده و یکی از پیشوایان زیدیه است و فرزندی ندارد. و دیگری ابراهیم اصغر که‌لقبش مرتضی و دو فرزند از او باقی مانده یکی موسی و دیگری جعفر[۴۱]، که جد سیدمرتضی و سید رضی[۴۲] نیز اوست .

ابراهیم پس از شهادت برادرش امام رضا علیه‌السلام به بغداد آمد و درآنجا سکونت گزید، تا اینکه در سال ۲۱۰ ه ق او را مسموم[۴۳] و در قبرستان قریش‌کنار قبر پدر بزرگوارش (معروف به کاظمین) دفن کردند .

درباره او سروده‌اند[۴۴]:

مات الامام المرتضی[۴۵] مسموما و طوی الزمان فضائلا و علوما قدمات فی الزوراء[۴۶] مظلوما کما اضحی ابوه بکربلا مظلوما

مرتضی (ابراهیم) پیشوایی است که مسموم از دنیا رفت و زمان، فضیلتها و دانشهارا پنهان کرد به راستی او مظلوم در بغداد از دنیا رفت نظیر پدرش که در کربلامظلوم بود این نظر بیشتر مورخان است،[۴۷] اما قبری که در کربلا بنام « ابراهیم»وجود دارد، «ابراهیم مجاب» فرزند محمد بن موسی بن جعفر[۴۸] است، زیرا ازخاندان موسی بن جعفر علیهماالسلام او ساکن کربلا شد تا از دنیا برفت .

در شیراز محله «لب آب» نیز قبری منسوب به « ابراهیم بن موسی» است گنبد این‌قبر را محمد زکی خان نوری از وزرای شیراز در سال ۱۳٤۰ بنا نموده است[۴۹] .

اما محل زیستن ابراهیم، که مدتی از عمر خود را در مکه، سپس در یمن و پس از آن دربغداد بوده است‌با این نظر موافق نیست، شاید این قبر منسوب به یکی از نوادگان‌امام کاظم علیه‌السلام بنام ابراهیم بوده که از

---

[۴۱]. جمال‌الدین احمد بن علی بن مهنا مشهور به «ابن عنبه» عمده الطالب فی‌انساب آل ابیطالب، ص ۲۰۱، انتشارات رضی

[۴۲]. بحار، ج ۴۸، ص۳۰۶

[۴۳]. اعیان الشیعه، ج ۲، ص۲۲۹ و حاشیه بحار، ج ۴۸، ص ۲۷۸

[۴۴]. همان

[۴۵]. مرتضی لقب ابراهیم بن موسی است

[۴۶]. زوراء: بغداد

[۴۷]. غایه‌الاختصار، ص۸۷ و بحار، ج ۴۸، ص۳۰۷ و تنقیح‌المقال، ج ۱، ص ۳۵ و اعیان الشیعه، ج ۲، ص۲۲۹

[۴۸]. اعیان الشیعه و تنقیح المقال، همان

[۴۹]. بحار، ج ۴۸، ص۳۰۶

قداست و اعتبار دینی برخورداربوده است. علامه مجلسی گوید: «مدرک قوی که ثابت کند این قبر از آن ابراهیم بن‌موسی کاظم علیه‌السلام است نیافتم. »[۵۰]

زید مبارز فرزند امام کاظم (ع) و برادر حضرت معصومه (س)

او از مادری ام ولد کنیز تولد یافت و تاریخ زندگی او پیوسته با پیکار توام‌بود، در قیام «علویان» که مشهور به «طالبیون» است‌شرکت داشت و درسال ۱۹۹ ه.ق که « ابوالسرایا» قیام کرد از طرف «ابن طباطبا» (محمد بن محمدبن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام فرماندار اهوازشد. او ماموریت‌یافت که بصره را نیز تصرف کند، در بصره به «عباسیان» حمله‌شدیدی کرد، آنها مخالفان خاندان تصرف کند، در بصره به «عباسیان» حمله شدیدی«بنی‌عباس» را با اموال آنها به آتش کشید و نخلستانها را نیز آتش زد و به‌همین جهت او را «زید النار» نامیدند. او بصره را به تصرف خود در آورد .

پس از فتح بصره عباسیان تقویت‌شدند وحکومت‌شهرها را به دست گرفته و«ابوالسرایا» نیز شکست‌خورد .

حسن بن سهل از فرماندهان مامون با زید پیکار کرد، او را دستگیر و دست‌بسته‌نزد مامون در مرو فرستاد. مامون به او گفت: ای زید! چرا خانه‌های بنی‌عم خودرا سوزاندی و خانه‌های دشمنان ما (امیه، ثقیف، عدی، باهله و آل زیاد) راواگذاشتی؟ چون زید شوخ‌بود گفت: از هر سوی اشتباه کردم و اگر بار دیگر دست‌پیدا کنم نخست از خانه‌های دشمنان خود آغاز می‌کنم، مامون خندید و او را نزدبرادرش رضا(ع) فرستاد و گفت: گناه تو را به آن حضرت بخشیدم، حضرت او را سرزنش‌کرد و آزار نمود و سوگند یاد کرد تا زنده است‌با او سخن نگوید

جایگاه زید

برای ارزیابی هر شخصیتی بویژه فرزندان امامان شیعه به ناچار باید راه احتیاطرا پیش گرفت و به سادگی نمی‌توان آنها را محکوم و متهم نمود و شخصی منفی نشان‌داد، امام صادق(ع) فرمود: «... از فرزندان فاطمه کسی از دنیا نمی‌رود، مگراینکه به امام خود و امامت او اعتراف می‌کند ...» و فرزندان امام کاظم(ع) نیزاز این قاعده بیرون نیستند .

دلایلی وجود دارد که زید بن موسی را شخصی مثبت ارزیابی می‌کند :

۱- شیخ مفید; فرموده است :

« برای هر یک از فرزندان امام کاظم(ع) فضیلت و خصلتی نیک مشهور است.» این‌جمله تایید همه آنهاست و زید را استثنا نکرده است .

---

[۵۰]. در شهر نایین سید علی بن‌ابراهیم مجاب از فرزندان امام کاظم(ع (بارگاهی‌باشکوه دارد که مزار شهدای انقلاب اسلامی در جوار وی قرار گرفته است و این نشان‌می‌دهد که فرزند ابراهیم به منطقه مرکزی ایران آمده است

۲- خلفای عباسی با علویان بویژه فرزندان امامان شیعه به شدت مخالف بودند،این اختلاف در قرن دوم شدت گرفت، به گونه‌ای که کمتر وزیری از «بنی‌عباس» بودکه دستش به خون یکی از علویان آلوده نباشد. در همین راستا مامون برای برقراری‌حکومت نامشروع خویش هر مخالفی را به شیوه مرموزانه‌ای از بین می‌برد و زید نیزیکی از قربانیانی است که به دستور او مسموم شده است. علویان در تنگنای شدیدقرار داشتند و پیشوایان آنها همچنان در حبس و تحت نظر بوده و پیوسته زندگی رابا تقیه بسر برده‌اند; زیرا علویان تنها گروهی بودند که امکان جانشینی آنهاوجود داشت. این دشواریها انگیزه محبوبیت‌بیش از پیش علویان در میان مردم وشورش‌های پی در پی آنان بر علیه عباسیان شد و لذا می‌بینیم فرزندان امامان(علیهم‌السلام) از هر فرصتی استفاده کرده، بپا می‌خاستند، اما پیشوایان و امامان شیعه‌پس از عاشورا زمان شایسته‌ای را برای قیام نیافتند و اگر قیام می‌کردند، قیام‌همان و از میان رفتن شیعه همان .

۳- علویان معتقد به تشیع بوده، اما تشیع آنها نیاز به اصلاح و تعدیل داشت وبر همین اساس برخی پیکارهای آنان تند، شتابزده و احیانا اشتباه بوده است، بدون‌تردید از دیدگاه امام رضا(ع) حکومت مامون مشروع نبوده است، ولی در روش برخوردبا آن ممکن است‌بین حضرت و دیگر علویان اختلاف نظر وجود داشته باشد و طبیعی است‌که امام رضا(ع (نمی‌تواند از قیامهای ضد بنی‌عباس حمایت کند و در حضور مامون ازقیام زید تجلیل نماید .

شیخ صدوق; در «عیون اخبار الرضا» روایاتی آورده که امام هشتم(ع) زید راتوبیخ و نکوهش کرده است; در روایتی فرمود: «... ای زید! آیا موسی بن جعفر(ع)که خدا را اطاعت می‌کند و روزها روزه و شبها به عبادت بسر می‌برد و تو که‌نافرمانی خدا می‌کنی، اگر روز قیامت هر دو در محضر خدا حاضر شوید، با هم برابرهستید؟»

وقتی مامون زید را نزد امام هشتم(ع) فرستاد، «حضرت او را سرزنش‌کرد و آزار نمود و سوگند یاد کرد تا زنده است‌با او سخن نگوید. »

این روایات‌از نظر سند ضعیف هستند، اگرچه برخی راویان مورد اعتمادند،اما راویان دیگری‌که هویت آنها معلوم نیست، یا دارای ضعف هستند نیز وجود دارد، پس به این‌روایات نمی‌توان اعتماد کرد. به همین جهت وقتی «علامه سید محسن امین» به«زید بن موسی(ع)» می‌رسد، پس از نقل کلام شیخ مفید، گوید: «در عمومیت کلام شیخ‌مفید زید نیز داخل است.»، یعنی زید دارای فضیلت است .

بنابراین زید شخصی فاسد المذهب که از طریق حق و صواب بیرون رفته باشد، نیست .

او نه از «زیدیه» و نه از «واقفیه» بوده است، بلکه نشانه‌هایی وجود داردکه تشیع وی را تایید می‌کند. گرچه ما در صدد توجیه برخی خطاهای زید، نظیر آتش‌سوزی او نیستیم، ولی نمی‌توان گفت او شخصی نااهل و ناصالح است و از نسل امامان‌معصوم(علیهم السلام) اگر کسی مانند «جعفر کذاب» وجود داشت، امامان از اول‌شیعه را متوجه انحراف وی نموده‌اند

روایتی در اثبات امامت

جعفر فرزند زید ازپدرش، او هم از پدرش امام کاظم(ع) و امام کاظم(ع) از پدرانش(علیهم السلام) چنین‌نقل می‌کند: روزی «ام اسلم» به خدمت پیامبر اسلام(ص) که در منزل «ام سلمه»بود، آمد، پرسید رسول خدا(ص) کجاست؟ ام سلمه گفت :

برای کاری بیرون رفته و به زودی باز می‌گردد. او منتظر رسول خدا ماند، تا آن‌حضرت آمد. «ام اسلم» پرسید: پدر و مادرم فدای تو ای رسول خدا! من کتابهایی‌را خوانده‌ام، پیامبران و وصی آنها را می‌شناسم، حضرت موسی در حیات خود وصی(هارون) و بعد از خود نیز وصی (یوشع) داشت و همچنین حضرت عیسی، ای رسول خدا !

وصی تو کیست؟ حضرت فرمود: ای «ام اسلم» وصی من در حیات و پس از وفات من یکی‌است، ای ام اسلم! اگر کسی مثل این کار مرا انجام داد، او وصی من است، حضرت‌دستش را به سنگریزه‌ای زد و آن را مالید تا مانند آرد شد، آنگاه خمیرش کرد و باخاتمش آن را مهر کرد .

سپس فرمود: ای «ام اسلم» هر کسی این کار مرا انجام داد او وصی من است .

گوید: از نزد رسول خدا(ص) خارج شدم و به محضر امیرالمؤمنین(ع) رسیدم، از اوپرسیدم پدر و مادرم فدای تو! آیا تو وصی پیامبر(ص) هستی؟ فرمود :

آری. و حضرت هم مانند کار رسول خدا انجام داد .

سپس نزد حسن و حسین آمدم، آن دو نیز مانند کار رسول خدا(ص) انجام دادند و ام‌اسلم زندگی طولانی کرد تا «زین‌العابدین»(ع) را ملاقات نمود، او هم مانند کاررسول خدا و علی و حسن و حسین انجام داد (صلوات الله علیهم اجمعین.) نقل این‌حدیث گواهی بر اعتقاد زید مبارز به امامت و ولایت تکوینی معصومین(علیهم السلام)و نشان عدم انحراف او در جریان «زیدیه» است .

زید مبارز سرانجام در شهر مرو توسط مامون مسموم گردید و این فرزند برومندامام هفتم در خراسان بزرگ چشم به آسمان دوخت و تن به خاک سپرد .

حسین بن موسی فرزند امام کاظم(ع) و خواهر حضرت معصومه(س)

حسین بن موسی یکی از فرزندان امام کاظم(ع) است وی از جمله همراهان‌احمد بن موسی(ع) بوده است و در حدود سال ۲۰۲ ه. ق از مدینه عازم ایران شد ودر شیراز به شهادت رسید .

حضرت حسین بن موسی در برخی منابع به سید علاءالدین حسین ملقب گردیده است .

«سید علاءالدین حسین بن موسی الکاظم برادر کهتر شاهچراغ است‌به سن سیزده سال‌بود شهادت او بعد از تفرقه امامزادگان در شیراز در محله باغ قتلغ اتفاق افتاد .

قتلغ در شیراز باغی داشت که باغبانش مردی دیندار و با مروت بود. باغبان درشبهای جمعه در مکانی بلند نوری را مشاهده می‌کرد قتلغ خان مالک این باغ نیز این‌نور را مشاهده کرد دستور داد که محل مزبور را بررسی کنند. قبری یافتند «پس ازباز کردن قبر، جسدی بزرگ و باعظمت و شکوه یافتند. جسد در کمال شادابی و زیبایی‌بود در یک دست صاحب جسد قرآن مجید و در دیگر دستش شمشیری قرار گرفته بود. باعلامت و نشانه‌هایی دانستند که قبر متعلق به حسین بن موسی(ع) است. قتلغ خان‌آنگاه فرمان داد که قبه و بارگاهی عالی بر سر آن مقبره بنا کردند «.

علامه مجلسی و فرصت‌الدوله شیرازی معتقدند که حضرت حسین بن موسی(ع) در همین باغ شهیدشده اما قبر ایشان در زمان صفویه آشکار گردید .

ولی گزارش ابن جنید شیرازی به زمان حادثه نزدیکتر است. پس از آشکار شدن قبرحسین بن موسی بارگاهی بر قبر ایشان برافراشته شد. با تحقیق و بررسی اوضاع قرن‌هفتم به بعد چنین نتیجه‌گیری می‌شود که برخی حاکمان فارس مردانی خیراندیش و صالح‌بوده‌اند .آنان احترام علماء و بزرگان دینی را پاس می‌داشتند در آبادانی قبورائمه دین و اولیاء سعی فراوان داشتند .

لذا علیرغم جو حاکم بر ایران آن روز شهر شیراز دارای موقعیت ویژه‌ای بوده است .

علیرغم اینکه هنوز تشیع در اقلیت‌بودند، اما آنان توانستند در حفظ آثارامامزادگان اقدامهای اساسی انجام دهند. پس از آشکار شدن قبر مطهر حسین بن‌موسی(ع) هر روز بهتر از گذشته بارگاه او توسعه می‌یافت. تا اینکه «مردی به نام‌میرزا علی از مدینه به شیراز آمد و در شیراز مسکن گزید و بر سر قبر سیدعلاءالدین قبه و بارگاهی رفیع ساخت و املاک و باغهای زیادی را هم وقف آن کرد وپس از مرگ وی تولیت موقوفه به دست پسرش میرزا نظام‌الملک که از وزرا بود، رسیدو پس از او به نوادگانش منتقل شد .

سلطان خلیل که از طرف شاه اسماعیل صفوی حاکم شیراز بود، در سال ۸۱۰ ه. ق این‌بقعه را تخریب و آن را تعمیر و تکمیل نمود «.

پس از چندی به سبب زلزله‌ای که‌در شیراز رخ داد گنبد بارگاه این امامزاده جلیل‌القدر در معرض تخریب قرار گرفت‌که توسط مرحوم مشیرالملک (میرزا ابوالحسن خان (تجدید بنا گردید و رواق حرم راهم مرحوم قوام الملک (محمدرضا خان) آینه‌کاری نمود .

حرم مطهر حسین بن موسی(ع)مربع شکل است، دور تا دور گنبد کتیبه است و سوره «هل اتی» بر آن نقش بسته‌است، هم اکنون طرحی به نام حرم تا حرم در دست اجراست. با تکمیل این طرح حرم‌مطهر حسین بن موسی(ع) به حرم مطهر احمد بن موسی(ع) اتصال پیدا می‌کند .

بارگاه حضرت حسین بن موسی در شیراز به آستانه مشهور و معروف است .

مردم به سبب کراماتی که از این بقعه مبارک دیده‌اند احترام ویژه‌ای برای آن‌قائل هستند. در بین ایام هفته، شب دوشنبه برای زیارت حضرت حسین بن موسی شب‌خاصی است .همچون مسجد جمکران قم که

شبهای چهارشنبه از اقصی نقاط ایران در آنجاحضور می‌یابند بارگاه نورانی این امامزاده در شبهای دوشنبه مملو از مریدان وشیفتگان آن حضرت است .

ارادتمندان به این خاندان، شبهای دوشنبه را تا صبح در این مکان مقدس بیتوته‌می‌کنند و به عبادت و راز و نیاز می‌پردازند .

در شهرستان طبس بقعه‌ای است که مردم آن دیار معتقدند که متعلق به حسین بن‌موسی(ع) است، اما گزارش‌ها و حکایات موجود حاکی از این است که حسین بن موسی(ع)همراه برادرانش احمد بن موسی و محمد بن موسی بوده و طبعا همزمان با آنها درشیراز به شهادت رسیده است .

البته این احتمال وجود دارد که در جریان هجوم به کاروان احمد بن موسی برادرخردسال ایشان گریخته و مخفی شده و بعدها در طبس از دنیا رفته باشد

روایاتی از ایشان

حسین بن موسی(ع) از راویان و محدثان موثق‌شیعه است. خبرگان روایت‌به وثاقت او تصریح نموده و روایتهای او را زینت‌بخش‌کتابهای خود کرده‌اند. در منظومه «نخبه‌المقال» اسامی راویان موثق به نظم‌کشیده شده است. در این منظومه درباره توثیق حسین بن موسی چنین مسطور است :

ثم ابن شاذویه قال جش ثقه کذا الحسین ظم هو ابن صدقه

روایاتی چند از این مرددلبند موسی بن جعفر(ع) را خاتمه گفتارمان قرار می‌دهی.

گردش روزگار

حسین بن موسی(ع) فرمود :

ما گروهی از جوانان بنی‌هاشم همراه امام‌رضا(ع) بودیم. [شخصی به نام] جعفر بن عمر علوی که پیراهنی کهنه بر تن وقیافه‌ای بدجور داشت از کنارمان گذشت .

بعضی از ما با ملاحظه شکل ظاهری او به همدیگر نگاه کردیم و خنده‌مان گرفت .امام‌رضا(ع) [که متوجه ما شد] فرمود: به زودی خواهید دید او را در حالی که مالش‌فراوان و همراهانش بسیارند. حدود یک ماه سپری نشده بود همان مرد استاندارمدینه شد و وضعیتش دگرگون شد و کنارمان گذشت در حالی که خدمتکاران و همراهانی‌داشت .

نیکوترین عمو

از امام جواد(ع) [در دوران کودکی] سؤال شد که کدامیک ازعموهایت‌بیشتر در حقت نیکی و محبت دارد؟ وی فرمود :

حسین. حضرت رضا(ع) [پس ازشنیدن جواب فرزندش] فرمود :

به خدا قسم راست می‌گوید. حسین بن موسی(ع) نیکوترین‌و خیرخواه‌ترین عموی اوست .

فضیلت غسل جمعه

یکی از مستحبات، غسل جمعه است که‌قبل از ظهر جمعه انجام می‌شود، اما با توجه به فضیلت آن اگر کسی نتواند در روزجمعه قبل از ظهر این غسل را انجام دهد، می‌تواند در روز پنجشنبه یا شنبه به نیت‌غسل جمعه غسل نماید. حسین بن موسی از مادرش (و مادر احمد بن موسی(ع» نقل‌می‌کند که ما به همراهی امام کاظم(ع) در بیابانی بودیم .قصدمان رفتن به بغدادبود آن حضرت در روز پنجشنبه ما را فرمان داد که غسل جمعه نماییم; زیرا فردا آب‌کم خواهد بود. آنگاه ما روز پنجشنبه به قصد روز جمعه غسل نمودیم .

امامت امام‌جواد(ع)

ابوعبدالله حسین بن موسی بن جعفر گوید :

من در مدینه خدمت‌حضرت ابوجعفرجواد(ع) بودم و علی بن جعفر نیز در خدمت آن بزرگوار بودند. مردی از اعراب درآن مجلس نشسته بود. مرد عرب پرسید: این جوان کیست؟ و با دست اشاره به حضرت‌جواد(ع) نمود. گفتم: این وصی رسول خدا است، گفت :

سبحان الله رسول‌خدا اکنون ۲۰۰ سال است از جهان رفته و این جوان است چگونه‌می‌تواند وصی آن حضرت باشد؟

گفتم: این وصی علی بن موسی است و او وصی موسی بن جعفر و موسی بن جعفر وصی‌جعفر بن محمد و جعفر بن محمد وصی محمد بن علی و محمد وصی علی بن الحسین و علی‌وصی حسین و حسین وصی حسن و حسن وصی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب و علی بن ابی‌طالب وصی‌رسول خدا علیهم السلام

آستانه بی بی هیبت (خواهر حضرت معصومه (س) در جمهوری آذربایجان)

تعدادی از دختران والاگهر حضرت موسی‌بن جعفر علیه السلام «فاطمه» نام داشتند .

محدثان، مورخان، سیره نویسان، تذکره نویسان و نسب شناسان، به هنگام شمارش دختران حضرت موسی‌بن جعفر علیه السلام از چند دختر به نام فاطمه نام برده‌اند [۵۱] .

سبط ابن جوزی، یکی از بزرگان علمای اهل سنت – در قرن هفتم – به هنگام شمارش فرزندان امام کاظم(ع)، از چهار دختر به شرح زیر یاد کرده‌است :

- ۱فاطمه کبری ۲ – فاطمه صغری۳ – فاطمه وسطی ٤ – فاطمه اخری [۵۲]

---

[۵۱]. ارشاد: ج ۲، ص ۲۴۴; دلائل الامامه، ص۳۰۹; اعلام الوری، ج ۲، ص۳۶; تاج الموالید، ص۴۷; مناقب ابن شهرآشوب، ج ۴، ص ۳۲۴; کشف الغمه، ج۳، ص۲۶; المستجاد، ص ;۲۰۰ حبیب السیر، ج ۲، ص ۸۱; تاریخ برگزیده، ص ۲۰۴; الفصول المهمه، ص ۲۴۲; اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۵; جامع الانساب، ج ۱، ص ۸۵; موسوعة العتبات المقدسه، ج۹، ص ۵۸، تواریخ النبی والآل، ص ۱۲۵ و غیره

«فاطمه کبری» مشهور به «حضرت معصومه(س)» در «قم» مدفون است و حرم باشکوهی دارد که همه روزه هزاران نفر از شیفتگان خاندان عصمت و طهارت، از داخل و خارج کشور، برای عتبه بوسی آستان بلند جایگاهش به این شهر مقدس روی می‌آورند .

«فاطمه صغری علیها السلام» مشهور به «بی‌بی هیبت» در مدخل شهر «باکو» پایتخت آذربایجان شوروی مدفون است .

«فاطمه وسطی» مشهور به «ستی فاطمه» در «اصفهان» مدفون است و حرم قدیمی با شکوهی دارد .

«فاطمه اخری» مشهور به «خواهر امام» در «رشت» مدفون است و حرم باصفائی دارد .

آستانه مبارکه «بی‌بی‌هیبت» در طول قرون و اعصار مورد توجه خاص شیعیان شیفته و دلسوخته بود، که از اقطار و اکناف جهان برای آستان بوسی حرم مطهرش رخت‌سفر می‌بستند و رنج‌سفر برخود هموار می‌کردند و به سوی مرقد شریفش می‌شتافتند و پیشانی ادب برآستان ملک پاسبانش می‌سائیدند .

پس از پیدایش کمونیسم و قطع ارتباط این سامان بادیگر ممالک اسلامی، رفت و آمدها قطع شد و حرم مطهر آن حضرت به دستور «استالین» در سپتامبر۱۹۳٦م [۵۳] .با دینامیت منفجر شد و روی قبرمطهر اسفالت گردید .

مردم مسلمان و علاقمند به خاندان عصمت و طهارت، در مقابل دژخیمان خون آشام کمونیسم، قدرت ابراز هیچ عکس العملی نداشتند، جز اینکه هرگز از روی قبر مطهر جگر گوشه حضرت موسی‌بن جعفر علیه السلام عبور نکردند و همواره از حاشیه خیابان عبور کردند .

نظام مستبد و خون آشام کمونیستی برای مجبور ساختن مردم به عبور از روی قبور مطهره، از دو طرف محل حرم بی‌بی، ستونهایی نصب کردند و بر فراز قبر مطهر طاق نصرت زدند، تا دیگر گزیری از عبور بر فراز قبور نباشد ولی مردم آگاه در صفهای بسیار طولانی با حوصله و تحمل بی‌نظیری توقف می‌کردند، تا از گذرگاه باریکی که در دو طرف طاق نصرت برای عبور پیاده‌ها منظور شده بود عبور کنند .

شاهدان عینی می‌گویند: در مواقعی که ترافیک سنگین بود، اتوموبیلها در صفهای چند کیلومتری می‌ایستادند و هرگز از روی قبر مطهر عبور نمی‌کردند .

پس از فروپاشی نظام کمونیستی، شیعیان شیفته و پاکباخته، با تلاش فراوان به تجدید بنای حرم مطهر آن حضرت اقدام نمودند و فاز اول آن، روز هفدهم ربیع الاول۱٤۱۹ ه [۵٤] . سالروز ولادت با سعادت حضرت ختمی‌مرتبت و میلاد مسعود پیشوای ششم شیعیان، طی مراسم باشکوهی رسما افتتاح گردید .

---

[۵۲]. تذکرة الخواص، ص ۳۱۵

[۵۳]. برابر شهریور ۱۳۱۵ ش'. و رجب ۱۳۵۵ ه ق

[۵۴]. برابر ۱۳۷۷/۴/۲۱ش. و ۱۹۹۸/۷/۱۲ م

و اینک مصمم هستند که تعداد ۱۱٤ منزل مسکونی موجود در اطراف حرم مطهر را خریداری کرده، مسجد باشکوهی در کنار حرم مطهر آن حضرت به سبک مسجد اعظم قم تاسیس نمایند .

در حرم مطهر بی‌بی‌هیبت صورت چهار قبر هست که روی هریک از آنها تخته سنگ بزرگی است که به ۸۸ سال پیش مربوط می‌شود .

روی سنگ قبر مطهر بی‌بی‌هیبت مطالبی نوشته شده که در اثر فرسودگی به طور کامل خوانده نمی‌شود، به خصوص که به هنگام منفجر کردن از وسط دو نیم شده و بیش از نیم قرن در زیر خاک مانده است .

پس از تلاش فراوان به کمک فیلمهای مختلفی که از زوایه‌های مختلف گرفته شده، برخی از کلمات آن را خواندیم و برخی دیگر را نتوانستیم بخوانیم و لذا کلمات خوانا را در اینجا می‌آوریم و به جای کلمات ناخوانا سه نقطه قرار می‌دهیم :

« ...هذا المرقد المنور و المضجع المطهر لسیدتنا و مولاتنا، بضعۀ الرسول و سلالۀ البتول، عصمۀ ... الدین ... الصدیقۀ المسماۀ بحکیمۀ بنت الامام موسی بن جعفر صلوات الله علیها و علیهما و القبور الثلاثۀ التی... قبور اولادها الکرام علیهم الرحمۀ و الرضوان، ان الله علی کل شیء قدیر. شید هذه القبور الشریفه عمدۀ الاخیار الحاج علی‌اصغر بادکویه، احسن الله له الجزاء و اکمل الله اجره، فی سنۀ ۱۳۳۲ الهجرۀ النبویۀ»

به طوری که در خطوط سنگ قبر شریف منعکس است، حضرت «بی‌بی هیبت» در میان اهالی آن سامان، ملقب به «حکیمه» و مشهور به «بی‌بی‌هیبت» می‌باشد ولی به طوری که در منابع فراوان تصریح شده، نام گرامی آن حضرت «فاطمه صغری» می‌باشد، که در آن منطقه به «حکیمه» ملقب شده و به «بی‌بی‌هیبت» شهرت یافته است .

در اینجا به تعدادی از منابعی که در آنها تصریح شده که نام نامی بی‌بی‌هیبت «فاطمه صغری» می‌باشد، اشاره می‌کنیم :

۱- تحفۀ العالم، از علامه سید جعفر آل بحرالعلوم [۵۵] .

۲- مرآت البلدان، از محمد حسن‌خان اعتماد السلطنه [۵٦] .

۳- از آستارا تا استراباد، از دکتر منوچهر ستوده [۵۷] .

٤- لغتنامه دهخدا، از شادروان علی‌اکبر دهخدا [۵۸] .

۵- حیاۀ الامام موسی بن جعفر علیه السلام از علامه باقر شریف قرشی [۵۹] .

---

[۵۵]. تحفة العالم، ص۳۷

[۵۶]. مرآت البلدان، ج ۱، ص ۲۵۵

[۵۷]. از آستارا تا استراباد، ج ۲، ص ۱۸۰

[۵۸]. لغتنامه دهخدا، حرف ب، ص ۵۱۸

[۵۹]. حیاةالامام موسی‌بن‌جعفر(ع)، ج۲،ص۴۳۹

باتوجه به منابع فوق و دیگر منابعی که در آنها تصریح شده که حرم شریف موجود در «باکو» مربوط به «فاطمه صغری» دختر موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد، تردیدی نمی‌ماند در اینکه نام شریف بی‌بی‌هیبت «فاطمه صغری» می‌باشد ولی در آنجا به «حکیمه» ملقب شده و به «بی‌بی‌هیبت» اشتهار یافته است، چنانکه خواهرش «فاطمه کبری» به «حضرت معصومه» علیها السلام مشهور شده، دیگر خواهرانش: «فاطمه وسطی» به «ستی فاطمه» و «فاطمه اخری» به «خواهر امام» شهرت یافته‌اند .

اما در مورد اشتهار آن حضرت به «بی‌بی‌هیبت» مشهور در میان اهالی آن سامان این است که به هنگام عزیمت آن بزرگوار به منطقه باکو، مرد صالح و سعادتمندی که افتخار هدایت قایق حامل آن حضرت را از رشت تا باکو، خداوند منان به او ارزانی فرمود«هیبت» نام داشت .

این مرد سعادتمند همواره به این توفیق ربانی که شامل حالش شده بود، مباهات می‌کرد و هنگامی که می‌خواست از آن حضرت یاد کند می‌گفت: «بی‌بی من» .

براین اساس از همان اوان نام آن بانوی بزرگ «بی‌بی هیبت» شهرت یافت و با گذشت زمان به صورت مخفف «بی‌بی‌هیبت» (باحذف کسره) تعبیر گردید. و اینک همگان آن امامزاده واجب التعظیم را به عنوان «بی‌بی‌هیبت» می‌شناسند و در همه اسناد و منابع به همین عنوان یاد شده است .

از بررسی اسناد و منابع استفاده می‌شود که این بانوی بزرگ در یک فرسخی شهر باکو در روستای معروف به «شیخ کندی» رحل اقامت افکنده و همه عمر مبارک خود را با عبادت حق تعالی سپری کرده است .

خانه‌ای که این بانوی بزرگ در آن سکونت داشت، تاکنون محافظت‌شده و محل محراب عبادتش تا به امروز به عنوان مکانی مقدس زیارتگاه خاص و عام می‌باشد. چنانکه محراب عبادت خواهرش حضرت معصومه(س) نیز در قم حفاظت‌شده و به عنوان «بیت النور» در تاریخ ثبت‌شده و خانه مسکونی حضرتش تبدیل به مدرسه شده و «ستیه» شهرت یافته است .

اهالی با ایمان و شیعیان با اخلاص روستای شیخ، پس از ارتحال جگرگوشه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام با اندوه فراوان پیکر پاکش را در محل حرم فعلی‌اش به خاک سپردند و بر فراز قبر شریفش سایبان ساختند. و سه تن از منسوبین خاندان عصمت و طهارت را در کنار مرقد مطهرش دفن کردند و این ودیعه گرانبهای اهلبیت پیامبر(ص) را ارج نهادند و در همه ایام زیارتی به عتبه بوسی آستان بلند جایگاهش تشرف یافتند و در هر مشکلی به محضر مقدسش پناه بردند و حاجت‌روا باز گشتند .

با گذشت قرون و اعصار، معجزات و کرامتهای فراوانی از قبر شریف دخت‌باب الحوائج مشاهده گردید و آوازه‌اش در همه‌جا طنین انداخت. و دلهای شیفتگان اهلبیت علیهم السلام از اقطار و اکناف به آن سوی جذب شد .

با مشاهده روز افزون این کرامات، نذورات فراوان بر قبر شریفش نثار گردید و با این نذورات و تبرعات گنبد و بارگاه مجلل‌تر و باشکوهتری برفراز قبرشریفش ساخته‌شدو به صورت‌یکی‌از شاهکارهای معماری شرق درآمد .

در این حرم با صفا زیباترین معماری شیروان – آبشرون به کار رفت، مناره‌های زیبا، گنبد با عظمت، سالن‌های بزرگ، دو مسجد و تعدادی بنا، مقبره و سردابه در اطراف آن ساخته شد .

این حرم باصفا به صورت میراث گرانبهائی در آمد که در آن هنراسلامی از لحاظ سنگ‌تراشی، خطاطی و نقاشی، به صورت گنجینه ارزشمندی از کتابخانه، تابلو، سنگ نوشته و دست نویس در معرض تماشای زائران و جهانگردان به نمایش گذاشته شد .

ولی افسوس که همه این گنجینه‌ها در حمله ددمنشانه کمونیستها از بین رفت و این آثار گرانبها که نشانه تعالی و ترقی و پیشرفت فرهنگ و مدنیت‌بود، در آتش بیداد سوخت و این حرم باصفا که گذشته از آثار معنوی، در حیات سیاسی و اقتصادی منطقه سهم به سزائی داشت، با خاک یکسان گردید .

مقبره‌های فراوانی در اطراف حرم بی‌بی‌هیبت‌بود که متعلق به روحانیان، مدرسان، متولیان و خدمتگزاران حرم بود، که همه آنها نیز با دینامیت منفجر و با خاک یکسان شد .

تعدادی از تخته سنگهای مربوط به این مقبره‌ها که از مرمر و دیگر سنگهای قیمتی بود، در موزه آرکئولوژی باکو: «آذربایجان تاریخ موزه‌سی» محافظت می‌شود .

در برخی از تابلوهای موجود، تاریخ ۷۰۰ هجری ثبت‌شده و نام «محمود بن سعد» به عنوان معمار آمده است .

در تخته سنگی که به زبان عربی، در دروازه واقع در شمال زیارتگاه نصب شده بود، تاریخ تاسیس این درگاه به سال ۱۰۱۸ ه . به فرمان شاه عباس کبیر ثبت‌شده است. عکس نگاتیو یکی از کتیبه‌های حرم بی‌بی‌هیبت در آرشیو علمی «انیستیتو تاریخ رسپوبلیکا EA » شماره۹۰۱۷ محافظت می‌شود .

در کتیبه دیگری از «سیدفضل‌الله» پسر سید لطیف نیشابوری یاد شده، که به سال۹۷۷ ه . اقدام به تاسیس مسجدی در کنار حرم بی‌بی‌هیبت نموده است .

در این منابع از شخص دیگری به نام «حاجی شریف» پسر شیخ عابدین گفتگو شده، که اصلا اهل نیشابور بوده، برای ارشاد خلق و ترویج مذهب به باکو آمده، در حرم بی‌بی‌هیبت انجام وظیفه نموده، سرانجام در حجره‌ای که خود به سال۱۰٤٦ ه . ساخته بود، مدفون شده است .

در آثار تحقیقی فراوانی پیرامون حرم مطهر بی‌بی‌هیبت و ساختمانهای وابسته آن گفتگو شده، که عمدتا به زبان روسی می‌باشد، ما در اینجا تعدادی از این آثار تحقیقی را معرفی می‌کنیم :

۱– کتاب «تاریخ قرون وسطای باکو» از: س. ب. آشوربیلی،چاپ ۱۹٦٤ م .

۲- کتاب «تاریخ مناسبات فئودالی آذربایجان و ارمنستان، در قرنهای۱٦ -۱۹» از :ای. پ. پتروشوسکی، چاپ۱۹٤۹ م. لنینگراد .

وی در این کتاب متن کامل فرمان شاه عباس دوم و فرازی از فرمان شاه عباس کبیر را در مورد مقبره «بی‌بی‌هیبت» همراه با ترجمه روسی آن آورده است .

۳- رساله «روستای شیخلر» از: ق. صادقی، چاپ ۱۹۲۵م. باکو .

او در این رساله از نسب بی‌بی‌هیبت و نام گرامی او و همچنین ساختمانهای وابسته به آستانه بی‌بی‌هیبت گفتگو کرده است .

٤- کتاب «سفری به شمال ایران» از: ای. برزین، چاپ ۱۸۵۲م. مؤلف به سال ۱۸٤۱م .به باکو سفر کرده، برخی از کتیبه‌های حرم بی‌بی‌هیبت را خوانده، آنها را رونویس کرده، همراه ترجمه روسی آنها در کتاب خود آورده است .

۵- کتاب «سکه‌های قرن چهاردهم ایلخانیان» از: م. آ .

سیف الدینی، نشریه شماره ۵۰۱۲ انیستیتوی علم تاریخ .

وی در این کتاب نظرات پژوهشگران گذشته، چون: درن، سیسو، پاخمو، علیزاده و حقی را بر اساس یافته‌های سکه شناسی تکمیل کرده، نکات مبهمی را به دست آورده است. از جمله این که: «ابوالفتح فرخزاد» که در کتاب سفری به شمال ایران به عنوان بانی مسجد متصل به حرم بی‌بی‌هیبت‌یاد شده، یکی از حکمرانان ایلخانی بوده، که در حدود ٦٦۵-٦۹۹ه .حاکم شیروان بوده است .

٦- رساله «کاسپی‌یه» از: ب. آ. درن، چاپ ۱۸۷۵ م .

وی در این کتاب معتقد شده که محل حرم بی‌بی‌هیبت قبلا قلعه بوده است .

۷- مقاله «ع. ک. علی‌اکبر اوف» چاپ ۱۹٦۰م. باکو .

وی در این مقاله مناره‌ای را که در کنار حرم مطهر بی‌بی‌هیبت‌بود، به عنوان یک اثر مربوط به دوران شکوفائی معماری سلجوقیان دانسته است .

۸- کتاب «بارگاههای آذربایجان» از: م. نئومام، چاپ ۱۹۹۲ م. باکو .

وی در این کتاب از حرم مطهر بی‌بی‌هیبت و ساختمانهای پیرامون آن به تفصیل بحث کرده است .

۹- کتاب «اسناد مربوط به تاریخ قرون وسطای‌باکو»از:ت.م.موسوی،چاپ۱۹٦۷ م.باکو .

وی در این کتاب اسناد مربوط به حرم مطهر بی‌بی هیبت را با شرح و تفصیل آورده است .

۱۰- اسناد گرد آمده در «آرشیو علوم آکادیمیک شوروی» که در بخش ب. آ. درن، در «لنینگراد» محافظت می‌شود .

علاوه بر همراهی جمعی از برادران، بانوانی نیز، حضرت فاطمه معصومه(س) را همراهی می کردند.
اسامی این خواهران که ممکن است خواهران کنیزهای حضرت بوده باشند، عبارتند از: میمونه، فاطمه صغری و خدیجه خاتون (دختران امام کاظم(ع))، خواهر حضرت معصومه(س) و «سلطان موصلیه » خادمه آن حضرت.
عباس فیض گوید: برخی از مورخان از محدث قمی مؤلف «حاشیه انساب المجدی » نقل کرده اند که: «میمونه » بنت موسی بن جعفر با فاطمه معصومه(س) است و می خواهند اینطور استفاده کنند که، فاطمه با خواهر خود میمونه همسفر بوده اند، در صورتی که این عبارت از دفن وی در جوار فاطمه حکایت می کند.
البته باید گفت که در متن «المجدی » که اخیرا به چاپ رسیده، از «میمونه » دخت امام کاظم(ع) نامی به میان نیامده است.
با این حال باز هم، همراهی آن بانوی مکرمه با حضرت معصومه(س) منافاتی ندارد.
چه این کاروان شامل همه و یا قسمت عمده ای از خاندان موسوی، پس از یک سال تاخیر می خواست به امام رضا(ع) بپیوندد.
در مورد فاطمه صغری باید گفت که امام کاظم(ع) دو دختر به نام فاطمه داشتند;
۱. فاطمه کبری (حضرت فاطمه معصومه(س))
۲.فاطمه صغری
فاطمه صغری، کودکی خردسال بود و در مسیر کاروان از دنیا رفت و در روستایی از توابع آشتیان به خاک سپرده شد.
خدیجه خاتون، نزدیک مزار «طیب » و «طاهر» وفات یافت و در همانجا مدفون گردید.
سلطان موصلیه نیز در نائین دفن شده است.
البته غیر از افراد مذکور، آقای بلاغی از شخصی به نام «سید مرتضی طبیب حضرت معصومه(س)» نام می برد.
او پس از ذکر نام پزشکی در نائین، نسبش را به «سید مرتضی » می رساند و می گوید: «میرزا محمد طبیب; فرزندش میرزا محمد علی است که نسبشان به سید مرتضی طبیب حضرت معصومه(س) منتهی می شود که در قم مدفون است ».
با توجه به نظریه های مذکور، برخی از شخصیتهای همراه حضرت فاطمه معصومه(س) عبارتند از: فضل، جعفر، قاسم، هارون، اسحاق، محمد، میمونه، فاطمه صغری، خدیجه خاتون (که همه از فرزندان امام کاظم(ع) هستند) و خواهر حضرت معصومه(س) که نامش معلوم نیست و سلطان موصلیه خادمه حضرت معصومه(س).

فضل بن موسی فرزند امام کاظم (ع) و برادر حضرت معصومه (س)

شهر زیبایی که به قول «تاورنیه» (سیاح معروف) شایسته است «جنگل نخل» نامیده شود، در۱٦٦ کیلومتری جنوب شرق شیراز واقع شده است و به نزدیکترین‌بنادر خلیج فارس (بندر لنگه) از طریق «لارستان» راه دارد .

جهرم به معنای جای‌گرم است. در جنوب ناحیه مرکزی استان فارس و بین شهرستانهای فسا، داراب،فیروزآباد و شیراز قرار دارد و از دشتهای مرتفع (دست کم ۹۰۰ متر) پدید آمده وبه وسیله کوههای اطراف احاطه شده است. از نظر آب و هوایی، تابستانی گرم وزمستانی ملایم و مطبوع دارد به طوری که در سردترین ایام، دمای هوا ممکن است‌به‌صفر درجه سانتیگراد برسد .

این شهرستان سابقه تاریخی بسیار طولانی دارد چنانکه آثاری از زمانهای مختلف ازجمله ساسانیان، صفویان و زندیان در آن بر جای مانده است .

فردوسی; شاعر نامدار ایران زمین نیز از جهرم نام برده است. از جمله ضمن بیان‌داستانهایی که از اردشیر بابکان نقل می‌کند، می‌سراید :

که بر شهر جهرم بد او پادشا جهاندیده با داد و فرمانروا به جهرم یکی مرد بود کی نژاد کجا نام او مهرک نوشزاد

امامزاده «فضل بن‌موسی بن جعفر(ع» بنا به قول مشهور در این شهرستان مدفون است

بر طبق آمار موجود در اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان جهرم، این شهر زیبا وبا معنویت‌به مانند صدفی سبز، شصت و یک تن از فرزندان و نوادگان خاندان عصمت وطهارت را در سینه خود جای داده است. امامزاده حسین(ع) و امامزاده فضل(ع)مشهورترین آنها می‌باشند .

فضل بن موسی چگونه به جهرم آمد؟

کاروانی از اهل بیت: همراه با فاطمه معصومه(س) جهت زیارت و دیدار با امام;علی بن موسی الرضا(ع) از مدینه عازم ایران شدند که خبر شهادت امام رضا(ع) درنزدیکی شهر قم به ایشان رسید. به دستور حضرت معصومه(س) کاروان راهی شهر قم شدو طولی نکشید که ایشان بر اثر بیماری درگذشتند و یا بنا به برخی اقوال بر اثرمسمومیت‌به شهادت رسید .از طرفی دستگاه حاکم دستوری را به والیان شهرهای مختلف‌صادر کرد تا اهل بیت(ع) را در هر کجا مشاهده نمودند فورا به شهادت برسانند. و به‌این ترتیب امامزادگانی که همراه با حضرت معصومه(س) به ایران آمده بودند، به‌ناچار متفرق شدند و هر کدام به منطقه‌ای عزیمت کرده، به صورت ناشناس به زندگی‌ادامه دادند اما تعداد زیادی از آنها شناسایی شدند و به شهادت رسیدند . عده‌ای از این بزرگواران نیز راهی استان فارس شدند که احمد بن موسی (شاه چراغ)مشهورترین آنها است .

پدران ما از پدرانشان و آنان نیز از نسل قبل از خود نقل می‌کنند که فضل بن‌موسی(ع) به جهرم آمد و در بیرون از شهر در منطقه خارقان سکنی گزید .

منطقه خارقان (شهرک فاطمیه) که در گذشته از شهر فاصله زیادی داشته است‌به علت‌وجود قنات معروف خارقان زمینهای کشاورزی بسیاری داشت، امامزاده فضل(ع) به صورت‌ناشناس به کشاورزی می‌پردازد .

به مروز زمان مردم به این امامزاده بزرگوار علاقه‌مند شدند و آوازه علم و تقوای‌وی در سرتاسر شهر پیچید تا اینکه حاکم شهر نیز از آن باخبر شد و هنگامی که ازهویت واقعی وی آگاه شد، گروهی را مامور به شهادت رساندن ایشان کرد. سرانجام‌یکی از مامورین هنگامی که فضل بن موسی بن جعفر(ع) از شدت خستگی از کار روزانه‌در کنار جوی آب به خواب رفته بود، با ضربات «بیل» ایشان را به شهادت رسانید.فردای آن روز کشاورزان متوجه پیکر مقدس او که مظلومانه به خون غلطیده بود،شدند و در همان مکان) خارقان) به خاک سپردند .

امروز مرقد پاک ایشان زیارتگاه اهل دل و عاشقان دل سوخته‌ای است که از مکانهای‌دور و نزدیک برای ادای احترام به آن محل مقدس مشرف می‌شوند و در شبهای جمعه بادریایی از شوق و با اشک چشم، ضریح مقدسش را شستشو می‌دهند .

و هیچگاه ذکر و نام و یاد امامزاده از دلهایشان بیرون نمی‌رود .

فصل دوم: تحلیل زندگانی

مقدمه

افرادی که ما آن‌ها را به عنوان امامزاده می‌شناسیم بر اساس اطلاعاتی که ما از آنها داریم به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- امام زادگانی که تنها معلوم النسب هستند و اطلاعات ما از آن‌ها به همین اندازه است که می‌دانیم فرزند یکی از ائمه طاهرین (ع) هستند و بیش از این مقدار درباره آن‌ها اطلاعاتی نداریم. البته این دسته از امامزادگان چون از نوادگان پیامبر اکرم هستند، احترام و اکرامشان بر ما لازم است.
۲- دسته دوم، امامزادگانی هستند که علاوه بر انتصاب آنها به ائمه معصومین(ع) (بدون واسطه یا با واسطه) خود دارای شخصیت علمی و حدیثی بودند. از این گونه امام زادگان هم تعدادی می‌شناسیم. مانند علی بن جعفر عُریضی و حضرت عبدالعظیم حسنی. این بزرگواران علاوه بر فرزند ائمه اطهار بودن، شخصیت‌های دینی و حدیثی هستند و احادیث فراوانی را از معصوم نقل کرده‌اند.
۳- دسته سوم امامزادگانی هستند که دو ویژگی اول را دارا هستند. یعنی فرزند امام هستند، شخصیت دینی و علمی دارند و جدای این امامان معصوم (ع) تعبیرات بلندی در مورد آنها دارند و علاوه بر این تعبیرات، از امام معصوم درباره این امامزادگان زیارت‌نامه هم نقل شده است. تعداد این دسته از امامزادگان به اندازه انگشت دست نمی‌رسد. مانند حضرت ابوالفضل (ع)، و حضرت فاطمه معصومه (س) است. ما روایات زیادی از معصومین (ع) درباره شخصیت و زیارت حضرت فاطمه معصومه (س) داریم.

در نتیجه باید گفت گروه سومی که بیان کردیم از امامزادگان ممتاز و درجه یک محسوب می‌شوند.[۶۰]

صفات و کمالات آن حضرت

شخصیت و جایگاه آن حضرت

اهل بیت پیامبر(ع) چهره های پرفروغی به جهانیان عرضه کرده اند و نامشان مانند ستارگان درخشان در آسمان فضیلتها می درخشد; درخشانترین ستاره در میان بانوان هفتمین منظومه ولایت; فاطمه کبری فرزند پاکیزه موسی بن جعفر(ع) است.

---

[۶۰]. تلخیصی از سخنان یکی از محققین تاریخ ائمه حضرت حجة الاسلام والمسلمین نظری منفرد

که سالهاست تشنگان معرفت از حریمش زلال ایمان می نوشند و عارفان با گذر بر زندگی فرزانه وارش و درک لحظه های آسمانی شدنش، درهای عروج را به روی خود می گشایند وبوی وصال را در گستره زمین منتشر می سازند.

او والاترین دختر موسی است و از این روست که هر گاه نامی از پدر برده شود، یادی از او نیز به میان می آید.

فاطمه معصومه(س) از جهت شخصیت فردی و کمالات روحی در بین فرزندان موسی بن جعفر(ع) بعد از برادرش، علی بن موسی الرضا(ع) در والاترین رتبه جای دارد.

این در حالی است که بنا بر مستندات رجالی فرزندان دختر امام کاظم(ع)

حداقل هجده تن بوده اند و فاطمه در بین این همه بانوی مکرمه سرآمد بوده است.

حاج شیخ عباس قمی آنگاه که از دختران موسی بن جعفر(ع) سخن می گوید، درباره فاطمه معصومه(س) می نویسد: «بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله معظمه; فاطمه بنت امام موسی(ع) معروف به حضرت معصومه است ».

اما شیخ محمد تقی شوشتری در «قاموس الرجال » پا را فراتر می نهد و فضیلت وی رانه تنها در بین دختران; بلکه پسران حضرت غیر از امام رضا(ع) بی نظیر می داند ومی نویسد: «در میان فرزندان امام کاظم(ع) با آن همه کثرتشان، بعد از امام رضا(ع)، کسی هم شأن حضرت معصومه(س) نیست ».

بدیهی است تاثیرشخصیت پدر و مادر در روح و جسم فرزندان را نمی توان انکار کرد.

این ویژگی دروجود فاطمه معصومه(س) نیز بروز یافت.

او از هر دو طرف (پدر و مادر) فضایلی رابه ارث برد که تنها برادرش; علی بن موسی الرضا(ع) آنها را به صورت کامل در خودجمع کرده بود و به نظر می رسد بتوان سر برتری شخصیت والای فاطمه معصومه(س) بردیگر فرزندان حضرت موسی بن جعفر(ع) را در همین نکته یافت که فاطمه معصومه(س) مانند برادرش از هر دو طرف پدر و مادر پاکیزه ترین خصال و ویژگیها را به ارث برد.

مطالعه سیره ائمه گواهی می دهد که طهارت و پاکی مادر شرط اساسی برای گزینش مادران امامان بوده است و سعادتی که نصیب فاطمه معصومه(س) شد این بود که مادرش، مادر علی بن موسی الرضا(ع) نیز بود.

لذا از هر نوع آلودگی در هراندازه اش به دور ماند.

البته این به معنای تاثیر نداشتن تلاش و کوشش و تقوای الهی در وجود فاطمه معصومه(س) نیست، بلکه علاوه بر همه شایستگی های فردی که دروجود خویش به وجود آورده بود، از این عوامل نیز به عنوان مکمل و پشتوانه ترقی و تکامل معنوی، اخلاقی و علمی سود می برد.

مادر فاطمه معصومه(س) نیز در روزگار خود بهترین زنان بود.

از همین روی و براساس رویای صادقانه ای که حمیده مادر امام کاظم(ع) دیده بود، نجمه را به عقدامام کاظم در آورد.

حمیده خود بارها به امام کاظم(ع) درباره نجمه سفارش می کرد و می گفت:

پسرم! نجمه بانویی است که هرگز بهتر از او ندیده ام.

این چنین شخصیتی قابلیت داشت، بذر آسمانی را در جان پاکش پرورش دهد.

کودکی که اینچنین مراحل تکامل را پیمود، آینده ای درخشان نیز داشت.

فاطمه معصومه (س) با تکیه بر چنین پشتوانه ای توانست به مراحل عالی علم و معرفت دست یابد و به یگانه دوران خویش مبدل شود و به این ترتیب نام فاطمه معصومه(س) در شمار زنان برتر مسلمان جهان قرار گرفت.

از این روی لزوم تحقیق وتشریح پیرامون مراحل تربیت و مقامهای معنوی و کمالات اخلاقی ایشان دو چندان می شود.

یکی از عوامل تکامل شخصیت ایشان وجود مادری ممتاز است. البته بانوان پاکیزه دیگری نیز که افتخار همسری موسی بن جعفر(ع) رایافتند، به فراخور حال خود قابل ستایشند; زیرا در شرایطی به خاندان امام کاظم(ع) پیوستند که وابستگی به این خاندان پیامدهای احتمالی وخیمی را در پی داشت و علاوه بر فشارهای اجتماعی و سیاسی، فقر اقتصادی عادی تری روش حاکمان زمان علیه امام کاظم(ع) و خاندان پرشمارش بود.

با این همه گویی «نجمه » ستاره زیبای بانوان موسی بن جعفر است که به سان پرفروغترین ستاره ها می درخشد و به راستی که تمام فروغش را به دو پاکیزه گوهرش، علی بن موسی الرضا(ع) و فاطمه معصومه(س) منتقل کرد.

مطالعه سیره ائمه گواهی می دهد که طهارت و پاکی مادر شرط اساسی برای گزینش مادران امامان بوده است و سعادتی که نصیب فاطمه معصومه(س) شد این بود که مادرش، مادر علی بن موسی الرضا(ع) نیز بود.

لذا از هر نوع آلودگی در هراندازه اش به دور ماند.

البته این به معنای تاثیر نداشتن تلاش و کوشش و تقوای الهی در وجود فاطمه معصومه(س) نیست، بلکه علاوه بر همه شایستگی های فردی که دروجود خویش به وجود آورده بود، از این عوامل نیز به عنوان مکمل و پشتوانه ترقی و تکامل معنوی، اخلاقی و علمی سود می برد.

کودکی که اینچنین مراحل تکامل را پیمود، آینده ای درخشان نیز داشت.

فاطمه(س) با تکیه بر چنین پشتوانه ای توانست به مراحل عالی علم و معرفت دست یابد و به یگانه دوران خویش مبدل شود.

شخصیت ایشان از زبان ائمه معصومین(ع)

قال صادق (ع) : الا و ان قم الکوفهٔ الصغیرهٔ; الا ان للجنهٔ ثمانیهٔ ابواب ثلاثهٔ منهما الی قم تقبض فیها امراهٔ فی ولدی اسمها فاطمهٔ بنت موسی و تدخل بشفاعتها شیعتی الجنهٔ باجمعهم .

امام صادق (ع) می فرمایند: آگاه باشید که قم کوفه کوچک است; بدانید، بهشت هشت در دارد که سه در آن به سوی قم استبانویی از فرزندان من در آنجا رحلت می‌کند که اسمش فاطمه دختر موسی است; به خاطر شفاعت او همه رهروان من وارد بهشت می‌شوند .

آن روز که صادق آل محمد(ص) در میان یاران این سخن را بر زبان راند، فرزندش امام کاظم(ع) کودکی خردسال بود. از آن روزها زمانی طولانی سپری شد و حضرت کاظم(ع) بعد از سالها تحمل زجر و اسارت به دیدار حق شتافت و بار سنگین امامت را به فرزندش علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) سپرد. دشمن خدا یگانه منبع انوار الهی را آرام نگذاشت و با ترفند شیطانی ولیعهدی، او را ناگزیر به مهاجرت به توس ساخت.

امام جواد علیه السلام فرمود: «من زار عمّتی بقم فله الجنّهٔ»؛ هر کس عمه مرا در شهر قم زیارت کند، بهشت بر او واجب است.

حضرت معصومه علیهاالسلام بانویی آگاه از حوادث روز و محدثه‌ای سخنور و معلمه‌ای توانا بوده است و شاگردان زیر نظر ایشان به تعلیم اصول اسلامی مشغول بوده‌اند. همچنین کرامات زیادی از ایشان نقل شده است که نشان می‌دهد این بانوی مؤمنه و دریادل از روحی بزرگ و شأنی رفیع در پیشگاه خداوند برخوردار است.

امام صادق علیه السلام می‌گوید: «الا ای قم حرمی ... تقبض فیها امرأهٔ من ولدی و اسمها فاطمهٔ بنت موسی یدخل بشفاعتها شیعتی الجنهٔ باجمعهم» ؛ «ای مردم! شهر قم حرم من است، بانویی از فرزندان من در این شهر در می‌گذرد که نامش فاطمه دختر موسی است و شیعیان در روز قیامت با شفاعت او به بهشت می‌روند.»

در روایتی دیگر از امام رضا علیه السلام آمده است: «من زارها عارفاً بحقها فله الجنهٔ»؛ کسی که قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر را آنگونه که شایسته اوست زیارت کند، بهشت از آن اوست.

نقل شده است که آیه: « ان یشإ یذهبکم ایهاالناس و یات باخرین و کان الله علی ذالک قدیراً»؛ ای مردم اگر خداوند بخواهد می‌تواند شما را از این دنیا ببرد و قومی دیگر را جانشین شما سازد و خداوند بر این کار قادر است»؛ بر پیامبر نازل شد، آن حضرت دست بر شانه سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هموطنان سلمان هستند.»

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها دارای شخصیتی رفیع و والا مقام می‌باشد به طوری که ائمه طاهرین علیهم السّلام از این بانو، با جلالت و تکریم یاد کرده‌اند و حتی پیش از ولادت آن حضرت، بلکه پیش از

ولادت پدر بزرگوارش، نام او بر لسان بعضی از ائمه علیهم السّلام آمده و از مقام والای او سخن گفته‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

امام صادق علیه السّلام می‌فرمایند: «اَلا اِنَّ قم حَرَمی و حرم وَلَدی من بعدی...»[۶۱]
بدانید قم حرم من و حرم فرزندانم پس از من است، زنی از فرزندان من در این شهر در می‌گذرد که او دختر موسی است... .»
امام صادق علیه السّلام در حدیثی دیگر پیش از این که این فرزند گرانقدر متولد شود از فضیلت زیارت و مدفن او سخن می‌گوید و شیعیان را به اهمیت آن توجه می‌دهد و می‌فرماید: «شهر قم، حرم ما است و در آن زنی از فرزندان من مدفون می‌شود، به نام فاطمه هر کس او را زیارت کند بهشت برای او ثابت می‌شود... .»[۶۲]

همه این بیانات حاکی از شأن و عظمت و فضیلت این بانوی مکرم اسلام می‌باشد. بی‌شک این فضایل و خصوصیات اخلاقی این بانوی بزرگ است که او را دارای چنین مقام و منزلتی نموده است چون امام موسی کاظم علیه السّلام بنا بر برخی روایات دارای بیش از ۳۰ فرزند بود که در میان آنها این بانوی مکرم است که مثل ستاره‌ای درخشان می‌درخشد و در میان فرزندان امام کاظم علیه السّلام بعد از امام رضا علیه السّلام هیچ کدام هم سنگ او نمی‌باشد.

نظری بر اسامی و القاب حضرت

القابی که برای این بانوی بزرگوار نقل کرده اند عبارتند از:فاطمه، معصومه، محدثه ، عابده ، مِقدامه(بانوی پیشتاز)و کریمه اهل بیت .
لقب فاطمه ایشان هم نام حضرت زهراعلیهاالسلام می باشد حضرت معصومه(س) را فاطمه یا فاطمه کبری نامیده اند. در روایتی درباره مقام والا و عظمت شأن حضرت زهراعلیهاالسلام و علت نامیده شدن حضرت معصومه(س) به نام فاطمه آمده است:
محمد بن مسلم گفت: از ابوجعفر امام باقرعلیه السلام شنیدم که فرمود:
فاطمه دارای جایگاهی کنار درِ جهنم است. وقتی روز قیامت می‌شود، میان دو چشم هر نفر، مومن یا کافر نگاشته می‌شود. آنگاه به کسی که دوستدار اهل‌بیت است و گناهان فراوانی دارد، دستور داده می‌شود به آتش افکنده گردد. وقتی حضرت فاطمه آن شخص را می‌بیند، می‌گوید: بارالها! مولای من! مرا فاطمه نام

---

[۶۱]. سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۷۶.

[۶۲]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۶

نهادی و به واسطه من می‌خواستی از کسانی که دوستدار من و ذریه‌ام هستند درگذری. وعده‌ات حق است و تو از وعده‌ات تخلف نمی‌کنی.
در آن زمان خداوند عزیز و والامرتبه می‌فرماید: درست گفتی، تو را فاطمه نام نهادم و می‌خواستم به خاطر تو از کسی که دوستت دارد، و پیرو توست و به خاندانت علاقمند و پیرو آنان است، درگذرم. پیمانم حق است و من خلف وعده نمی‌کنم؛ به این سبب به بنده‌ام فرمان داخل شدن در آتش را دادم تا تو درباره او شفاعت کنی. تو را شفیع قرار دادم تا برای ملائکه و پیامبران و فرستادگانم و صاحبان این توقفگاه، جایگاه و منزلتت در پیشگاه من مشخص شود. هر کس را که دیدی میان دو چشمش کلمه مومن است، می‌گیری و داخل بهشت می‌کنی.

امام رضا علیه‌السلام فرمود:«من زار المعصومه بقم کمن زارنی»؛ هر کس معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است.

حضرت معصومه علیهاالسلام نیز چون حضرت فاطمه زهراعلیهاالسلام دارای مقام شفاعت است؛ و احتمالا نامیده شدن وی به فاطمه بی ارتباط با این مقام نبوده است. به هر تقدیر به واسطه این بانوی گرامی بسیاری از شیعیان داخل بهشت می‌گردند. در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«... الا ان للجنهٔ ثمانیهَ ابواب، ثلاثه منها الی قم. تقبض فیها امراه هی من ولدی و اسمها فاطمه بنت موسی تدخل بشفاعتها شیعتی الجنهٔ باجمعهم»؛ آگاه باشید، برای بهشت هشت در است؛ سه تا از آنها به سوی قم باز می‌شود. در آنجا بانویی قبض روح می‌شود. او از جمله فرزندانم، و نامش فاطمه دختر موسی است. به شفاعت او همه شیعیان داخل بهشت می‌گردند.

برخی از نویسندگان در توضیح روایت فوق گفته‌اند:
مقتضای این خبر آن است که از برای آن مخدره (فاطمه معصومه) در نزد خدای تعالی مقام محمودی است که شفاعت نمودن آن مخدره باشد(در) روز جزا. و از برای او نزد خدا شأنی است عظیم که آن حضرت و هکذا برادرش حضرت رضا علیه‌السلام که در زیارتش می‌فرماید:«ان لک عندالله شأنا من الشأن.» و هکذا حضرت جواد. در کتاب مفتاح‌الجنان مذکور است که حضرت رضا فرمود: هر که زیارت کند او را همچنان است که مرا زیارت کرده است. گرچه مولف مفتاح معلوم نیست، اما از احادیث معتبر نیز چنین مطلبی استفاده می‌شود. در حدیث است که «من زار ذریتهما کانما زارهما»؛ هر کس ذریه حضرت حسن و حسین

را زیارت کند، مثل کسی است که خود آنها را زیارت کند. حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم حسنی نیز مشمول همین حکم‌هستند.

آری، حضرت معصومه از مقام محمود یعنی مقام شفاعت برخوردار است.

لقب‌های حضرت معصومه علیهاالسلام از زیارتنامه‌ها

تا آنجایی که ما اطلاع یافتیم، سه زیارتنامه برای حضرت معصومه ذکر شده است: یکی از آنها مشهور و دوتای دیگر غیرمشهوراست.

اسامی و لقب‌هایی که برای حضرت معصومه در دو زیارتنامه غیرمشهور ذکر شده، به قرار ذیل است:

طاهره(پاکیزه)؛ حمیده(ستوده)؛ برّه(نیکوکار)؛ رشیده(رشد یافته)؛ تقیه(پرهیزکار)؛ رضیه(خشنود از خدا)؛ مرضیه (مورد رضایت خدا)؛ سیده طاهره(بانوی پاکیزه)؛ سیده صدیقه(بانوی بسیار راستگو)؛ سیده رضیه مرضیه (بانوی خشنود از خدا و مورد رضای او)؛ سیده نساء العالمین(سرور زنان عالم).

شرافت‌خانوادگی

آن حضرت «بنت رسول‌اللهصلی الله علیه وآله» و «بنت ولی‌الله» و «اخت ولی‌الله» و «عمهٔ ولی‌الله» است و این امر خود سرچشمه سایر فضایل و کمالات معنوی و روحانی آن بزرگوار است.

او ماه تابانی است که از برج امامت طلوع کرده در آغوش امامت تربیت یافته، قنداقه امامت را نیز در دامن خود پرورش داده است زیرا او دختر امام، خواهر امام و عمه امام است. همه نیاکان او مشعلداران امامت، پرچمداران هدایت، اسوه‌های فضیلت و استوانه‌های ولایتند. و مادر بزرگوارش از بانوان با فضیلت و از اسوه‌های تقوا و شرافت و از زنان کم‌نظیر تاریخ بشریت است.

عبادت

بنا به تصریح قرآن هدف از خلقت انسان چیزی جز عبادت و بندگی خداوند نیست کسانی که به این هدف مهم پی بردند در راه رسیدن به عالی‌ترین مرحله آن سر از پا نمی‌شناختند.

یکی از عالی‌ترین نمونه‌های عبادت و بندگی خدا از خاندان ولایت و امامت، کریمه اهل بیت فاطمه معصومه سلام الله علیها می‌باشد. او با عبادت و شب زنده‌داری هفده روزه‌اش در واپسین روزهای عمر شریفش در مدت اقامتش در منزل موسی بن الخزرج، گوشه‌ای از یک عمر عبودیت و خضوع و خشوع آن زاده عبد صالح خدا در برابر ذات پاک الهی است.

مقام عصمت

فاطمه معصومه که خود پرورش یافته مکتب ائمه طاهرین علیهم السلام و یادگار صاحبان آیه تطهیر است، نمونه عالی از طهارت و پاکی است ، به حدی که خاص و عام ایشان را "معصومه" لقب داده‌اند.

مقام عصمت که عالی‌ترین مقام معنوی و پاکی است، درجاتی دارد، و در وهله اوّل بر دو گونه است:

الف- عصمت از خطاء.

ب- عصمت از گناه.

حضرت معصومه سلام الله علیها مانند حضرت زینب علیهاالسّلام در یکی از درجات عصمتند، گر چه در درجات چهارده معصوم علیهم السّلام نباشد.

روایت شده حضرت رضا علیه السّلام فرمودند: «من زار المعصومهٔ بقم کمن زارنی»[۶۳]؛

کسی که معصومه را در قم زیارت بکند مانند آن است که مرا زیارت کرده است. گرچه شواهد و قرائن در مورد مقام عصمت حضرت معصومه سلام الله علیها بسیار است، ولی سخن فوق از امام معصوم علیه السّلام شاید اشاره‌ای باشد که حضرت معصومه سلام الله علیها دارای مقام عصمت بوده است،

زیرا حضرت رضا(ع) در این روایت ایشان را به نام معصومه خطاب کرده اند و ائمه معصومین (ع) هیچ حرفی را بدون حکمت و معنا بیان نمی کنند ضمناً این سخن بیانگر آن است که: این لقب را حضرت رضا علیه السّلام به ایشان داده است. وگرنه نام آن حضرت معصومه نمی‌باشد.

بر اساس روایتی که مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ از امام رضا علیه السلام نقل کرده ، امام هشتم ، لقب" معصومه" را به حضرت معصومه اعطا کرده اند و این دلالت بر عصمت و پاکی آن حضرت دارد.

بر اساس روایتی که محمد تقی خان سپهر (متوفی ۱۲۹۷ ه ق) درناسخ التواریخ از امام رضا(ع) نقل کرده است.

---

[۶۳]. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵

امام رضا(ع) ضمن حدیثی لقب معصومه را در باره حضرت فاطمه به کار برد وفرمود:« من زارالمعصومه بقم کمن زارنی »[٦٤]

آنکه معصومه رادر قم زیارت کند گویا مرا زیارت کرده است.

ذبیح ا محلاتی نیز در ریاحین الشریعه همین روایت را به نقل از کاملاالزیارات نقل کرده است[٦٥]

و به این ترتیب نوعی از مقام عصمت را برای وی ثابت کرده اند.

اما اصل مقام عصمت بر اساس اجماع شیعه به تمام پیامبران و امامان و فرشتگان تعلق دارد و آنان از هرگناه و خطا عمدا یا سهوا به دور هستند.

بالاترین نوع عصمت(دوری از گناه کبیره و صغیره و دوری از ترک اولی) به پیامبر،فاطمه زهرا و امامان تعلق دارد، و در مراتب دیگر، اولیا دیگرالهی مانند حضرت زینب، حضرت ابوالفضل و فاطمه معصومه(س) و... دارای چنین مقامی معرفی شده اند.

شفیعه

یکی دیگر از فضایلی که حضرت معصومه(س) به آن دست یافت، مقام شفاعت است.

روایتی که امام صادق(ع) قبل از تولد حضرت معصومه(س) بیان فرمود دلیل این مقام است.

حضرت فرمود: «الا و ان قم الکوفه الصغیره الا ان للجنه ثمانیه ابواب ثلاثه منها الی قم تقبض فیهاامراه من ولدی اسمها فاطمه بنت موسی تدخل بشفاعتها شیعتی الجنه باجمعهم.»[٦٦]

آگاه باشید که قم «کوفه کوچک »است.

بدانید بهشت هشت در دارد که سه در به سوی قم است.

بانویی ازفرزندان من به نام فاطمه دختر موسی در آنجا رحلت می کند و باشفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند.

از این روایت علاوه بر اثبات مقام شفاعت حضرت معصومه(س) فراگیر بودن آن نیز روشن می شود.

به اعتقاد شیعیان، شفاعت یکی از ضروریات مذهب است و آنان که به مراتب عالی انسانی دست می یابند، می توانند در قیامت مومنان گناهکار را با شرایط خاص شفاعت کنند و پشتوانه این اعتقادآیات قرآن و روایات ائمه معصومین است.

رسول اکرم(ص) بالاترین جایگاه شفاعت را در قیامت برعهده دارد و قرآن کریم از آن به عنوان مقام محمود یاد کرده است.[٦٧]

---

[٦٤]. ناسخ التورایخ، ج ٣، ص ٦٨

[٦٥]. علی اکبر مهدی پور می نویسد، در نسخه های چاپی کامل الزیارات چنین حدیثی وجود ندارد

[٦٦]. سفینه البحار، ج ٢، ص ٣٧٦; مجالس المؤمنین، ج ١، ص ٨٣

[٦٧]. سوره اسراء آیه ٧٩

اما بعد از رسول اکرم بالاترین جایگاه در شفاعت از آن حضرت زهرا(س) و حضرت فاطمه معصومه (س) است.

به هنگام ازدواج حضرت فاطمه زهرا(س) جبرییل پارچه ای آورد که بر آن نوشته شده بود: خداوند مهریه فاطمه را شفاعت گنهکاران امت محمد قرار داد.

حضرت فاطمه(س) نیز به هنگام شهادت وصیت کرد تاآن پارچه را در کفن او قرار دهند و فرمود: وقتی روز قیامت شود، این سند شفاعت را به دست گرفته، گناهکاران امت پدرم راشفاعت خواهم کرد. [۶۸]

بعد از ائمه معصومین هیچ یک از اولیاءالهی مقام شفاعتی چون حضرت معصومه (س) را ندارد و در گستردگی مقام شفاعت وی همان بس که امام صادق(ع) فرمود: با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت خواهند شد. [۶۹]

علاوه بر آن در متن زیارتنامه حضرت معصومه (س) نیز که دارای سند و به عبارت دیگرروایت از امام رضا(ع) است نیز همین مقام (شفاعت) وی توجه مارا به خود جلب می کند.

آنجا که می خوانیم «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنه فان لک عندالله شانا من الشان [۷۰]

ای فاطمه ما رادر بهشت شفاعت کن.

موید سوم روایات فراوانی است که ثواب زیارت این بانوی شفیعه را بهشت قرار داده اند که بی گمان می توان گفت شفاعت این بانوی گرانقدر برای زائران عارف خود زمینه بهشتی شدن آنها را فراهم خواهد ساخت از جمله آن روایات را می خوانیم:

۱- علامه مجلسی دربحار الانوار می نویسد: امام رضا(ع) فرمود:

«من زارها فله الجنه »، هرکس او را زیارت کند بهشت برای اواست.[۷۱]

و فرمود «من زارالمعصومه بقم کمن زارنی »[۷۲]

وفرمود: «من زارها عارفا بحقه فله الجنه »[۷۳]

۲- امام جواد(ع) فرمود: «من زارقبر عمتی بقم فله الجنه »آنکه قبر عمه ام در قم را زیارت کند بهشت برای او است. [۷۴]

---

[۶۸]. کریمه اهل بیت،ص ۵۶ نقل از اخبار الدول و آثار الاول، ص ۸۸

[۶۹]. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۸; مجالس المؤمنین، ج ۱ ص ۸۳

[۷۰]. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶

[۷۱]. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۴

[۷۲]. ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵

[۷۳]. بحارالانوار، ج ۴۸ و ج ۱۰۳، ص ۲۶۶

۳- امام صادق (ع) فرمود: «ان زیارتها تعادل الجنه » زیارت اوهمسنگ بهشت است.[۷۵]
و فرمود: من زارهاوجبت له الجنه، آنکه او را زیارت کند، بهشت برای او واجب می شود.[۷۶]
محدث قمی رویای صادقه ای دیده است که جایگاه بلندشفاعت حضرت معصومه رانشان می دهد.
وی که در تیمچه بزرگ قم به مناسبت ایام فاطمیه برفراز منبر رفته بود فرمود: شبی میرزای قمی را در عالم رویا دیدم از او پرسیدم: آیا شفاعت اهل قم به دست حضرت معصومه(س)است؟ او قیافه اش را درهم کشید و فرمود: شفاعت اهل قم با من است.
شفاعت عالم با حضرت معصومه(س) است.[۷۷]

مقام شفاعت

از جمله کسانی که به شفیعه بودنش در روایات و آثار دینی تصریح شده است، فاطمه معصومه علیها السلام است.

حضرت فاطمه معصومه علیهاالسّلام، که بعد از حضرت زهرا سلام الله علیها از جهت گستردگی شفاعت، هیچ بانویی به شفیعه محشر حضرت معصومه سلام الله علیها نمی‌رسد.
اعتقاد به شفاعت انبیاء و اولیاء از ضروریات مذهب شیعه است و هیچ تردیدی در آن نیست. و بالاترین جایگاه شفاعت، از آنِ رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله است که در قرآن کریم از آن به (مقام محمود) تعبیر شده است. همانا دو تن از بانوان خاندان رسول مکرم صلّی الله علیه و آله هم شفاعت گسترده‌ای دارند که بسیار وسیع و جهان شمول است.

۱. خاتون محشر، صدیقه اطهر، حضرت فاطمه سلام الله علیها.

۲. شفیعه روز جزا، حضرت فاطمه معصومه علیهاالسّلام، که بعد از حضرت زهرا سلام الله علیها از جهت گستردگی شفاعت، هیچ بانویی به شفیعه محشر حضرت معصومه سلام الله علیها نمی‌رسد. که امام جعفر صادق علیه السّلام در این رابطه می‌فرماید: «تَدخل بِشفاعتها شیعتنا الجنته باجمعهم»[۷۸]؛

---

[۷۴]. کامل الزیارات، ص ۳۲۴
[۷۵]. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۹
[۷۶]. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷
[۷۷]. همان
[۷۸]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۸

با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می‌شوند.
در این زمینه روایتی وجود دارد که از طریق اهل تسنن نیز به آن تصریح شده : " بعد از فاطمه زهرا سلام الله علیها از جهت گستردگی شفاعت ، هیچ کس و حداقل هیچ بانویی به شفیعه محشر ، حضرت معصومه دخت موسی بن جعفر علیها السلام نمی رسد " ، امام صادق علیه السلام می فرماید:" با شفاعت او همه شعیان ما وارد بهشت می شوند."

در مورد شفاعت گسترده حضرت زهرا (س) همین بس که شفاعت، مهریه آن حضرت است و به هنگام ازدواج، پیک وحی طاقه ابریشمی از سوی پروردگار آورد که در آن، جمله «خداوند مهریه فاطمه زهرا را، شفاعت گنهکاران از امت محمد (ص) قرار داد»،که با کلک تقدیر نقش بسته بود. این حدیث از طریق اهل سنت نیز نقل شده است. پس از فاطمه زهرا (س) از جهت گستردگی شفاعت، هیچ بانویی به شفیعه محشر، حضرت معصومه (س) نمی رسد. بر همین اساس است که حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «با شفاعت او، همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند».

مقام علمی

با گذشت ایام، فاطمه معصومه(س) نیز دوران خردسالی را پشت سر گذاشت.
در این سالها محل رشد فاطمه معصومه(س) خاندانی بود که او را با دریایی ازعلم و معرفت روبرو ساخت. پدر، مادر و برادر که هنگام تولد فاطمه معصومه(س)، جوانی ۲۵ ساله بود، هر سه دست به دست هم داده، محیط تربیتی وی را به مکانی بهشتی مبدل کردند.
خبری در برخی کتب نقل شده است که به خوبی نشان می دهد، فاطمه معصومه(س) زیرنظر خانواده در کوتاهترین مدت ممکن مسیر رشد در علوم را نیز پیمود و ازکمالات روحی و معنوی بهره های فراوانی از پدر، مادر و برادر برد.
از این روی دردوران کودکی به راحتی می توانست جوابگوی سوالهای فقهی و دینی مردم باشد و همین امر که نجمه فرزندش معصومه(س) را همانند امام رضا(ع) پرورش داده است و هر آنچه درباره فاطمه در روایات نیامده را می توان با عنایت به اخبار مربوط به امام رضا(ع) دریافت.
محل رشد و نموّ و تربیت فاطمه معصومه علیهاالسلام خاندانی بود که مخزن اسرار دانش الهی و منبع علم و معرفت شمرده می‌شد. حضور وی در کنار پدری همچون امام موسی بن جعفر(علیهماالسلام) و برادری چون حضرت رضا علیه السلام که از علم «لدنّی» برخوردار بودند، سبب شد فاطمه معصومه(علیهاالسلام) از نظر علمی و آگاهی به مسائل دینی و معارف اسلامی اعم از احکام و اخلاق و ... در حدّ بالایی از رشد علمی برسد تا آنجا که گاهی با نبود پدر بزرگوارش به پرسش‌های دینی و فقهی شیعیان پاسخ می‌داد.

داستانی ازظرفیت علمی حضرت در ایام کودکی

خبری در برخی کتب نقل شده است که به خوبی نشان می دهد، فاطمه معصومه(س) زیرنظر خانواده در کوتاهترین مدت ممکن مسیر رشد در علوم را نیز پیمود و ازکمالات روحی و معنوی بهره های فراوانی از پدر، مادر و برادر برد.

از این روی دردوران کودکی به راحتی می توانست جوابگوی سوالهای فقهی و دینی مردم باشد و همین امر که نجمه فرزندش معصومه(س) را همانند امام رضا(ع) پرورش داده است و هر آنچه درباره فاطمه در روایات نیامده را می توان با عنایت به اخبار مربوط به امام رضا(ع) دریافت.

یکی از این دست روایات را حاج سید نصرالله مستنبط(داماد مرحوم آیت الله خوئی) به نقل ازکتاب «کشف اللثالی » اینگونه ذکر می کند: روزی گروهی از شیعیان وارد مدینه شدند تا سوالهای خود را از امام موسی(ع) بپرسند.

این کار روش معمول در تمام بلاد اسلامی بود که سالیانه یا در اوقات مشخص از سال گروهی را راهی می کردند تاسوالهای دینی، وظایف شرعی و وجوهات را نزد امام ببرند.

آن سال نیز چنین کاروانی از یکی از شهرها به مدینه آمده بود.

کاروان پس از ورود به مدینه به سوی خانه امام راه افتادند به این امید که هم سوالات خود را بپرسند و هم دیدارحضرت نصیبشان شود.

هر چه نزدیکتر می شدند، شوق دیدار افزونتر می شد; تا اینکه جلوی در خانه حضرت رسیدند.

در زدند و اجازه ورود خواستند; به آنان اطلاع دادندکه امام در مسافرت است.

اندوه فراوان از اینکه نه امام را دیده اند و نه پاسخ برای سوالات خود یافته اند، رنج سفر را دوچندان کرد.

هر چند دلشان نمی خواست، ولی باید خداحافظی می کردند و این کار را هم کردند.

اسباب و اثاث خودرا جمع کرده، عزم بازگشت نمودند.

هوای مدینه سوزان بود و اینک برای کاروان ناکام سوزانتر می نمود.

گویی پاهایشان از آن خودشان نبود.

دخترکی شیرین زبان وخوش سیما از منزل امام سکوت سنگین کاروانیان را در هم شکست.

او سوالها را ازآنان گرفت و با دقت تمام پاسخ یکایک نامه ها را نوشت و نامه ها را دوباره به آنان بازگرداند.

مردان بزرگ کاروان که شاید هفتاد سال از عمرشان را در این درگاه به مریدی گذرانده بودند، هرگز چنین صحنه ای را به یاد نداشتند، کودکی هشت یا نه ساله چگونه می توانست جواب سوالهای فقهی را بدهد!

آنان در دل می گفتند: جواب این سوالها اگر آسان بود، همان علمای شهر می دادند.

سوالها اینقدر پیچیده بود که ما نزد امام آوردیم.

سبحان الله عجب خاندان پاکیزه ای.
شیعیان خسته از سفر این بار با خوشحالی خاطره ای شگفت که خستگی سفر از یادشان برده بود، از اهل بیت خداحافظی کردند و در میان نسیم لطیفی که از جانب مسجدپیامبر(ص) می وزید، آن خانه را ترک کردند.
خانه ای که مدتی پیامبر(ص) در آن زندگی کرده بود و هنوز خاطره حضورش برای اهل خانه و مردم مدینه زنده بود.
شیعیان کم کم از مدینه خارج شدند.
مردی، از فاصله دور سواری را دید، او راشناخت او امام موسی بن جعفر(ع) بود.
وقتی نزدیکتر رفتند سیمای امام را همه کاروانیان شناختند بی درنگ پیاده شدند و شتابان نزد ایشان رفتند.
خاطره دخترک ذهن همه را به خود مشغول کرده بود.
به این جهت در لحظات اولیه برخورد با امام داستان خود را با شور و شادی تمام بازگو کردند و دستخط دخترک را هم نشان دادند.
امام تا نامه را گشود، سیمایش از شادی شکفته شد.
لبخند ملیحی بر لبانش نقش بست، صورتش را به سوی شیعیانش را برگرداند و با همان لبخند آسمانی سه بار فرمود: «فداها ابوها»: پدرش به فدایش.
این روایت بر تسلط فاطمه معصومه(س) دختر خردسال موسی بن جعفر به مسائل سخت ولاینحل فقهی و دینی اشاره دارد.
درباره سند روایات علی اکبر مهدی پور می نویسد:
این داستان جالب و پر ارج را مرحوم «مستنبط » از کتاب «کشف اللئالی »;تالیف دانشمند نامی شیعه در قرن نهم; ابن العرندس; متوفای حدود ۸٤۰ ه. ق نقل فرموده است.
این کتاب به طبع نرسیده و نسخه خطی آن در کتابخانه شوشتریهای نجف اشرف است که ما دسترسی به آن نداریم.

محدثه بودن

حضرت معصومه علیهاالسلام علاوه بر پاسخگویی به سؤالات شرعی مراجعه کنندگان، احادیثی را نیز از خود به یادگار گذاشته است.
قابل ذکر است تاریخ اسلام بانوان محدّثه متعددی را در صفحات خویش جای داده است که این محدّثات در عصر رسالت به ٤٥ نفر و در عصر امیرمؤمنان علی علیه السلام به سیزده نفر و همچنین راویان زن از فاطمه زهرا علیهاالسلام به هفت نفر، از امام حسن علیه السلام به چهار نفر، راویان زن از امام حسین به سه

نفر، از امام سجاد علیه السلام به سه نفر، امام باقر علیه السلام چهار نفر، امام صادق علیه‌السلام ۳۳ نفر، امام کاظم علیه السلام به پنج نفر، امام رضا علیه السلام به هشت نفر، و از امام جواد علیه السلام به پنج نفر و از امام هادی علیه السلام به سه نفر، و از امام حسن عسکری علیه‌السلام به یک نفر می‌رسند.[۷۹]

در بین این محدّثه‌ها نام فاطمه معصومه سلام‌الله علیها در بین راویان پدرش امام هفتم علیه السلام و برادرش حضرت رضا علیه السلام می‌درخشد.

یکی از والاترین عناوینی که نشان دهنده بلندی مرتبه علم و آشنایی کریمه اهل بیت‌علیهم السلام با معارف بلند اسلام و مکتب حیات‌بخش تشیع است، محدثه بودن آن حضرت است. بزرگان علم حدیث، احادیث و روایات رسیده از آن حضرت را قبول و به آن استناد می‌نمایند؛ چرا که آن حضرت جز از افراد مورد وثوق و اطمینان حدیث نقل نمی‌کند.

چندین حدیث است که در سند آنها نام حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به چشم می‌خورد که علامه بزرگوار امینی در کتاب شریف الغدیر به بعضی از آنها استناد می‌کند مانند، عن فاطمه بنت علی بن موسی الرضا حدثتنی... «من کنت مولاه فعلی مولاه.»[۸۰]

نقل این احادیث حاکی از مقام علمی والای آن بانو می‌باشد.

حدیث به معنای سخن معصوم است یا آنچه گویای سخن، کار یا سیره او باشد.

و روشن است که نقل سخنان معصومین (ع) بیشترین خدمت را به حفظ روش و سیره و کردار آنان انجام می دهد.

برهمین اساس ارزش والایی در کلام معصومان برای آنان که با نقل سخنان معصومان، گفتارشان را جاودانه نگاه می دارند، می یابیم.

تشویق به حفظ و ترویج حدیث و سخن معصومان از زمان خود پیامبراکرم(ص) شروع شد و حضرت می فرمود: من تعلم حدیثین اثنین ینفع بهما نفسه او یعلمهماغیره فینتفع بهما کان خیرا له من عباده ستین سنه[۸۱]

آنکه دو سخن فرا گیرد و خود از آن سود برد، یا به دیگران بیاموزد تا سودبرند، برایش بهتر از شصت سال عبادت است.

از این روی اهل بیت(ع) مسلمانان را به فراگیری نشر احادیث ترغیب می کردند تا افکار و اندیشه های آنان در گستره وسیع تری پخش گردد.

---

[۷۹]. الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۱۹۷/ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳/ عوالم، ج ۱، ص ۳۵۳، حدیث ۲

[۸۰]. علامه امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۶

[۸۱]. کنزل العمال، ج ۱۰، ح ۱۴۳، ۱۶۴ حدیث ۲۸۸۴۹

ارزش این کار را آنگاه می توان درک کرد که بدانیم دشمنان اهل بیت از همان روزهای وفات پیامبر به بعد به شدت بااشاعه حدیث وسخن معصومان به صورت شفاهی یا کتبی به مخالفت برخاستند و در این میان به خصوص برای شیعیان مشکلات زیادی ایجاد کردند، از این روی در زمانی که حضرت فاطمه معصومه(س) به نقل حدیث می پردازد، در میان زنان تنها بانوان[۸۲] محدودی موفق می شوند در آن فضای اختلاف آلود لب به سخن گشایند و سخنانی ازمعصومان را برای مردم باز گویند.

کریمه اهل بیت

رویای صادقه ای که پدر بزرگوار آیت الله العظمی سید محمود مرعشی نجفی دیده اند نیز در تایید همین مقام است.

وی که سیدمحمد مرعشی نام داشت و از نسابه های گرانقدر بود، علاقه داشت به هر صورت ممکن قبر شریف حضرت فاطمه زهرا(س) را بداند.

برای این کار ختم مجربی را انتخاب و چهل شب آن را خواند.

شب چهلم در عالم رویا دید که به محضر امام معصوم (امام باقر یاصادق (ع)) رسیده است.

امام به ایشان فرمود (علیک بکریمه اهل البیت)برتو باد که به کریمه اهل بیت تمسک بجویی.

وی که تصورکرده بود منظور حضرت، فاطمه زهرا(س) است، می گوید، بله من نیزمی خواهم قبر شریف حضرت زهرا را بدانم تا بتوانم زیارت کنم که امام می فرماید: منظور من قبر شریف حضرت معصومه (س) در قم است.

و آنگاه فرمود: به جهت مصالحی خداوند اراده فرمود محل قبرشریف حضرت زهرا(س) مخفی باشد لذا قبر حضرت معصومه را تجلیگاه قبر شریف حضرت زهرا(س) قرار داد[۸۳]

نحوه تربیت آن حضرت

بانوی برتر

فاطمه معصومه(س) از جهت شخصیت فردی و کمالات روحی در بین فرزندان موسی بن جعفر(ع) بعد از برادرش، علی بن موسی الرضا(ع) در والاترین رتبه جای دارد.

این در حالی است که بنا بر مستندات رجالی فرزندان دختر امام کاظم(ع)

حداقل هجده تن بوده اند و فاطمه در بین این همه بانوی مکرمه سرآمد بوده است.

---

[۸۲]. این بانوان محدثه عبارتند از: ام احمد بنت امام کاظم، ام الحسین بنت امام الکاظم(ع) حبابه والبیه، سعیده

[۸۳]. کریمه اهل بیت،ص ۴۴، فروغی از کوثر، ص ۵۴

حاج شیخ عباس قمی آنگاه که از دختران موسی بن جعفر(ع) سخن می گوید، درباره فاطمه معصومه(س) می نویسد: «بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله معظمه; فاطمه بنت امام موسی(ع) معروف به حضرت معصومه است ».

اما شیخ محمد تقی تستری در «قاموس الرجال » پا را فراتر می نهد و فضیلت وی رانه تنها در بین دختران; بلکه پسران حضرت غیر از امام رضا(ع) بی نظیر می داند ومی نویسد: «در میان فرزندان امام کاظم(ع) با آن همه کثرتشان، بعد از امام رضا(ع)، کسی هم شاءن حضرت معصومه(س) نیست ».

بی گمان این نحوه اظهارنظرها و نگرش به شخصیت فاطمه دختر موسی بن جعفر(ع) بربرداشتهایی استوار است که از متن روایات وارده از ائمه: به دست آمده است;روایاتی که مقامهایی را برای فاطمه معصومه(س) برشمرده اند مقامی که نظیر آن رابرای دیگر برادران و خواهران وی ذکر نکرده اند و به این ترتیب نام فاطمه معصومه(س) را در شمار زنان برتر جهان قرار داده اند.

او از هر دو طرف (پدر و مادر) فضایلی رابه ارث برد که تنها برادرش; علی بن موسی الرضا(ع) آنها را به صورت کامل در خودجمع کرده بود و به نظر می رسد بتوان سر برتری شخصیت والای فاطمه معصومه(س) بردیگر فرزندان حضرت موسی بن جعفر(ع) را در همین نکته یافت که فاطمه معصومه(س) مانند برادرش از هر دو طرف پدر و مادر پاکیزه ترین خصال و ویژگیها را به ارث برد.

البته بانوان پاکیزه دیگری نیز که افتخار همسری موسی بن جعفر(ع) رایافتند، به فراخور حال خود قابل ستایشند; زیرا در شرایطی به خاندان امام کاظم(ع) پیوستند که وابستگی به این خاندان پیامدهای احتمالی وخیمی را در پی داشت و علاوه بر فشارهای اجتماعی و سیاسی، فقر اقتصادی عادی تری روش حاکمان زمان علیه امام کاظم(ع) و خاندان پرشمارش بود.

با این همه گویی «نجمه » ستاره زیبای بانوان موسی بن جعفر است که به سان پرفروغترین ستاره ها می درخشد و به راستی که تمام فروغش را به دو پاکیزه گوهرش، علی بن موسی الرضا(ع) و فاطمه معصومه(س) منتقل کرد.

مطالعه سیره ائمه گواهی می دهد که طهارت و پاکی مادر شرط اساسی برای گزینش مادران امامان بوده است و سعادتی که نصیب فاطمه معصومه(س) شد این بود که مادرش، مادر علی بن موسی الرضا(ع) نیز بود.

لذا از هر نوع آلودگی در هراندازه اش به دور ماند.

البته این به معنای تاثیر نداشتن تلاش و کوشش و تقوای الهی در وجود فاطمه معصومه(س) نیست، بلکه علاوه بر همه شایستگی های فردی که دروجود خویش به وجود آورده بود، از این عوامل نیز به عنوان مکمل و پشتوانه ترقی و تکامل معنوی، اخلاقی و علمی سود می برد.

به نظر می رسد برای پی بردن به نقش نجمه خاتون در تربیت فاطمه معصومه(س) کافی است به شیوه انتخاب همسر از سوی امامان خصوصا امیرمومنان(ع) توجه کنیم; که به برادرش عقیل فرمود: «انظر الی امراءه قدرتها الفحوله من العرب لاتزوجهافتلد لی غلاما فارسا.

فقال له تزوج بام البنین الکلابیه، فانه لیس فی العرب اشجع من آبائها».

برایم زنی از بانوان شجاع عرب انتخاب کن که فرزندی دلیر به دنیا آورد.

در جواب گفت با ام البنین کلابیه ازدواج کن که در عرب شجاعتر از پدرانش نیست.

حاصل این ازدواج تولد چهار فرزند به سان شیر در شجاعت بود که تا لحظه آخرکنار امام حسین بن علی علیهما السلام ماندند و جان خویش را نثار نمودند.

مادر فاطمه معصومه(س) نیز در روزگار خود بهترین زنان بود.

از همین روی و براساس رویای صادقانه ای که حمیده مادر امام کاظم(ع) دیده بود، نجمه را به عقدامام کاظم در آورد.

حمیده خود بارها به امام کاظم(ع) درباره نجمه سفارش می کرد و می گفت:

پسرم! نجمه بانویی است که هرگز بهتر از او ندیده ام.

این چنین شخصیتی قابلیت داشت، بذر آسمانی را در جان پاکش پرورش دهد.

چه گاه بذرهای مردان صالح در مزبله های زنان ناشایست رشد می یابند و دنیایی را بااعمال ننگین خویش به تباهی می کشانند، اما جان پاک نجمه، بیست و پنج سال قبل امام رضا(ع) را با شرایط ویژه ای که طبیعتا می توانست آثار خود را در تولدفاطمه(س) نیز بر جای گذارد، به دنیا آورده بود.

نجمه از تولد رضا(ع) اینگونه یاد می کرد: وقتی به فرزندم رضا(ع) حامله شدم،سنگینی حمل را احساس نمی کردم.

هر وقت می خوابیدم، صدای تسبیح و تهلیل و تحمیداز درون رحم به گوشم می رسید.

از شنیدن صدا بیمناک می شدم، بطوری که از خواب می پریدم، اما تا بیدار می شدم، دیگر آن صدا را نمی شنیدم.

وقتی متولد شد،دستهایش را بر زمین گذاشت، سر به سوی آسمان برداشت و لبهایش را تکان داد.

همسرم، موسی کاظم(ع) وقتی وارد شد فرمود: ای نجمه کرامت پروردگارت گوارایت باد.

نکته جالب اینکه بعد از تولد رضا(ع) به نجمه خاتون لقب طاهره دادند که بی شک برای مولود بعدی یعنی معصومه(س) می توانست موثر باشد.

نطفه این روایت به آسمانی بودن انعقاد ائمه اشاره دارد که آسمانی بودن جایگاه پاک را نیز می طلبد، تا در دوران قبل از تولد علاوه بر خصلتهای کامل پدر،خصوصیات پاک مادری را نیز به وی منتقل کند و لذا

ادعای گزافی نیست که بگوییم اگر علی بن موسی الرضا(ع) آینه تمام نمای امام کاظم(ع) بود، فاطمه معصومه(س) نیز جلوه ای تام و کامل از سیمای پرفروغ مادرش نجمه است.

پاسخ به یک شبهه

مروری بر روایات نشان می دهد که هنگام ورود مادران ائمه که غالبا از کشورهای غیر اسلامی بودند، ذهنیتی وجود داشت مبنی بر اینکه چنین زنانی که سالها در دیار کفر بوده اند و جانشان با آیین کفر سیراب شده است،چگونه می توانند قابلیت پرورش کودکانی را داشته باشند که نماینده آیین پاک تشیع اند!! البته هر یک از ائمه به مناسبتی به این پرسشهای ناگفته پاسخ گفته اند.

علی(ع) درباره شهربانو فرمود: یا اباعبدالله لتلدن لک منها خیر اهل الارض.

ای اباعبدالله برای تو از این زن بهترین اهل زمین متولد می شود.

وبر اساس رویای صادقه مژده ازدواج شهربانو را از پیامبر دریافت کرد.

امام صادق(ع) درباره حمیده فرمود:

حمیده مصفاه من الادناس لسبیله الذهب.

مازالت الاملاک تحرسها حتی ادیت الی کرامه من الله لی و الحجه من بعدی.

حمیده مانند شمش طلای خالص از ناپاکی ها و ناخالصی ها پاک است به خاطر کرامتی که خدا نسبت به من و حجت پس از من عنایت فرمود.

فرشتگان او را همواره نگهداری کردند تا به من رسید.

رسول خدا(ص) در باره مادر

امام جواد(ع) فرمود: «بابی ابن خیره الاماءالنوبیه الطیبه.» پدرم به فدای پسر برترین کنیزان که از اهالی نوبه و پاک سرشت است.

در روایت اخیر صریحا فرزند به مادر نسبت داده شده است که بر صدق ادعای ما گواهی می دهد.

امام رضا(ع) درباره اش فرمود: «قد خلقت طاهره مطهره.» مادر این پسر پاکیزه آفریده شده است.

امام جواد درباره سمانه فرمود:

«ان اسمها سمانه وانها امه عارفه بحقی و هی من الجنه لا یقربها الشیطان ماردولاینالها کید جبار عنید و هی کانت بعین الله التی لاتنام ولاتخلف عن امهات الصدیقین والصالحین. »

نامش سمانه و بانویی است که حق مرا می شناسد. از بانوان بهشت است. شیطان سرکش به او نزدیک نمی شود و نیرنگ طاغوت کینه توز در او نفوذ نمی کند. همواره مورد لطف و مراقبت چشم بیدار خدا و از مادران صدیقان و صالحان چیزی کم ندارد.

امام هادی(ع) درباره «سلیل » فرمود:

«سلیل، مسلول من الافات والعاهات والارجاس و الادناس. »
سلیل از هر آفت و نقص و پلیدی و ناپاکی بیرون کشیده شده است.
نرجس مادر امام زمان(عج) که اسلام را در عالم رویا پذیرفت و امام هادی(ع) بازفرزند را به او نسبت داد و فرمود: مژده باد تو را به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکمتش پر از عدل و داد کند ... این طیف از روایات به صراحت نشان می دهد که ائمه طاهرین چنین سوال طرح شده ای را پاسخ گفته اند.
حمیده نیز چنین ذهنیتی را جواب داد و فرمود: هرگز بانویی بهتر از او (نجمه) ندیده ام.
البته در مقام اثبات نیز چنین اتفاقی بعدها روی داد و برخی محققان همین شبهات را درباره مادر امام زین العابدین(ع) مطرح کردند و حتی با توجه به شبهه ، اصل ازدواج امام حسین(ع) با شهربانو را رد کردند.
غافل از اینکه در صورت صحت ادعای آنان باید صحت ازدواج مادران غالب ائمه از جمله امام زمان را انکار کرد.
به هر حال قبل از دوران تولد ، شخصیت نجمه (که از تولد امام رضا(ع) تا تولدمعصومه(س) بیست و پنج سال به درازا کشید) ، توانست آثار عمیق خود را در فاطمه معصومه(س) بر جای گذارد و او را در بین دختران و حتی تمام پسران غیر از علی بن موسی الرضا(ع) سرآمد کند.

بعد از تولد

اعمالی که عموم بانوان اهل بیت: هنگام تولد و پس از آن برای کودکانشان انجام می دادند، برگرفته از توصیه های آسمانی همسرانشان بود که نمایندگان امین الهی در زمین به شمار می رفتند.
از این روی آنچه انجام می دادند،به عنوان سیره عملی می تواند بخشی از حیات دیگر فرزندان را که در هاله ای ازبی خبری و فراموشی قرار گرفته اند، روشن سازد.
این اعمال که از لحظه تولد آغازمی گشت، بارها توسط معصومین(ع) بیان شده اند اما از دوران هر یک تنها مواردی خاص نقل شده است.
درباره نجمه که چگونه دو فرزندش را پرورش داد، نیز اخباری بر جای مانده است که البته با توجه به خفقان حاکم بدیهی است در حداقل ممکن باشد.
امابا این فرض که شخصیت، معنویت و تقوای نجمه خاتون در طول این مدت ثابت و استواربود، می توان اعمال و سیره وی را هنگام تولد امام رضا(ع) نسبت به خواهرش نیزگسترش داد.
از جمله صفات پسندیده ای که نجمه همواره به آن متخلق بود، عبادت ومناجات با پروردگار است.
وی آنچنان به عبادت عشق می ورزید که حتی مهر فرزند نیزنمی توانست از عبادت بازش دارد.
در آن ایام که به فرزندش شیر می داد، روزی به بستگانش گفت: دایه ای بیابید که مرا در شیر دادن یاری کند.

زنان از این خواهش شگفت زده شدند و پرسیدند آیا شیرت کم شده است؟ پاسخ شنیدندکه:«لا اکذب والله ما نقص الدر ولکن علی ورد من صلاتی وتسبیحی و قد نقص منذ ولدت.

به خدا سوگند که دروغ نمی گویم; ولی ذکرهایی در نماز و تسبیح داشتم که اززمان تولد فرزندم از آنها کم شده است.

چنین رفتارها و اعمالی می توانست پاکیزه ترین و بهترین تاثیر را در فرزند برجای گذارد; چه کودکی که جانش به همراه قطره قطره شیر مادر با اذکار الهی سیراب می شود، به والاترین جایگاه معنوی دست خواهد یافت.

رابطه امام هشتم با حضرت معصومه (س)

مدت ۲۵ سال تمام، حضرت رضا (ع) تنها فرزند نجمه خاتون بود. پس از یک ربع قرن انتظار، سرانجام ستاره ای تابان از دامان نجمه درخشید که هم سنگ امام هشتم (ع) بود و امام (ع) توانست والاترین عواطف انباشته شده در سودای دلش را بر او نثار کند. بین حضرت معصومه و برادرش امام رضا (ع) عواطف سرشار و محبت شگفت انگیزی بود که قلم از ترسیم آن عاجز است. در یکی از معجزات امام کاظم (ع) که حضرت معصومه (ع) نیز نقشی دارد، هنگامی که نصرانی می پرسد: شما که هستید؟ می فرماید: «من معصومه، خواهر امام رضا (ع) هستم». این تعبیر، از محبت سرشار آن حضرت به برادر بزرگوارش امام رضا (ع) و نیز از مباهات ایشان به این خواهر- برادری سرچشمه می گیرد.

مبارزات حضرت

حضرت معصومه؛ زینب ثانی

تاریخ گویای این حقیقت تلخ است که حکومت بنی امیه و بنی عباس، هر دو از دشمنان قسم خورده نبوت و ولایت بودند و این کینه توزی با اسلام ناب را با جنایات مختلفی نشان می‌دادند؛ با این تفاوت که این نظام جبار بنی‌امیه به شکلی علنی، شمشیر برهنه‌ای شده بود و قلوب خاندان ولایت را می‌شکافت و در نشان دادن این جنایات آن چنان اصرار می‌ورزید که دیگر حتی پدر، جرأت نداشت به فرزند خود بگوید که از نسل اولاد علی علیه السلام است.

اما شیوه حکومت بنی عباس، ظاهری آرام و باطنی کینه توز و خصمانه داشت و بعضی اوقات مردم نیز تحت تأثیر این گونه رفتارهای منافقانه قرار می‌گرفتند.

مردم ایران در آن روزگار علاقه وافری به خاندان ولایت و اهل‌بیت داشتند و حتی با وجود حاکمیت استبداد عباسی در قلمرو اسلامی، از ابراز علاقه خود به آنان خودداری نمی‌کردند. در این میان عده‌ای بر

این باورند که این علاقه به دلیل ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد سوم است، اما شواهد تاریخی نشان می‌دهند که این علاقه ریشه الهی دارد.

نقل شده است زمانی که آیه: «ان یشاء یذهبکم ایها الناس و یات باخرین و کان الله علی ذالک قدیراً»؛ ای مردم اگر خداوند بخواهد می‌تواند شما را از این دنیا ببرد و قومی دیگر را جانشین شما سازد و خداوند بر این کار قادر است.» بر پیامبر نازل شد، آن حضرت دست بر شانه سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هموطنان سلمان هستند.»

در حقیقت پیامبر اسلام با این سخن، آینده ملت ایران را پیش‌بینی نمود و وظیفه خطیر آنان را گوشزد کرد.

دلیل دیگر علاقه ایرانیان به اهل‌بیت، عدالت خواهی فطری ایرانی‌ها و بی‌عدالتی پادشاهان فاسد و خودسر این کشور بوده است؛ همان حکام جباری که قرآن از آنان به نام مترف و مستکبر یاد می‌کند. به طور کلی علت اصلی علاقه ایرانیان به خاندان امامت، فطرت عدالت‌خواهی آنان و عادل بودن ائمه اطهار بوده است.

البته علاقه‌ای که ریشه هزار ساله دارد، به دور از عوامل سطحی و زودگذر است. حکومت بنی عباس نیز از وجود این علاقه با خبر بود و می‌دانست که خبر اسارت امام موسی بن جعفر علیه السلام خشم مردم ایران را علیه حاکمان جبار بنی‌امیه و بنی عباس برانگیخته و امکان دارد که ایرانیان دست به قیامی همه جانبه بزنند و حکومت بنی‌عباس را سرنگون کنند. از این رو، در پی چاره‌جویی برآمدند و از آن جا که با رشادت‌های ملت ایران آشنا بودند، شمشیر را چاره کار ندانستند و نقشه ولایتعهدی (اجباری) امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را مطرح کردند.

با این ترفند موذیانه، هم خطر قیام مردم ایران را از میان بردند و هم امام هشتم را تحت نظر گرفته و رابطه مردم با ایشان را قطع نمودند. به این ترتیب دسترسی به امام هشتم علیه السلام بسیار مشکل و حتی غیر ممکن شد و مردم مجبور بودند از طریق عوامل حکومتی خبرهای مربوط به ائمه را دریافت نمایند.

نقش حضرت معصومه علیهاالسلام در مبارزه با حکومت بنی‌عباس

همانگونه که می‌دانید، امامان معصوم دارای خواهران دیگری هم بوده‌اند، پس چه دلیلی دارد که در میان همه آنان، حضرت زینب و حضرت معصومه علیهاالسلام دخت گرانقدر امام موسی بن جعفر علیه‌السلام با ابعادی متفاوت، همان ویژگی سفر حضرت زینب را در بردارد، و در آن مرحله از تاریخ، حضرت معصومه علیهاالسلام همان رسالتی را به عهده داشت که حضرت زینب علیهاالسلام بعد از ماجرای خونین کربلا عهده‌دار آن شده بود. زیرا در آن روزگار، ظلم و خفقان دستگاه بنی‌عباس در همه جا سایه افکنده بود. و حضرت معصومه و برادرش احمد بن موسی و چند تن از خواص دیگر، تنها شخصیت‌هایی بودند که از توطئه نظام بنی‌عباس آگاهی داشتند و عواقب چنین توطئه‌ای را هم پیش‌بینی می‌کردند.

بدین جهت، حضرت معصومه علیهاالسلام برای افشای چنین خیانتی عازم شهرهای ایران شده و به افشاگری علیه آنان پرداخت .

تعداد نفرات همراه حضرت معصومه(س)

بر اساس برخی اخبار ایشان در مسافرت از مدینه به مرو تنها خادمی همراه ایشان بود. گروهی نیز همسفر بودن هارون یا حمزه برادر حضرت معصومه(س) را با ایشان قطعی می‌دانند. یکی از محققین بر خلاف آراء عموم معتقد است: حمزه برادر فاطمه معصومه(س) به قم نیامد و شاهزاده حمزه مدفون در قم با شش واسطه به امام موسی کاظم متصل می‌شود و خواهر حضرت معصومه (س) نمی باشد.

اما آنچه بیشتر مورد توجه پژوهشگران معاصر است روایت مربوط به حمله حرامیان بنی‌عباس به کاروان مهاجران است که در این واقعه ۲۲ تن به شهادت رسیدند و حضرت فاطمه معصومه(س) نیز توسط آنان مسموم شد. این مطلب در حقیقت تایید روایتی است که همراهان حضرت در این سفر را تا حدود چهارصد نفر دانسته و به حمله حرامیان درساوه نیز اشاره می‌کند.

خلاصه سفر حضرت

سیل مهاجرت علویان و دیگر شیعیان از حجاز و ... حضور امام رضا(ع) در ایران، موجب تقویت تشیع در این سرزمین شد. فاطمه معصومه(س) که داغ پدر بر قلبش سنگینی می‌کرد، رنج راه به جان خرید و به شوق دیدار برادر پای در مسیر ایران نهاد.

در بین راه بیماری حضرت در ساوه آنچنان شدت یافت که وی را از ادامه سفر بازداشت. آل سعد که از سالها پیش دور از شرارت خلفا، در قم زندگی می‌کردند، به محض اطلاع از بیماری یادگار امام بر آن شدند وی را به قم انتقال دهند. موسی بن‌خزرج شبانه خود را به کاروان رساند، زمام شتر را گرفت، به سوی قم کشاند و نور دیدگان امام کاظم(ع) را در خانه‌اش جای داد. حضرت معصومه تمام هفده روزی را که در قید حیات بود به عبادت گذراند و آنگاه برای همیشه چشم بر هم نهاد و به دیدار خدا شتافت. وفات حضرت معصومه را در سال ۲۰۱ هجری ثبت نموده‌اند .

آل سعد با اندوه تمام، سردابی برای دفن بدن مطهرش حفر کردند، تا وی را بعد از غسل و کفن، در قبر قرار دهند، بحث در این بود که، چه شخصی جسم مطهرش را در قبر بگذارد، سرانجام توافق شد پیرمردی فرزانه و پرهیزکار این کار را انجام دهد. در این میان دو سوار که نقاب بر صورت داشتند از دور دیده شدند آنان به جمعیت نزدیک شده از مرکب به زیر آمدند و بر جنازه مطهر فاطمه(س) نماز گزارده، وی را دفن کردند .

موسی بن‌خزرج بر تربت‌شریفش سایبانی از بوریا برپا کرد و باغ بابلان (منطقه نسبتا وسیعی) را به عنوان قبرستان وقف نموده، محل عبادتش را نیز برای مسجد در نظر گرفت .

البته عوامل دیگری در رشد شخصیت فاطمه معصومه(س) موثر بوده است که از جمله آنها اوضاع سیاسی عصر پدر و برادر است.

در دورانی که پدر به شهادت رسید ومنصب ولایت به برادرش علی بن موسی الرضا(ع) تفویض شد.

اختلاف بین برادران دیگربه شدت قوت گرفت و آنان برخی با گستاخی تمام در مقابل برادر ایستادند. برادرانی که از مادران دیگر بودند.
اما فاطمه معصومه(س) در بین این کشاکشهای تفرقه برانگیز هرگز از موضع دفاع از ولایت رضوی، عقب ننشست، بلکه از شدت علاقه به برادر، در پی آن حضرت روانه ایران می شود.
علت اصلی مهاجرت حضرت معصومه(س) از مدینه به مرو، حضور امام رضا (ع) در مرو بود. امام رضا (ع) در سال ۲۰۱ هـ ق به دستور مامون عباسی از مدینه به مرو آمدند. این اقدام، یک حرکت سیاسی توسط عباسی‌ها بود که از زمان هارون الرشید آغاز شد. آنها بر اساس ترفندی نگذاشتند ائمه (ع) در بیت وحی بمانند. چرا که مردم بدان‌ها اقبال زیادی داشتند و حکام وقت می‌خواستند ائمه را زیر نظر خود داشته باشند. بر این اساس امام رضا را به مرو کشاندند و بقیه ائمه هم هر یک را به نقطه‌ای کشاندند. علت بعدی هجرت علاقه وافری بود که بین حضرت معصومه و حضرت امام رضا (ع) وجود داشت و شاید سؤال شود که چرا سایر برادرها و خواهرهای امام رضا به دیدار ایشان نشتافتند؟ جا دارد علت آن را هم بیان کنم . کتابی است از علمای بزرگ ما در قرن سوم و چهارم به نام « دلایل الامامه» . در این کتاب وقتی به شرح احوال فرزندان امام موسی بن جعفر می‌رسد و اولاد را ذکر می‌کند می‌گوید: «علی و فاطمه من ام» یعنی هر دوی این بزرگواران از یک مادر و پدر بودند. طبیعی است این اشتراک باعث علاقه وافر و ویژه بین خواهر و برادر می شود.

رحلت یا شهادت

در خصوص علت بیماری نابهنگام حضرت و مرگ زودرس آن بزرگوار، گفته شده است که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود. این مطلب با توجه به درگیری دشمنان اهل‌بیت با همراهان حضرت و شهادت عده‌ای از آنها در «ساوه» و جو نامساعد آن شهر و حرکت نابهنگام آن بزرگوار در حال بیماری به سوی شهر قم، بعید به نظر نمی‌رسد.
موقع به خاک سپاری آن حضرت دیده می شود که دو سوار از جانب ریگزار به سوی آنان می‌آیند. وقتی نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شده و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سردابی «که از قبل آماده شده بود» دفن کردند و بدون این که با کسی تکلم نمایند، سوار شده و رفتند و کسی هم آنها را نشناخت.
روایت داریم که باید معصوم (ع) را یک معصوم دفن کند. همان‌گونه که درباره امام حسین (ع) و امام رضا (ع) این مسأله روی داد. معصوم بعد از این ائمه یعنی امام سجاد (ع) و امام جواد (ع) با اذن خدای متعال از فاصله بسیار دوری کنار پیکر مطهرشان حاضر و پیکر پدرانشان را دفن کردند. این اتفاق شاهدی بر قداست

آن حضرت است که اگر چه امام نیستند، اما مرتبه‌ای بسیار بلند دارند و کسی باید پیکرشان را دفن کند که معصوم باشد.

از این رو احتمال داده می شود آن دو نفر امام رضا(ع) و امام جواد(ع) باشند.

این مسأله نشان می‌دهد حضرت معصومه یک امامزاده معمولی نیست بلکه شخصیتی است که در پیشگاه خدا جایگاه والایی دارد. همان‌گونه که در زیارت‌نامه ایشان آمده است: «فان لک عند الله شأناً من الشأن»

سخنانی از آن حضرت

حدثتنی فَاطِمَةُ وَ زَيْنَبُ وَ أمَّ كُلْثُوم بَنَاتُ مُوسَى بْنِ جَعْفَر قُلْنَ:... عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللّه صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَ آله و سَلَّمَ وَ رَضِيَ عَنْهَا قَالَتْ : «أنَسِيتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللّه صِلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّم يَوْمَ غَدِ يرِ خُمٍّ، مَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ وَ قَوْلُهُ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آله و سَلَّمَ ،أنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسی؟!»

فاطمه معصومه (س) این روایت را از دختر **امام صادق(ع)** نقل می کند که سلسله سندش در نهایت به **فاطمه زهرا(س)** می رسد.

فاطمه زهرا(س)، دختر بزرگوار **رسول اکرم (ص)** فرمود: « **آیا فرمایش رسول خدا(ص) را در روز غدیر خم فراموش کرده اید که فرمود: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست، و (آیافراموش کرده اید) دیگر فرمایش آن حضرت را که فرمود: تو برای من همانند هارون برای موسی هستی؟!»**

... عَنْ فَاطِمَةُ بِنْتَ موسَى بْن جَعْفَر (ع)... عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَ آلِهِ وِ سَلَّمَ ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللّه صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَ آلِه وَ سَلَّمَ : «ألا مَنْ ماتَ عَلى حُبِّ آل مُحَمَّد ماتَ شَهِيداً.[۸۴]

فاطمه معصومه(س)، از دختر **امام صادق (ع)** روایتی نقل می کند که سلسله سندش به حضرت **فاطمه زهرا(س)**می رسد که آن حضرت می فرماید: حضرت **رسول اکرم (ص)** فرمود: «**آگاه باشید! هرکس با محبّت آل محمّد بمیرد شهید از دنیا رفته است.**»

درباره شخصیت حدیثی ایشان کافی است به یک منبع متقن قدیمی مراجعه کنیم. این منبع «جامعةالاخبار» از «جعفربن محمد قمی» است. این مؤلف معاصر با شیخ صدوق و از قدمای محدثین است. کتاب «جامع

[۸۴]. آثارالحجه، ج ۱، ص ۸ و۹.

الاخبار» را اخیراً انتشارات آستان قدس رضوی احیا و چاپ کرده است. در این کتاب بخشی به نام «المسلسلات» است.

درکتاب «جامعۀالاخبار» نوشته «جعفربن محمد قمی» از قدمای محدثین قرن سوم هجری در فصلی به نام «المسلسلات»[۸۵] روایاتی از حضرت فاطمه معصومه(س) نقل شده است ازجمله حدیث غدیر

«عن فاطمه بنت الرضا ، عن فاطمه بن موسی، عن فاطمه بنت جعفربن محمد، عن فاطمه بنت محمد بن علی، عن فاطمه بنت علی بن الحسین، عن فاطمه بنت الحسین، عن فاطمه بنت زینب، عن فاطمه بنت رسو الله عن رسول الله (ص): من کنت مولاه فهذا علی مولاه»

یعنی حضرت فاطمه معصومه (س) یکی از راویان غدیر خم است.

حضرت فاطمه معصومه(س) به نقل از حضرت فاطمه زهرا(س) فرمود: آیا فراموش کردید سخن رسول خدا را که در روز غدیرخم فرمود: من مولای هرکه هستم، علی هم مولای او است.

و فرمود: تو(علی) برای من مانندهارون برای موسی هستی.

حضرت فاطمه معصومه(س) از فاطمه زهرا(س)روایت می کند که: پدرم رسول خدا فرمود: شبی که مرا به آسمان معراج بردند،داخل بهشت شدم.

در آنجا خانه ای از در سفید دیدم که وسط آن خالی بود.

آن خانه دری داشت که با در و یاقوت مزین شده روی آن پرده ای بود.

وقتی سرم را بلند کردم دیدم بر بالای آن نوشته اند:«لااله الاالله محمد رسول الله علی ولی القوم » خدایی را جزالله نیست، محمد فرستاده خدا و علی سرپرست قوم (مسلمانان)است.

و به روی پرده نوشته بودند: بخ بخ من مثل شیعه علی! به به چه کسی همسنگ شیعه علی (ع) است! وقتی داخل خانه شدم، قصری دیدم که از عقیق سرخ بود و وسط آن خالی بود.

این خانه نیز دری داشت که پرده ای مزین به زبرجد سبز بر آن آویخته بودند.

وقتی سربلند کردم دیدم بر فرازش نوشته اند:محمد رسول الله علی وصی المصطفی، محمد فرستاده خدا و علی جانشین مصطفی (پیامبر) است.

و بر روی پرده نوشته بودند: بشرشیعه علی بطیب المولد: شیعیان علی را به پاکزادی بشارت بده.

وقتی داخل شدم با قصری دیگر رو برو شدم که از زمرد سبز بود وزیباتر از آن را هرگز ندیده بودم.

دری از یاقوت قرمز داشت که با انواع لولوها تزیین شده بود و بر فراز پرده ای که بر اونوشته بودند: «شیعه علی هم الفائزون »، شیعیان علی رستگارانند.

---

[۸۵]. این اصطلاح مربوط به علم درایه و حدیث‌شناسی است. بدین صورت که اگر محدثان حدیث همگی از یک جهت اشتراک داشته باشند تا به معصوم برسند، حدیث مسلسل گفته می‌شود. مانند این حدیث که همه راویان آن نام حسن دارند: «عن الحسن، عن الحسن، عن الحسن افضل الحسن الخلق الحسن» یا اینکه به هنگام روایت حدیث، همه راویان درباره صحت حدیث قسم یاد کرده باشند.

گفتم: ای دوست من جبرییل! این کاخ از آن کیست؟ جواب داد: «یامحمد لابن عمک و وصیک علی بن ابی طالب (ع) یحشرالناس کلهم یوم القیامه حفاه عراه الا شیعه علی و یدعی الناس باسماء امهاتهم ما خلا شیعه علی فانهم یدعون باسما آبائهم » یا محمد این خانه از آن پسر عمو و جانشین تو، علی بن ابی طالب است که هرکس درروز قیامت عریان محشور شود، جز شیعیان علی و همه با نام مادرخطاب شوند اما شیعیان علی را با نام پدر صدا می زنند.» ازجبرییل در باره راز آن پرسیدم گفت: «لانهم احبوا علیا خطاب مولدهم » چون علی را دوست داشتند، ولادتشان از راه حلال صورت گرفت.[۸۶]

حضرت معصومه (س) وقتی در ساوه مریض شد، به همراهانش فرمود: مرا به قم ببرید زیرا از پدرم [موسی الکاظم(ع)] شنیدم که فرمود: قم مرکز شیعیان ما است.[۸۷]

آنچه ازاین احادیث به دست می آید لزوم پرداختن به اهل بیت و مخصوصا بیان جایگاه علی(ع)در آن برهه از تاریخ بوده است.

چه محتوای این احادیث در باره قدر و منزلت اهل بیت(ع) است ونشان می دهد حضرت معصومه(س) با شناساندن مقام امیرمومنان(ع) اززبان رسول خدا(ص) می خواهد جامعه آن عصر را به جریان اسلام راستین و تشیع سوق دهد.

حدیث منزلت

حضرت فاطمه معصومه از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام، از فاطمه دختر امام سجاد علیه السلام، از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام از امکلثوم دختر حضرت فاطمه از ایشان نقل **می**کند **که فرمود:** «انسیتم قول رسول الله یوم غدیر خمٍّ: من کنتُ مولاهُ فعلی مولاه و قوله: انت منّی بمنزلهٔ هارون من موسی[۸۸]؛ آیا سخن رسول در روز غدیر را فراموش کردید که فرمود: هر **کس من مولای اویم علی مولای اوست** (و آیا فراموش کردید که) جایگاه تو (علی) نسبت به من مانند (جایگاه) هارون (در برابر) موسی است.»

حب اهل بیت علیهم السلام

---

[۸۶]. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۷۷

[۸۷]. فروغی از کوثر، ص ۴۹ نقل از ودیعه آل محمد، ص ۱۲

[۸۸]. عوالم، ج۲۱، ص ۳۵۴، حدیث ۳/ آثار الجنة، ج ۱، ص ۸ ـ ۹. و اسنی المطالب، ص ۴۹ تا ۵۱

حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام با سند فوق تا می‌رسد به زینب دختر علی و او از مادرش فاطمه زهرا علیهماالسلام نقل نموده که فرمود: «الا من مات علی حبّ آل محمدّ مات شهیداً[۸۹]؛ همانا هر کس با محبت آل محمد(صلی الله علیه و آله) بمیرد؛ شهید مرده است.»

دوستداران علی علیه السلام

فاطمه معصومه (علیهاالسلام) از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام با همان سند فاطمیات نقل می‌کند تا می‌رسد به ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین و او از فاطمه زهرا علیهماالسلام نقل می‌کند که **پیامبر اکرم فرمود: «هنگامی که مرا به آسمان بردند داخل بهشت شدم، در آنجا قصری از درّ سفید میان خالی دیدم که دارای دری بود زینت شده با درّ و یاقوت و روی آن پرده‌ای آویخته بود. وقتی سر بلند کردم دیدم بر بالای آن نوشته‌اند: «لا اله الّا الله، محمد رسولُ الله، علیّ ولی القوم؛ خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد رسول خداست، علی ولیّ و صاحب اختیار مردم است و بر پرده نوشته شده بود: «بخٍ بخٍ مَن مثل شیعهٔ علیٍّ؛ به به چه کسی مانند شیعه علی است.»**

وقتی داخل شدم قصری از عقیق سرخ در آن دیدم که وسط آن خالی بود این خانه نیز دری داشت که پرده‌ای مزیّن به زبرجد بر آن آویخته بود. وقتی سرم را بلند کردم دیدم بر او نوشته «محمّد رسول الله، علی وصیّ المصطفی؛ محمد رسول خدا، علی وصی مصطفی است.» و بر پرده نوشته بود «بشّر شیعهٔ علیٍّ بطیب المولد؛ به شیعه علی بشارت بده به حلال زادگی.» وقتی وارد شدم به قصری از زمرّد سبز رسیدم که زیباتر از آن را هرگز ندیده بودم. دری از یاقوت قرمز داشت که با انواع لؤلؤ زینت شده بود. بر پرده آن نوشته بود: «شیعهٔ علیّ هم الفائزون؛ شیعیان علی رستگارانند.

پرسیدم: دوست من جبرئیل، این کاخ از آن کیست؟

پاسخ داد: «یا محمّد، لابن عمّک و وصیّک علیّ بن ابی طالب(علیه السلام) یحشر النّاس کلّهم یوم القیامهٔ حفاهٌ عراهٔ الّا شیعهٔ علیّ ... ؛ ای محمد! این خانه پسرعمو و جانشین تو علی بن ابی طالب است، در روز قیامت همه مردم پا برهنه و عریان محشور می‌شوند، جز شیعیان علی، و همه مردم با نام مادرشان صدا می‌شوند جز شیعیان علی که با نام پدرانشان خوانده می‌شوند.

درباره راز این مسئله پرسیدم، پاسخ داد: «لانّهم احبّوا علیّاً فطاب مولدهم؛ چون علی را دوست داشتند ولادتشان پاک (و حلال) گردید.»[۹۰]

پاکیزگی امام حسین علیه السلام

---

[۸۹]. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۷۷، عوالم، ج ۲۱، ص ۳۲۵، ینابیع المودّه، ص ۲۵۷، المسلسلات، شیخ ابوجعفر بن احمد قمی، ص ۱۰۸

[۹۰]. پاسدار اسلام، آذر ۱۳۸۵، ش ۳۰۰، حجةالاسلام سید جواد حسینی

فاطمه معصومه علیهاالسلام با سندش تا می‌رسد به صفیّه عمّه پیامبر اکرم نقل نموده که وقتی امام حسین متولد شد من پرستارش بودم. پیامبر اکرم فرمود: عمه جان فرزندم را نزد من آور. «فقلت: یا رسول الله انالم ننظفه لله فقال: یا عمه انت تنظفه ان الله تبارک و تعالی قد نظفه مطهّرهٔ؛ عرض کردم، ای رسول خدا! من او را پاکیزه نکرده‌ام (و نشسته‌ام) فرمود: عمه! تو می‌خواهی او را پاک کنی؟ خداوند او را پاکیزه و مطهر کرده است.»[۹۱]

احادیثی درباره آن حضرت

مرحوم علامه مجلسی از شیخ صدوق روایتی بس ارزشمند درباره ارزش زیارت فاطمه معصومه (س) نقل می کند:

قَالَ سَأَلْتُ اَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا(ع) عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُوسَى بْنِ جَعْفَر (ع)، فَقَالَ مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةَ.

راوی گوید از امام رضا(ع) درباره حضرت فاطمه معصومه پرسیدم. آن حضرت فرمود:« هرکس قبرش را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود .

لقب «**معصومه**» را **امام رضا(ع)** به خواهر خود عطا فرمود:

آن حضرت در روایتی فرمود:

«مَنْ زَارَ الْمَعصُومَةَ بِقُمْ كَمَنْ زَارَنی.»[۹۲]

«هرکس معصومه را در قم زیارت کند،مانند کسی است که مرا زیارت کرده است.»

این لقب، که از سوی امام معصوم به این بانوی بزرگوار داده شده، گویای جایگاه والای ایشان است.

امام رضا(ع) در روایتی دیگر می فرماید:

هرکس نتواند به زیارت من بیاید، برادرم را در ری یا خواهرم را در «قم» زیارت کند که ثواب زیارت مرا در می یابد.[۹۳]

---

[۹۱]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۳

[۹۲]. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸، به نقل از کریمه اهل بیت، ص ۳۲

[۹۳]. زبدة التصانیف، ج ۶، ص ۱۵۹، به نقل از کریمه اهل بیت، ص ۳

درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه (س) روایات فراوانی از پیشوایان معصوم رسیده است. از جمله، هنگامی که یکی از محدثان برجسته قم، به نام «سعد بن سعد» به محضر مقدس امام رضا (س) شرفیاب می شود، امام هشتم خطاب به ایشان می فرماید: «ای سعد! از ما در نزد شما قبری است». سعد می گوید: فدایت شوم! آیا قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر (س) را می فرمایید؟ می فرماید: «آری، هر کس او را زیارت کند، در حالی که به حق او آگاه باشد، بهشت از آن اوست.» پیشوای جهان تشیع امام جعفر صادق (س) نیز در این باره می فرماید: «هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب گردد». و در حدیث دیگری آمده است: «زیارت او، هم سنگ بهشت است».

روی القاضی نور اللّه عن الصادق علیه السلام قال:

ان للّه حرماً و هو مکه ألا انَّ لرسول اللّه حرماً و هو المدینهٔ ألا وان لامیرالمؤمنین علیه السلام حرماً و هو الکوفه الا و انَّ قم الکوفهٔ الصغیرهٔ ألا ان للجنهٔ ثمانیه ابواب ثلاثه منها الی قم تقبض فیها امراهٔ من ولدی اسمها فاطمه بنت موسی علیهاالسلام و تدخل بشفاعتها شیعتی الجنهٔ با جمعهم .

خداوند حرمی دارد که مکه است پیامبر حرمی دارد و آن مدینه است و حضرت علی (ع) حرمی دارد و آن کوفه است و قم کوفه کوچک است که از ۸ درب بهشت سه درب آن به قم باز می شود زنی از فرزندان من در قم از دنیا می رود که اسمش فاطمه دختر موسی (ع) است و به شفاعت او همه شیعیان من وارد بهشت می شوند .

امام صادق (ع):

من زارها عارفاً بحقّها فله الجنهٔ [۹۴]

امام صادق (ع) کسی که آل حضرت را زیارت کند در حالی که آگاه و متوجه شأن و منزلت او باشد به بهشت می رود.

امام صادق (ع):

«الّا انَّ حرمی و حرم ولدی بعدی قم» [۹۵]

---

[۹۴]. بحار ج ۴۸ صفحه ۳۰۷

امام صادق (ع) فرمودند:آگاه باشید که حرم من و حرم فرزندان بعد از من قم است

امام جعفر صادق علیه السلام در ضمن حدیث مشهوری که پیرامون قداست قم به گروهی از اهالی ری بیان کردند ، فرمودند :"بانویی از فرزندان من به نام" فاطمه" دختر موسی ، در آنجا رحلت می کند که با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند."

در روایت دیگر حضرت صادق علیه السلام فرموده اند : " خداوند حرمی دارد و آن مکه است ، رسول خدا حرمی دارد وآن مدینه است ، امیر المؤمنین علیه السلام حرمی دارد و آن کوفه است. آگاه باشید که قم ، کوفه کوچک است. بدانید که بهشت هشت در دارد که سه باب از آنهابرای اهل قم است. بانویی از فرزندانم به نام فاطمه دختر موسی علیه السلام درآنجا وفات می نماید و با شفاعت او تمام شیعیانم وارد بهشت می شوند."

و در جایی دیگر فرموده اند: " به زودی بانویی از اولاد من به نام فاطمه در آن دفن می گردد که هر کس او را زیارت نماید بهشت براوواجب خواهد شد."

لقب دیگر حضرت معصومه(س) «**کریمه اهل بیت**» است. این لقب نیز بر اساس رؤیای صادقانه یکی از بزرگان، از سوی اهل بیت به این بانوی گرانقدر داده شده است. ماجرای این رؤیای صادقانه بدین شرح است :

مرحوم آیت اللّه سیّد محمود مرعشی نجفی، پدر بزرگوار آیت اللّه سید شهاب الدین مرعشی (ره) بسیار علاقه مند بود که محل قبر شریف حضرت صدّیقه طاهره (س) را به دست آورد. ختم مجرّبی انتخاب کرد و چهل شب به آن پرداخت. شب چهلم پس از به پایان رساندن ختم و توسّل بسیار، استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدّس حضرت **باقر(ع)** و یا **امام صادق (ع)** مشرّف شد.

امام به ایشان فرمودند:

«عَلَیْکَ بِکَرِیمَةِ اَهْلِ الْبَیت .»

یعنی به دامان کریمه اهل بیت چنگ بزن .

---

[۹۵]. بحار ج ۶۰ صفحه ۲۱۶

ایشان به گمان اینکه منظور امام (ع) **حضرت زهرا(س)** است، عرض کرد: «قربانت گردم، من این ختم قرآن را برای دانستن محل دقیق قبر شریف آن حضرت گرفتم تا بهتر به زیارتش مشرّف شوم.»امام فرمود: «منظور من، قبر شریف حضرت معصومه در قم است.» سپس افزود:«به دلیل مصالحی خداوند می خواهد محل قبر شریف **حضرت زهرا(س)** پنهان بماند؛ از این رو قبر حضرت معصومه(س) را تجلّی گاه قبر شریف **حضرت زهرا(س)** قرار داده است. اگر قرار بود قبر آن حضرت ظاهر باشد و جلال و جبروتی برای آن مقدّر بود، خداوند همان جلال و جبروت را به قبر مطهّر حضرت معصومه(س) داده است.»مرحوم مرعشی نجفی هنگامی که از خواب برخاست، تصمیم گرفت رخت سفر بر بندد و به قصد زیارت **حضرت معصومه (س)** رهسپار ایران شود. وی بی درنگ آماده سفر شدو همراه خانواده اش نجف اشرف را به قصد زیارت کریمه اهل بیت ترک کرد.[۹۶]

امام جواد(ع) :

کامل الزیارة:عن ابن الرضا علیهماالسلام قال:

من زار قبر عمتی بقم فله الجنة

امام جواد علیه السلام فرمود: کسی که عمه ام را در قم زیارت کند پاداش او بهشت است. [۹۷]

[۹۶]. کریمه اهل بیت، ص۴۳، با تلخیص و تصرّف

[۹۷]. کامل الزیارة

فصل سوم: شهر قم و حرم مطهر حضرت

درباره شهر مقدس قم

یکی از برکات معنوی حضرت معصومه به کشور ما همین حوزه علمیه قم است که زیر سایه این بانوی مکرمه است .این حوزه هم اینک مرکز هدایت علمی و معنوی جهان تشیع و جهان اسلام را بر عهده دارد. همچنین حضور حضرت ولی عصر (عج)در قم را هم باید یکی دیگر از برکات حرم حضرت معصومه (س) بدانیم.چرا که امام رضا (ع) فرمودند: «خدا حرمی دارد که مکه است، پیامبر حرمی دارد که مدینه است، امیر المؤمنین حرمی دارد که نجف است و حرم ما قم است» برداشت من این است که نمی‌شود قم ، حرم اهل بیت و امام زمان باشد و ایشان به این حرم نیایند. ضمن آنکه بارگاه عمه ایشان است. آن‌هایی که اهل معرفت و اهل دل هستند فضای معنوی این شهر را احساس می‌کنند.

مقام معظم رهبری در مورد شهر قم فرموده اند :

«یکی از امتیازات بزرگی که شهر عزیز قم دارد، این است که بر گرد مضجع شریف یکی از برگزیدگان اهل بیت‌علیهم السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بنا شده است.»

برگزیدن شهر قم

پس از آنکه حضرت معصومه (ع) به شهر ساوه رسید، بیمار شد چون توان رفتن به خراسان را در خود ندید، تصمیم گرفت به قم برود. شایدآن بانوی الهیبا در نظر گرفتن آینده اسلام و موقعیت این سرزمین چنین تصمیمی را گرفته باشند و خود را با شتاب بدین سر زمین رسانده و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه ریزی کرده باشند.

سرّ قداست قم

در احادیث فراوانی به قداست قم اشاره شده است. از جمله امام صادق (ع) قم را حرم اهل بیت (ع) معرفی و خاک آن را، پاک و پاکیزه تعبیر کرده است. همچنین ایشان در ضمن حدیث مشهوری که درباره قداست قم به گروهی از اهالی ری بیان کردند، فرمودند: «بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دختر موسی، در آن جا رحلت می کند که با شفاعت، او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند». او می گوید: من این حدیث را هنگامی از امام صادق (ع) شنیدم که حضرت موسی بن جعفر(ع) هنوز دیده به جهان نگشوده بود. این حدیث والا، از رمز شرافت و قداست قم پرده برمی دارد و روشن می سازد که این همه فضیلت و شرافت

این شهر که در روایات آمده، از ریحانه پیامبر، کریمه اهل بیت (س) ،مهین بانوی اسلام، حضرت معصومه (س) سرچشمه می گیرد که در این سرزمین دیده از جهان فرو می بندد و گرد و خاک این سرزمین را، توتیای دیدگان حور و ملایک می کند.

امام رضا(ع) و شهر قم

امام رضا(ع) طبق دستور مامون از راه بصره، اهواز و فارس به خراسان برده شد تا مامون بتواند با تایید ولایتعهدی امام، حکومت خود را مستحکم کند.

اما مامون از اینکه امام رضا(ع) از شهرهای شیعه نشین عبور داده شود، می هراسید. زیرا احتمال می داد مردم به امام پیوسته بر علیه او دست به شورش بزنند.

شاید به همین علت در مسیر عزیمت امام از مدینه به مرو آن حضرت از شهر قم عبور نکردند.

البته تذکره نویسان با کمال صراحت ورود امام رضا(ع) به قم را نقل کرده اند.

به این ترتیب احتمال می رود امام در سفر دیگری از شهر قم عبور کرده باشند و این نظر براساس منابع تاریخی گفتاری درست به نظر می رسد.

چنانکه یعقوبی گوید:

مامون در سال ۲۰۲ از مرو رهسپار عراق شد و ولیعهدش رضا(ع) و وزیرش فضل بن سهل ذوالریاستین همراه وی بودند.

طبری انگیزه مسافرت مامون به بغداد درسال ۲۰۲ ه را اینگونه گزارش کرده است: «از جمله حوادث سال ۲۰۲ ه.ق آن بود که مردم بغداد با «ابراهیم بن مهدی » بیعت کردند و او را مبارک نام نهادند.

گویند: در نخستین روز محرم با وی بیعت خلافت کردند و مامون را خلع کردند و چون روز جمعه شد، ابراهیم به منبر رفت و نخستین کسی که با وی بیعت کرد،عبیدالله بن عباس هاشمی بود، سپس منصور بن مهدی، پس از آن بنی هاشمیان دیگر، پس از آن سرداران ... اینان سران و پیشروان بودند که از مامون خشمگین بودند که می خواست خلافت را از پسران عباس به پسران علی برد و پوشش پدران خویش را که سیاه بود، رها کرده بود و سبز پوشیده بود.

در اثر اختلافاتی که در بغداد، پایتخت پیشین عباسیان، روی داد مامون دستور صادر کرد به سوی بغداد حرکت کنند.

و خودبه همراه امام رضا(ع) راه بغداد را در پیش گرفت و پس از سرکوب آشوب به مروبازگشت.

از این روی ممکن است عبور امام رضا(ع) از قم در جریان رفت و آمدی که بین بغداد و مرو روی داد، صورت گرفته باشد.

یکی از مورخان در این باره می نویسد: «حضرت رضا(ع) وارد قم شد و مردم که از ورود آن حضرت باخبر شده بودند، به ملاقات آن حضرت می شتافتند و برای ضیافت ایشان بر یکدیگر پیشی می گرفتند، حضرت برای قطع خصومت فرمود: «ان الناقه ماموره » این شتر مامور است و به هر کجابرود، همانجا منزل خواهیم کرد شتر به حرکت درآمد تا کنار خانه ای زانو زد.

صاحب آن خانه شب قبل از ورود آن حضرت در خواب دیده بود که حضرت رضا(ع) فردامیهمان او خواهند بود و چون رویای او به حقیقت پیوست در شگفت شد.

آن خانه موردتوجه قرار گرفت و مردم به آن محل می آمدند و استفاده می بردند.

امروز همان محل مدرسه شده است و اینک به «مدرسه رضویه » مشهور است.

و در قم مکانی هست که به محله شاه خراسان معروف است و تکیه ای هم به نام تکیه شاه خراسان نیز در قم وجود دارد.

مولف تاریخ قم نیز از چشمه ای در قم خبر می دهد که امام علی بن موسی الرضا(ع) از آن چشمه آب خورده و بدان موضع غسل کرده است.

چنین به نظر می رسدحضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) نخستین معصومی است که به زیارت حضرت فاطمه معصومه(س) آمده است.

زیارت نامه و ثواب زیارت حضرت

دعا و زیارت، پر و بال گشودن از گوشه تنهایی، تا اوج با خدا بودن است. دعا و زیارت، جامی است زلال از معنویت ناب درکام عطشناک زندگی؛ و زیارت حرم معصومه (س)، بارقه امیدی در فضای غبارآلود زمانه، فریاد روح مهجور در هنگامه غفلت و بی خبری، و نسیمی فرحناک و برخاسته از باغستان های بهشت است. زیارت مرقد فاطمه معصومه (س)، به انسان اعتماد به نفس می دهد، و او را از غرق شدن در گرداب نومیدی باز می دارد و به تلاش بیشتر دعوت می کند. زیارت مزار با صفای کریمه اهل بیت (س)، سبب می شود که زائر حرم، خود را نیازمند پروردگار ببیند، در برابر او خضوع کند ، از مرکب غرور و تکبر- که سرچشمه تمامی بدبختی ها و سیه روزی هاست- فرود آید و حضرت معصومه (س) را واسطه درگاه پروردگار عالمیان قرار دهد. بر همین اساس است که برای زیارت آن حضرت، پاداش بسیار بزرگی وعده داده شده و آن، ورود به بهشت است. در این باره از امام جواد (ع) نقل شده که فرمود: «هر کس عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست».

زیارتنامه مخصوص

یکی از شواهد عظمت استثنایی حضرت معصومه سلام الله علیها زیارتنامه‌ای است که به خصوص، حضرت رضا علیه السّلام در شأن او صادر فرموده است. زیرا بعد از فاطمه زهرا سلام الله علیها تنها زیارتی که از

امام معصوم برای یک زن نقل شده، زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها است و هیچ یک از بانوان خاندان عصمت و طهارت زیارت مخصوص از امام ندارد.[۹۸]

ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

در کتاب تحفهٔ المظفریه فی تذکرهٔ اولاد الائمهٔ در شرح اولاد حضرت امام همام موسی کاظم علیه‌السلام ذکر شده که در ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام ، **چهار حدیث از سه امام وارد شده است.**[۹۹]

۱- از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که می‌فرماید: به درستی که از برای خداوند تعالی حرمی است که او مکه است، و از برای حضرت رسول صلی الله علیه وآله حرمی است که او مدینه است، و از برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است که او کوفه است، و از برای ما اهل بیت حرمی است که او قم است. زود است دفن شود در او زنی از فرزندان من که اسم او فاطمه است: «من زارَها وَجَبت له الجنّهٔ[۱۰۰]؛ **کسی که زیارت کند او را، بهشت بر او واجب است**»، و در خبر دیگری آمده است: «اِنَّ زیارتها تعادل الجنّهٔ.»[۱۰۱]

۲- از حضرت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام در جواب سعد بن سعد که سؤال می‌کند از فاطمه دختر موسی بن جعفر علیهماالسلام، می‌فرماید: «من زارها فله الجنهٔ»[۱۰۲]؛ **کسی که زیارت کند او را به بهشت می‌رود.**

۳- نیز از آن حضرت است که می‌فرماید به سعد، از ما نزد شما قبری است؟ عرض می‌کند: بلی، پدر و مادرم به فدای تو باد! فاطمه دختر موسی بن جعفر است؟ می‌فرماید: «من زارها عارفاً بحقها فله الجنهٔ»[۱۰۳]؛ **کسی که با معرفت و شناخت ایشان را زیارت کند، پاداشش بهشت است.**

٤- حضرت امام محمد تقی علیه السلام می‌فرماید: «من زار عمّتی بقم فله الجنّهٔ»[۱۰٤]؛ **کسی که زیارت کند عمه مرا در قم، بهشت برای او است.**

معرفی بناهای حرم

---

[۹۸]. مرکز مطالعات و پژوهش‌های حوزه علمیه پاسخگوی شبهات دینی شما

[۹۹]. شرح احوال حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و امامزادگان شهر قم، تألیف شیخ محمدجواد شاه عبدالعظیمی

[۱۰۰]. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ – ۳۱۷.

[۱۰۱]. مفاتیح الجنان، ص ۱۰۲۳؛ بحار، ج ۴۸، ص ۳۱۷

[۱۰۲]. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ – ۳۱۷

[۱۰۳]. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۶ – ۳۱۷

[۱۰۴]. همان، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵ – ۲۶۶

اقامتگاه فاطمه معصومه (س)

سرای «موسی بن خزرج » که حضرت معصومه (س) چند صباحی در آنجا به سر برد، به مدرسه معروف «ستیه » است.

این سرا در محله «میدان میر» وسط شهر قم در یکی از محله های قدیمی بود و عبادتگاه آن حضرت به نام «بیت النور» در وسط آن، قرار داشت.

موسی بن خزرج پس از رحلت آن بانوی گرانقدر، محراب ایشان را به همان حال باقی گذارد، و دیگر نقاط خانه خویش را نیز به احترام ایشان، مسجد کرد.

اصل محراب فاطمه معصومه (س) که در نزد عوام به «تنور» مشهور است تاکنون پابرجاست و مردم از قدیم الایام تاکنون برای تیمن و تبرک و خواندن زیارت و دعا بدان جا می روند.

محراب مزبور که غرفه کوچکی بیش نبوده، تجدید بنا شده و به صورتی زیبا در آمده است.

و در کنار آن، مدرسه ای برای طلاب علوم دینی ساخته شده که به «مدرسه ستیه » معروف است.

نیز در ضلع غربی و و جنوبی آن، مسجدی بنا گردیده است.

سرای موسی بن خزرج در آن روزگار به هنگام ورود حضرت معصومه (س) در منتهی الیه جنوب غربی شهر قم قرار داشت.

زیرا بر اساس آثاری که موجود است، شهر قم در آن عصر در شمال شرقی شهر فعلی قرار داشت و به تدریج به سمت غرب و جنوب کشیده شد.

البته در حال حاضر محل نامبرده در اواسط قسمت قدیمی شهر به سمت جنوب است.

ناحیه ای که آستانه مقدسه با مدارس و مساجد تابع آن در آنجا قرار دارد، پیش از رحلت حضرت معصومه (س)، احتمالا باغ آباد و مصفایی از املاک موسی بن خزرج بود.

چون در آن دوران، متداول و معمول بود که رؤسا و بزرگان عرب علاوه بر خانه های مجللی که داخل شهر داشتند، هر یک به تناسب موقعیت و مقام خویش در باغهای اختصاصی خود در سواحل رودخانه، کاخ و قصری مشرف بر آب برای تفریح در ایام بهار و تابستان بنا می نمودند.

با توجه به وضعیت محل مذکور و احتمالاً «باغ بابلان » همان محلی است که امروزه حرم مطهر حضرت معصومه (س) در آن قرار دارد. و حدس زده می شود که کاخ ییلاقی موسی بن خزرج در همان ناحیه قرار داشته است.

ظاهرا موسی بن خزرج با مشاهده وضع مزاجی نامناسب و وخامت حال حضرت معصومه (س) ایشان را به باغ ییلاقی خویش دعوت نمود تا از آن رهگذر از ازدحام مردم در امان بماند.

و به طوری که از قراین برمی آید، باغ و کاخ مزبور را موسی فوق العاده دوست می داشت.

و به همین جهت آن را نثار مقدم حضرت معصومه نمود و محل دفنش را در آنجا نهاد.

خانم های والامقام مدفون در قم

هر چند قم از زمانهای قبل مورد توجه شیعیان بود، اما رویکرد عمومی پس از وفات یا شهادت حضرت معصومه(س) روی داد. کثرت امامزادگان و بزرگانی که وجود منور وی را چون نگینی احاطه کرده‌اند بهترین دلیل بر این مدعی است. تنها تا سال تالیف تاریخ قم حسن قمی (۳۸۵ ه ق) در مقبره بابلان بیست تن از امامزادگان به خاک سپرده شدند قبر بانوان از این گروه، در داخل روضه معصومه(س) و مردها در خارج آن واقع شده است .

اسامی بانوان مدفون در داخل روضه حضرت معصومه به این صورت است :

۱ - زینب

این بزرگوار را برخی دختر امام جواد(ع) دانسته‌اند. او بعد از وفات حضرت معصومه(س) به قم آمد و گنبدی برمزارش ساخت. از احوالات و زندگی دختر بزرگوار امام جواد اطلاعی چندان در دست نیست. علامه حسن بن‌مطهر حلی در «المستجاد» و علامه طبرسی در «تاج الموالید» موقع شمردن دختران امام جواد(ع) نامی از وی به میان نیاورده‌اند .اما حسن قمی در تاریخ قم که قدیمی‌ترین کتاب در باره قم می‌باشد به ورود، ساختن گنبد، وفات و دفن وی اشاره نموده است .

۲ - ام محمد

در تاریخ قم از وی به عنوان دختر امام جواد نام برده شده است مرحوم سید محسن امین در کتاب شریف اعیان الشیعه، در ترجمه اسحاق بن‌جعفر بن‌محمد(ع)، حکایتی از وی نقل کرده که کمال فضل و دانش او را نمایان می‌سازد بنا بر نقل حسن قمی وی در حرم مطهر فاطمه معصومه(س) دفن شده است .

۳ - میمونهٔ

این بانوی محترمه دختر امام کاظم(ع) است. در کتاب المجدی، ارشاد مفید، و المستجاد علامه حلی نامش را در میان دختران امام کاظم(ع) ثبت کرده‌اند. وی از جمله مدفونین در جوار حضرت معصومه(س) می‌باشند .

حسن قمی از میمونه و دو خواهر دیگرش (زینب و ام‌محمد) به عنوان دختران امام جواد(ع) نام برده است. و از آنجایی که چنین نامهایی در میان دختران امام جواد وجود ندارد سخن وی تضعیف می‌شود .

۴ - میمونه

او، دختر موسی المبرقع بن‌علی بن‌موسی بن‌جعفر است، بعد از بریهه، وفات یافت .میمونه از زنان عفیف و پرهیزکار بود. از اموال برادرش محمد، نیمی به ارث به او رسید و بنا بر وصیتش بعد از وفات در بیرون

بقعه حضرت معصومه(س) دفن شد. و بر مزارش گنبدی مانند گنبد اول ساختند. بقعه متعلق به قبروی در طرف شرق رودخانه و متصل به گنبد حضرت معصومه(س) است .

حادثه‌ای که در سالهای نه چندان دور اتفاق افتاد وجود قبر وی در حرم مطهر را مسلم ساخت از مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا حسین مجتهد (جد پدری حرم‌پناهی‌ها و جد مادری اشراقیها که آرامگاهش به صورت مرتفع در صحن نو مقابل قبر مرحوم آیت‌الله شهید شیخ فضل‌الله نوری بوده است) چنین نقل می‌شود که هنگام فرش کردن حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) با سنگهای مرمر ناگاه روزنه‌ای به سرداب (در قسمت پایین ضریح حضرت) پیدا شد; دو بانوی صالحه داخل شده متوجه شدند که قبر مطهر حضرت معصومه(س) آنجا نیست، بلکه آن سرداب در پایین حرم مطهر واقع شده، در آن محوطه سه پیکر مطهر و تازه دیدند که گویی همان روز روح از بدنشان خارج شده بود. چنین احتمال داده می‌شود که یکی از آنان میمونه و دو نفر دیگر که سیاه چهره بوده‌اند دو تن از کنیزان وی باشند .

۵ - ام اسحاق

او از بانوان ممتاز شیعه شمرده می‌شود، ام اسحاق نزد محمدبن موسی‌بن محمدبن علی بن‌موسی الرضا(ع) به خدمت اشتغال داشت. محمد بن‌موسی از نخستین کسانی است که از کوفه به جوار حضرت معصومه(س) مهاجرت کرد. او که از سادات رضوی بود در سال۲۵٦ق در قم ساکن شد و در سال۲۹٦ نیز وفات یافت. در فضیلت و عظمت ام اسحاق همین بس که بعد از وفات در کنار حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد. تاریخ قم (حسن قمی) آرامگاه او را متصل به قبر ام‌حبیب و در کنار قبر حضرت فاطمه معصومه(س) می‌داند .

۶ - ام حبیب

وی را مادر ام‌کلثوم، دختر محمد، دانسته‌اند. او خدمتگزار ابوعلی محمد اعرج بن‌احمد بن‌موسی بود. و بعد از وفات میمونه چشم از جهان فرو بست. محل دفن ام‌حبیب را بقعه حضرت معصومه(س) نگاشته‌اند .

۷ - ام قاسم

او دختر علی کوکبی است و بعد از میمونه و ام‌حبیب وفات یافت. محل دفن وی بقعه دوم در حرم مطهر حضرت معصومه(س) می‌باشد .

۸ - ام احمد

دختر موسی مبرقع است که بعد از وفات در جوار حرم حضرت معصومه(س) مدفون شد. برخی معتقد هستند وی همان ام‌محمد است .

مکانهای دیگری نیز غیر از محدوده حرم به جایگاه خاکسپاری بانوان قبیله نور اختصاص یافته است. مانند: چهل‌اختران، خاک فرج، دروازه قلعه، چهار امامزاده، نجم آباد، خدیجه خاتون، قمرود، زآلون آباد، صرم، قهستان و وشنوه. بانوانی که در این اماکن دفن شده اند عبارتند از :

۱ - زینب

او را دختر موسی مبرقع می‌دانند. آنگونه که عباس فیض معتقد است ساختن گنبد بر مزار فاطمه معصومه(س) توسط این شخص انجام گرفته است. او بعد از تصرف در اموال برادر مرحومش قدرت مالی یافته دست‌به مرمت مزار فاطمه معصومه(س) زد، در سال ۳۲۵ رحلت کرد و در کنار قبر برادرش محمد بن‌موسی، در چهل اختران به خاک سپرده شد. البته این موضوع که آیا وی جدای از زینب دختر موسی بن‌جعفر(ع) است؟ یا در ذکر نسب آن دو، اشتباهی رخ داده و هر دو، یک شخص هستند جای تحقیق وجود دارد .

ناصر الشریفهٔ زمان وفات دختر موسی مبرقع را پنج‌شنبه ۲۱ ربیع‌الاخر۳٤۳ه.ق ذکر کرده‌است.

۲ - ام حبیب

او دختر احمد بن‌موسی بن‌محمد جواد بن علی بن‌موسی بن‌جعفر(ع) است. بر اساس نقل شجره طیبه، ام‌حبیب به همراه فرزندان برادرش محمد اعرج از کوفه به قم آمد و در قم ساکن شد. آن بانوی پرهیزکار، بعد از وفات در مشهد محمد بن‌موسی مبرقع یا بابلان دفن شد .

۳ا - بریهه

او دختر ابوعلی است و همراه دیگر خواهرانش فاطمه، ام‌سلمه و ام‌کلثوم و نیز پدر گرانقدرش علی و عده‌ای دیگر از علویین در محل قبر مذکور (قبر پدرش) به خاک سپرده شده‌اند .

۴ - بریهه

او را دختر جعفر بن‌امام علی الهادی(ع) ذکر کرده‌اند. وی از زنان پرهیزکار و مورد احترام مردم قم بوده و همسرش موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی (امام جواد (شمرده می‌شد. بریهه بعد از وفات در محله موسویان، نزدیک آرامگاه حمزهٔ بن‌موسی بن‌جعفر و در کنار قبر همسر گرامی‌اش، به خاک سپرده شد .

۵ - فاطمه

او دختر محمد بن‌احمد بن‌موسی مبرقع بن‌محمد بن‌علی الرضا(ع) است و از راویان حدیث‌به شمار می‌رود. علامه نجفی از سید محمد غماری شافعی روایتی نقل می‌کند که نام این بانوی بزرگوار در سند آن به چشم می‌خورد. روایت چنین است :

عن فاطمه بنت الحسین الرضوی عن فاطمه بنت محمد الرضوی عن فاطمه بنت ابراهیم الرضوی عن فاطمه بنت‌حسن الرضوی عن فاطمه بنت محمد الموسوی عن فاطمه بنت عبدالله العلوی عن فاطمه بنت‌حسن الحسینی عن فاطمه بنت ابی‌هاشم الحسینی عن فاطمه بنت محمد بن‌احمد بن‌موسی المبرقع. عن فاطمه بنت الامام الحسن الرضا(ع) عن فاطمه بنت موسی‌بن جعفر(ع) عن فاطمه بنت الصادق جعفر بن‌محمد(ع) عن فاطمه بنت الباقر محمد بن‌علی(ع) عن فاطمه بنت السجاد علی بن‌الحسین زین‌العابدین(ع) عن زینب بنت امیر المؤمنین(ع) عن فاطمه بنت رسول الله(ص) قالت قال رسول الله(ص) :

الا من مات علی حب آل محمد مات شهیدا .

آگاه باشید هر که بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید مرده است .

فاطمه در شب پنجشنبه سال ۳۴۳ سرای خاکی را وداع گفت او در کنار بقعه موسی المبرقع، در چهل اختران قم، به خاک سپرده شد .

۶ - صفورا

او از نوادگان علی بن‌ابیطالب(ع) شمرده شده و بقعه‌اش پشت‌بارگاه امامزاده خاکفرج قم واقع شده در کنارش عموی او (محمد) نیز دفن شده است. فیض او را دختر طیب از فرزندان عمر الاطراف بن‌علی بن‌ابیطالب(ع) می‌داند. گنبد و حرم این بانوی پاکدامن در سال ۳۷۸ ه.ق ساخته شد. گروهی نیز بر این باورند که عمر بن‌علی بن‌ابیطالب دو همسر برگزید که صفورا یکی از آنان است. نکته جالب این است که صفورا، به حروف ابجد برابر با عدد ۳۷۸ یعنی سال وفاتش است. این احتمال وجود دارد که تنها، سال وفات این بانو معلوم بوده، مؤمنان به حروف ابجد روی آورده او را صفورا نامیده‌اند .

۷ - خدیجه

بقعه وی در قریه «خدیجه خاتون» واقع شده است. در یکی از کتیبه‌های بقعه این عبارت نوشته شده است «ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی، امر بتجدید بناء مشهد المقدس مضجع المعصومه سیدهٔ النساء خدیجه بنت الامام المعصوم جعفر بن‌الامام الباقر علی بن‌الحسین بن‌امیرالمؤمنین علی بن‌ابیطالب علیهم الصلاهٔ و السلام» و به این طریق نسب وی را به امام صادق(ع) رسانده است. عباس فیض که در زمینه قم‌شناسی از محققان ارجمند به شمار می‌رود در تالیف پربارش گنجینه آثار قم خدیجه را از نوادگان علی بن‌حسن العلوی العریضی و از دودمان علی بن‌جعفر می‌داند و می‌گوید :

آنچه که اهل محل در باره وی معتقدند که نامبره فرزند بلافصل امام صادق(ع) و عمه ستی فاطمه معصوم(س) است‌با هیچ مستند و منطقی وفق نمی‌دهد چه بر اینکه در آن عصر هنوز موقع مناسبی برای هجرت سادات و سکونتشان در روستاهای قم به وجود نیامده بود و در میانه دختران امام صادق هم که باختلاف سه تا شش تن نامبردار شده‌اند اصولا خدیجه نامی وجود ندارد .

۸ و۹ - زینب، مریم

از این دو به عنوان دختران امام موسی بن‌جعفر(ع) نام برده شده استو در بقعه خدیجه خاتون دفن شده‌اند. و نوشته‌ای که از بقعه‌ای (روی خشت) به دست آمده با عبارت ذیل این نسب را بیان می‌دارد «هذا ضریح اولاد الامام المعصوم موسی بن‌جعفر(ع) و هما «... بر روی خشت دوم چنین می‌خوانیم «بن‌موسی علیهما السلام و الاختین اسمهما و زینب و مریم بنتا الامام الشهید المطهر موسی بن‌جعفر علیهما السلام» بر کتیبه سنگی ایوان شرقی بقعه این عبارت دیده می‌شود :

«هذا مرقد المطهر المعصوم امامزادگان واجب التعظیم و التکریم شاهزاده عبدالرحمن و عبدالله و ابنا موسی بن‌جعفر علیه السلام و زینب خاتون و فاطمه خاتون و خدیجه خاتون، و مریم خاتون و رقیه خاتون بنات موسی بن‌جعفر علیهما السلام» .

البته امام موسی بن‌جعفر(ع) دختری به نام مریم نداشت از این روی احتمال این می‌رود که به خاطر قداست نسب اشخاص تنها به آخرین نسب که طبیعتا به ائمه ختم می‌شود، اشاره شده باشد بنابر این تمام این افراد احتمال دارد از نوادگان آن امام معصوم باشند .

اصل این بقعه در دوره ایلخانیان ساخته شده، ولی در دوره صفویه مرمت‌شده است .

۱۰ و ۱۱ - حلیمه، زینب

این بانوان نیز از نوادگان امام کاظم(ع) شمرده می‌شوند شیخ مفید از حلیمه و زینب به عنوان دختران امام کاظم نام می‌برد همچنین در «تاریخ موالید الائمه و وفیاتهم «نیز از اسم این دو در بین دختران امام کاظم نام برده شده است .

محل دفن این دو در بقعه چهار امامزاده واقع، در قهستان قم در دو بقعه کنار هم می‌باشد. یکی از آنها به حلیمه اختصاص دارد. بر روی صندوق مزارش کتیبه‌ای که با صلوات کبیره و تاریخ «غره شهر جمادی الاولی سنهٔ اثنتین و ثلاتین و الف من هجرهٔ النبویهٔ صلی الله علیه و اله العبد نور الله بن‌حبیب‌الله» مزین شده دیده می‌شود .

بر صندوق مزار دیگر، که به زینب، از نوادگان امام کاظم(ع) منسوب است، صلوات بر معصومین که چنین ختم می‌یابد دیده می‌شود «... و الحجهٔ القائم الخلف الصالح الامام الهمام المنتظر محمد المهدی .«

محمد، حسین، حلیمه و زینب، علویان خفته در این بقعه‌اند که همگی از نوادگان امام کاظم(ع) شمرده می‌شوند .

۱۲ - فاطمه

او دختر قاسم بن‌احمد بوده، همراه برادرش احمد بن‌قاسم بن‌احمد بن‌علی بن‌جعفر الصادق(ع) در محله دروازه قلعه .ق ساخته شده است. او مادر محمد عزیزی است; محمد عزیزی فرزند عبدالله بن‌حسین

بن‌علی بن‌محمد بن‌امام (خیابان معلم، فلکه معلم) دفن شد. فاطمه در مقبره مالون مدفون است. بقعه این مقبره احتمالا در سال ۷۰۸ ه صادق(ع (می‌باشد. حسن قمی نسب وی را چنین بازگو می‌کند: «سید محمد بن‌عبدالله عزیز بن‌حسین بن‌علی بن‌محمد دیباج بن‌امام جعفر صادق و مادرش فاطمه بنت قاسم» سید در اواخر قرن سوم برای زیارت عتبات عالیات با کاروانی راهی بغداد شد. در نزدیکی نهروان با گروهی از راهزنان روبه‌رو شد و به قتل رسید مهاجمان با بی‌رحمی سر از تن او جدا کردند همراهان تن او را به قم آورده در نزدیکی مسجد رضائیه به خاک سپردند و پس از دفن بر مزار قبرش قبه‌ای ساختند .

در باره فاطمه گاه نظرات متفاوتی دیده می‌شود برخی او را خواهر احمد بن‌قاسم بن‌احمد بن‌علی بن‌جعفر بن‌محمد بن‌علی بن‌الحسین یاد کرده و می‌گویند در جوار برادرش مدفون است و برخی او را فاطمه دختر احمد بن‌قاسم بن‌احمد بن‌علی بن‌جعفر الصادق(ع)، همسر عبیدالله بن‌عزیز بن‌حسین بن‌علی بن‌محمد دیباج بن‌محمد الصادق(ع)و مادر سید سربخش شمرده، آرامگاهش را در کنار مزار شاهزاده احمد بن‌قاسم، پدر گرانقدرش، دانسته‌اند .

۱۳ ،...،۱۶ - خدیجه، سکینه، فاطمه و رقیه

مزار این چهار تن در بقعه‌ای، در قسمت‌شرقی شاهزاده طیب و طاهر در اراضی نجم‌آباد، واقع است. انتساب آنان به امام سجاد بر اساس لوح مزار آنهاست. احتمال می‌رود این بانوان از دختران ابوطالب محسن بن‌حسین بن‌علی بن‌عمر بن‌حسن الافطس باشند چه قبر پدرشان نیز در همان نزدیکی می‌باشد. این احتمال از آن جهت تقویت می‌شود که در بین دختران امام سجاد نامی از سکینه و رقیه برده نشده است .

۱۷ - رقیه

این بانوی پرهیزکار در بقعه شش امامزاده واقع در روستای قمرود قم آرمیده است در آن مکان به غیر از وی، محمد، حسن، قاسم، حمزه و خالد نیز دفن شده‌اند. نسب این امامزادگان به امام موسی کاظم(ع) می‌رسد. برخی از محققان احتمال داده‌اند که (محمد، حمزه و خالد) فرزندان ابوجعفر محمد صورانی بن‌حسین بن‌اسحاق بن‌امام کاظم(ع) باشند .

۱۸ - سکینه

او را از نوادگان امام کاظم دانسته‌اند. احتمال دارد که او، سکینه دختر حسین‌بن محمد بن‌علی بن‌قاسم بن‌عبدالله بن‌موسی کاظم(ع) باشد. سیکنه، مادر سید مطهر فرزند علی بن‌سلطان محمد شریف است که در قم دفن شده است. محل قبر وی در سی کیلومتری شرقی قم، نزدیک جاده کنونی قم – کاشان و در حوالی ویرانه‌های قاسم‌آباد، که کنار راه قدیم و نزدیک دهکده زالون‌آباد است، دیده می‌شود .

۱۹ - زینب

او در بقعه سلطان محمد، در روستای صرم دفن شده و از فرزندان با واسطه امام کاظم است این دهکده در جنوب شرقی قم قرار دارد .

۲۰ - معصومه

آرامگاه این بزرگوار در روستای کهک قهستان قم واقع شده و این بانو از فرزندان با واسطه موسی بن‌جعفر(ع) شمرده می‌شود. بنای این مزار مربوط به دوره صفوی و تعمیر آن توسط شاه بیگم، بانوی نیکوکار دوره صفوی انجام یافته است، شاه بیگم در سال۹٦۹ وفات یافت و طبق وصیت‌خود در حرم حضرت معصومه دفن شد .

۲۱ و ۲۲ - ام سلمه، ام کلثوم

این دو دختران محمد بن‌احمد بن‌موسی مبرقع هستند و در چهل اختران دفن شده‌اند، در کتیبه‌ای که در ساختمان بزرگ کنار بقعه موسی‌مبرقع واقع شده سال ۸۵۱ نوشته شده است .

۲۳ ،...،۲۶ - شهربانو، حلیمه، رقیه، زینب

این بزرگان در امامزاده هادی که در قریه وشنوه در ۸ فرسخی قم واقع است دفن شده‌اند. این بقعه در شمال روستا قرار دارد و پانزده امامزاده را در خود جای داده است: «هادی و شهربانو» از نوادگان امام سجاد(ع)، «حلیمه و رقیه» از نوادگان امام محمد باقر(ع)، و «زینب» از نوادگان امام کاظم(ع) شمرده می‌شوند .

به گفته گروهی از پژوهشگران شهربانو خواهر هادی و بانوان بقعه، یکی پس از دیگری همسر وی بوده‌اند. بنای این مزار از یادگارهای دوره صفوی است.

تولیت حرم

موسی بن خزرج نخستین کسی بود که تولیت مزار شریف کریمه اهل بیت را بر عهده گرفت.

پس از گذشت چند سال حضرت زینب دختر امام جواد(ع) قبه ای از آجر بر فراز آرامگاهش بنا کرد.

در طول عصر امامت، وکلای امامان شیعه به این مهم می پرداختند.

«حسین بن اشکیب سمرقندی» متوفای بعد از ۲٦۰ هجری قمری، از دانشمندان نامور ایران و از اصحاب امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) ازجمله افرادی است که در اواسط قرن سوم هجری تولیت آستانه مقدسه قم را بر عهده داشت.

احتمال دارد وکیل وقت امام حسن عسکری(ع)،«احمد بن اسحاق اشعری » در زمان حیات امام یازدهم نیز تولیت آستانه مقدسه قم راعهده دار بوده باشد.

فصل چهارم: عصر حاضر

حاجت یافتگان[۱۰۵]

شفا یافتن زن فلج شده

زن فلجی را از کاشان به منظور شفا گرفتن از حضرت معصومه (علیهاالسلام) به حرم خانم آورده بودند. نیمه‌های شب بود که خادمان با صدای فریاد زن به سویش آمدند، دیدند که زن روی پاهایش ایستاده و راه می‌رود و می‌گوید بی‌بی شفایم داد.

شفایافتن چشم دختربچه

دخترک بعد از این که فهمید باید چشمش عمل شود خیلی بی‌تابی می‌کرد، چون خیلی ترسیده بود. به پدرش گفت مرا به حرم حضرت معصومه ببرید شفایم را از خانم می‌گیرم. پدر او را به حرم برد. دخترک به طرف ضریح مقدس دوید با گریه و ناله، چشمانش را به ضریح می‌مالید و به خانم می‌گفت که از عمل می‌ترسد، نکند چشمانم کور شود. و همین طور ناله می‌کرد و از خانم شفایش را درخواست می‌کرد. با اصرار پدر از حرم خارج شده و به صحن آمد ناگهان پدر نگاهش به چشم دخترک افتاد. وای خدای من از لکه سفید در چشم خبری نیست. بله دخترک شفا گرفته بود.

حل مشکلات علمی دانشمندان

عنایات حضرت فاطمه معصومه (علیهاالسلام) منحصر به جنبه مادی و اقتصادی و ظواهر زندگی نبوده و در این محدوده خلاصه نمی‌شود بلکه آنان که تشنه مقامات معنوی و طالب علم‌اند و به دنبال حمل مشکلات علمی، گام برمی‌دارند؛ با استمداد از انفاس قدسیه ایشان و در پرتو توسل به ذیل عنایت آن مکرمه، حجاب‌های علمی را کنار زده و حاجاتشان روا شده است.

ملاصدرا یکی از آنان است که هرگاه دچار مشکل علمی می‌شد رهسپار حرم یار شده و از وجود مقدس خانم مدد جسته و با جواب باز می‌گشت.

---

[۱۰۵]. کرامات نقل شده برگرفته از کتاب حضرت معصومه (سلام‌الله علیها) چشمه جوشان کوثر، با تلخیص

کمک به نیازمندان

سیدی از شدت فقر و بالا رفتن بدهکاریش به مغازه‌دار محله دیگر روی این را نداشت به درون محل برود. روزی از شدت ناراحتی با خود گفت به حرم عمه‌ام حضرت معصومه (علیهاالسلام) می‌روم و درد دلم را به ایشان می‌گویم که چه باید بکنم.

مرد می‌گوید: با عصانیت وارد صحن شدم ناگهان خانمی با پوشش کامل به سمت من آمد و پاکت نامه‌ای به دستم داد و گفت آقا سید این مال شماست. من که عجله رفتن به سمت ضریح مطهر را داشتم به پاکت توجه‌ای نکردم کمی جلوتر توجه‌ام به پاکت جلب شد. در آن را گشودم دو هزار تومان پول در آن بود. دنبال زن گشتم نیافتمش. دریافتم که هدیه‌ای از جانب حضرت فاطمه معصومه (علیهاالسلام) دریافت کرده و سخت از نحوه سخن گفتنم با خانم شرمسار شدم.

از اینگونه عنایات و کرامات از سوی حضرت فاطمه معصومه (علیهاالسلام) کم نیست و چه بسیارند کسانی که در هنگام غم و درد و اندوه به حرم مطهر خانم پناهنده شده و دست توسل را به بارگاه ملکوتی ایشان بلند کرده و طلب استشفاء و رفع درد و نیاز خود می‌کنند.

چه بسیارند افرادی که با دلی سرشار از امید و توکل به خداوند در حریمش عرض حاجت می‌کنند و امید اجابت دارند. چرا که حضرت را کریمه اهل بیت می‌خوانند و چه بسیارند کسانی که حاجت خود را از کریمه اهل بیت گرفته‌اند و جایی نقل نکرده‌اند.

اشعار

چند بیت شعر در رابطه با حضرت فاطمه معصومه (علیهاالسلام):

ما جرعه‌نوش قطره آبی ز کوثریم　　از امت رسول و محبان حیدریم

مدح و ثنای آل محمد شعار ماست　　ما ریزه‌خوار دختر موسی بن جعفریم

به جان پاک تو ای دختر امام، سلام　　به هر زمان و مکان و به هر مقام، سلام

تویی که شاه خراسان بود برادر تو　　برآن مقام رفیع و بر این مقام، سلام

به هر عدد که تکلم شود به لیل و نهار هزار بار فزون تر زِ هر کلام، سلام

ز صبح تا شب و از شام، تا طلیعه صبح بر آستانه قدست علی الدوام، سلام

در آسمان ولایت، مه تمامی تو ز پای تابه سرت ای مه تمام، سلام

به پیشگاه تو ای خواهرشه کونین ز فرد فرد خلایق، به صبح و شام سلام

منم که هر سر مویم به هر زمان گوید به جان پاک تو ای دختر امام، سلام

منابع و مآخذ :

- سایت اینترنتی تبیان به آدرس الکترونیکی : www.tebyan.net
- سخنان محقق تاریخ ائمه حضرت حجۀ الاسلام والمسلمین نظری منفرد
- الیاس محمدبیگی ، زندگی نامه حضرت معصومه علیها السلام ، قم، انتشارات آستانه مقدسه قم،١٣٧٤
- سیدجعفر میر عظیمی ، بارگاه معصومه تجلیگاه فاطمه زهرا، قم، انتشارات میراث ماندگار، ١٣٨٤
- شیخ طوسی، تهذیب، ج٩ ،تهران ،طبع دارالکتب ،١٣٧٦
- ثقۀالاسلام کلینی(ره) ، اصول کافی، ج ١ ،تهران، انتشارات اسوه،١٣٧٩
- شیخ مفید، ارشاد، تک جلدی، قم، موسسه اعلمی
- ابن شهرآشوب، مناقب آل‌ابی طالب، ج ٤، تهران: زبان نوین، ١٣٧٨
- محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ٤٨ - ج٦ – ج١٠٢ - ج١٠٣- ج٦٠ – ج٣٦- ج١٠- ج٦٨ - ج٤٣
- سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، طبع مکتبه نینوی
- سید محسن امین ، اعیان الشیعه ، ج ٢
- محمدبن‌الحسن الحرالعاملی، وسائل الشیعه ، ج ١٥ ، قم، موسسه‌النشرالاسلامی،١٣٨٤
- سید تاج‌الدین ابن زهره حسینی (م ٩٢١ ه ق) ، غایه الاختصار
- السید محسن الامین الحسینی العاملی، اعیان الشیعه ، ج٢ ،بیروت، دارالتعارف،١٣٧٩
- ابن صباغ مکی، فصول المهمه ، طبع موسسه اعلمی و بحار، ج٤٩
- مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، قم، موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه‌السلام، ١٣٧٢
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ٥، طبع دارالفکر بیروت
- مسعودی، مروج‌الذهب و معادن‌الجوهر ، ج٤، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،١٣٧٤
- طبرسی، اعلام الوری، طبع مکتبه العلمیه
- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج٣، طبع دارالکتاب بیروت
- جمال‌الدین احمد بن علی بن مهنا مشهور به «ابن عنبه» عمده الطالب فی‌انساب آل ابیطالب، انتشارات رضی
- عبدالله المامقانی ،تنقیح‌المقال، ج ١، قم، موسسه آل‌البیت (علیهم السلام) لاحیاءالتراث،١٣٨١
- ابن‌جعفر محمدبن جریربن رستم الطبری الصغیر، دلائل الامامه، قم، موسسه البعثه، مرکز الطباعه و النشر،١٣٧٢
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی ، تهران، اساطیر،١٣٨٨

– طبرسی، فضل‌بن‌حسن، تاج‌الموالید فی موالیدالائمه و وفیاتهم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی،۱۳۸۵
– اربلی، علی‌بن‌عیسی، کشف‌الغمه فی معرفه‌الائمه ، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱
– خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، تاریخ حبیب‌السیر ، ج ۲، تهران ، هرمس ، ۱۳۸۷
– احمدی ابهری ابراهیم، تذکره جامع الانساب فی قبور الاولاد الاطهار ، تهران
– خلیلی جعفر، موسوعهٔ العتبات المقدسه، ج۹، بیروت، موسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱٤۰۷ق
– ابن جوزی یوسف بن قزاوغلی، تذکرهٔ الخواص ، قم ، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷٦
– جزائری عبداللطیف‌بن ابی‌طالب، تحفهٔ العالم و ذیل‌التحفه ، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳٦۳
– اعتمادالسلطنه محمدحسن بن علی، مرآت البلدان ناصری، ج۱، تهران ، دارالطباعه دولتی، ۱۲۹۷
– دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه ، حرف ب، تهران، دانشگاه تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵
– حیاهٔالامام موسی‌بن‌جعفر(ع)، ج۲، قم، دارالاعتصام ، ۱۳۸٦
– قمی، عباس، سفینهٔ البحار و مدینه الحکم و الاثار ، ج ۲، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی،۱۳۷٤
– محلاتی ذبیح‌الله، ریاحین‌الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه ، ج ۵ ، تهران، دارالکتاب اسلامیه، ۱۳٤۹
– سپهر عباسقلی، ناسخ التورایخ، ج ۳
– شوشتری نورالله بن شریف‌الدین ،مجالس المؤمنین، ج ۱
– مهدی‌پور علی‌اکبر، زندگانی کریمه اهل بیت، قم، نشر حاذق، ۱۳۸۰
– ابن‌اثیر، علی‌بن محمد، اخبار الدول و آثار الاول
– ابن‌قولویه جعفربن محمد، کامل الزیارات، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۵
– امینی عبدالحسین، الغدیر، ج ۱، تهران، بنیاد بعثت، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳٦۸
– بحرانی عبدالله‌بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال ،ج۱، ج۲۱ ، قم، مدرسه الامام المهدی(عج)
– خوانساری حیدربن محمد، زبدهٔ التصانیف، ج ٦، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۸۰
– قمی عباس، مفاتیح الجنان، تهران، وصال اندیش، ۱۳۸۱
– شیخ محمدجواد شاه عبدالعظیمی ، شرح احوال حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و امامزادگان شهر قم
– عمر رضا کحاله ،اعلام النساء، دمشق، المطبعه الهاشمیه، ۱۳۷۸ق
– مجله پاسدار اسلام، آذر ۱۳۸۵، ش ۳۰۰، حجهٔالاسلام سید جواد حسینی

– تاریخ قرون وسطای باکو، س. ب. آشوربیلی،چاپ ۱۹٦٤ م
– تاریخ مناسبات فئودالی آذربایجان و ارمنستان، در قرنهای۱٦ –۱۹، ای. پ. پتروشوسکی، چاپ۱۹٤۹ م. لنینگراد
– رساله «روستای شیخلر» ، ق. صادقی، چاپ ۱۹۲۵م. باکو
– سفری به شمال ایران، ای. برزین، چاپ ۱۸۵۲م. مؤلف به سال ۱۸٤۱م
– سیف الدینی، نشریه شماره ۵۰۱۲ انیستیتوی علم تاریخ
– رساله «کاسپی‌یه» ، ب. آ. درن، چاپ ۱۸۷۵ م
– مقاله «ع. ک. علی‌اکبر اوف» چاپ ۱۹٦۰م. باکو
– بارگاههای آذربایجان، م. نئومام، چاپ ۱۹۹۲ م. باکو
– اسناد مربوط به تاریخ قرون وسطای‌باکو،ت.م.موسوی،چاپ۱۹٦۷ م.باکو
– اسناد گرد آمده در «آرشیو علوم آکادیمیک شوروی» که در بخش ب. آ. درن، در «لنینگراد» محافظت می‌شود.